

مبارزات کارگری در دو دهه اخیر
(یک جمع‌بندی)
شهلا دانشفر



فهرست

۱- مقدمه

۲_ فصل اول

- جنبش کارگری از مهر ماه سال ۵۷ تا ۳۰ خرداد سال ۶۰
- مشخصات برجسته این دوره
- محور اعتراضات کارگران در سال ۵۷
- به میدان آمدن کارگران نفت و کشاکش با جنبش اسلامی سال ۵۷
- مبارزات کارگران در سال ۵۸
- پاگیری جنبش شورایی در کارخانجات
- تشکیل کمیته های اعتصاب و شکل گیری شوراهای
- نگاهی به شوراهای فرافابریکی و سراسری کارگری:
- شورای مرکزی پالایشگاهها و صنعت نفت
- کانون شوراهای شرق تهران
- شورای متحد غرب تهران
- اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی گسترش و نوسازی صنایع ایران
- شورای متحد گیلان
- خانه کارگر محلی برای تجمع رهبران کارگری و شوراهای
- سندیکایی کارگران پروژه ای آبادان چگونه تشکیل شد
- مبارزات کارگری در سال ۷۹

۳_ فصل دوم

- مروری بر مبارزات کارگری از فاصله ۳۰ خرداد ۶۰ تا سال ۷۰

- عرصه های اصلی مبارزات کارگران در این دوره
- مبارزه علیه لوایح قانون کار رژیم

۳- فصل سوم

نگاهی به مبارزات کارگری از سال ۷۰ تا سال ۷۵

۴- فصل چهارم

- مبارزات کارگری از سال ۷۵ تا امروز

۵- فصل پنجم

- موقعیت کنونی جنبش کارگری
- سازمانیابی توده ای کارگری
- نسل جوان کارگری در ایران، خصوصیات و ویژگی های آن
- تصویری عمومی از جنبش کارگری در شرایط کنونی

۶- ضمیمه

- مبارزات کارگری در سال ۸۲
- حمله رژیم به کارگران در خاتون آباد يك اتفاق سیاسی مهم
- کارگران در سال ۸۳
- طومار اعتراضی کارگران را وسیعاً امضا کنید!
- نامه اعتراضی کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران به سازمانهای کارگری در سراسر جهان و سازمان بین المللی کار (آی ال او)
- به همه کارگران و مردم آزاده - شهلا دانشفر
- طومار اعتراضی کارگران در ایران با خواست ۴۵۰۰۰۰ تومان حداقل دستمزد

مقدمه

دوره حاکمیت جمهوری اسلامی، دوران سخت و پر مشقتی بری همه کارگران بوده است. طبقه کارگر در تمام دوران حاکمیت این رژیم زیر یورش و سرکوب قرار داشته است. این حکومت از همان آغاز به قدرت رسیدن شکار رهبران محبوب و پرنفوذ کارگری را در دستور قرار داد، تا ازین طریق مبارزه کارگری را خفه کند. یک خیل از مزدوران آموزش دیده در همه جا بسیج شده اند و ماموریتشان اینستکه که کارگر بانفوذ و محبوب را شناسائی کنند. همین بری زیر ضرب قرار گرفتن کافی است. هر اعتصاب و مبارزه ی چندین قربانی داشته است. اخراج، زندان، و حتی اعدام. این سرکوب مترادف بوده است با تحمیل فلاکت به تمام معنا بر بخش اعظم کارگران. هر روز شرایط سخت تر و دشوارتری بر کارگران تحمیل شده است.

اما آمار بروشنی نشان میدهد که کارگران از تك و تا نیفتاده اند. ارقام گویاست. بویژه طی چند ساله اخیر این مبارزات همگام با رشد اعتراضات توده ی در جامعه و در متن تحولات سیاسی در ایران روندی رو به رشد داشته است.

آنچه در این نوشته میخوانید مروری است بر جنبش کارگری در ایران از مهرماه ۵۷ تا لحظه حاضر یعنی سال ۱۳۸۱. طبعاً امکان آوردن همه اخبار در اینجا نبوده است و هدف هم این نبود. اما هیچ حرکت و مبارزه قابل توجهی از قلم نیفتاده است و ثانیاً هیچ استنتاجی را بدون در دست داشتن فاکتهای مشخص نیاورده ام. آنجا که امکان پذیر بوده فاکتها و رویدادها را هم یادآوری کرده ام تا برای کسی که احیاناً از زاویه تاریخ نگاری به این نوشته مراجعه میکند، قابل استفاده باشد.

بری تسهیل بررسی جنبش کارگری در این دو دهه من جنبش کارگری در ایران را به چهار دوره تقسیم کرده ام:

* دوره اول - مهر ماه سال ۵۷ تا ۳۰ خرداد سال ۶۰

* دوره دوم - ۳۰ خرداد ۶۰ تا سال ۷۰

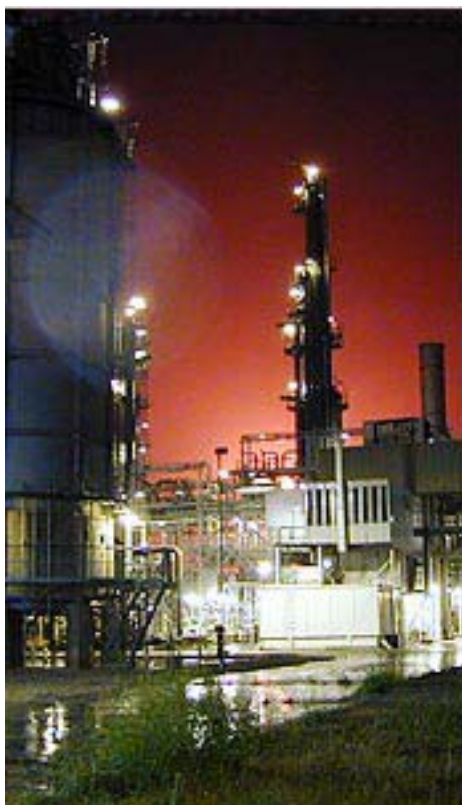
* دوره سوم - سال ۷۰ تا سال ۷۵

* دوره چهارم - سال ۷۵ تا کنون

به فصل پنجم کتاب اختصاص دارد به نگاهی کوتاه موقعیت کنونی جنبش کارگری به لحاظ سازمانیابی توده ی کارگری، و جنبش اعتراضی کارگران که در آخر با جمع بندی ی کوتاه از این مبحث خاتمه می یابد.

۲۵ فوریه ۲۰۰۲

فصل اول
جنبش کارگری از مهرماه ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰



فصل اول:

جنبش کارگری از مهرماه ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰

مشخصات برجسته این دوره:

یک مشخصه مهم این دوره به میدان آمدن طبقه کارگر و بویژه کارگران نفت و نقش آن در سرنوشتی شاه و درانقلاب ۵۷ است.

جمهوری اسلامی رسماً به قدرت می‌رسد اما هنوز با مساله قدرت در جامعه تعیین تکلیف نشده است. جمهوری اسلامی تا سال ۶۰ در واقع ائتلافی موقت و سیال است. هر از چندگاه بخشی از شرکا طرد میشوند. و حکومت تلاش میکند ناخالصیها در صفوف خود را دور بریزد. از سوی دیگر طبقه کارگر و توده های معترض مردم در سطح جامعه هنوز در صحنه هستند و سرکوب نشده اند. از جمله هنوز نیروهای سیاسی اپوزسیون فعالیت دارند و روزنامه های چپ و کمونیستی انتشار مییابند. یک نشانه بارز عدم استقرار نهایی جمهوری اسلامی اینست که برای مثال هنوز حجاب اجباری نشده است و یا هنوز نتوانسته اند آنرا در همه جا بر زنان تحمیل کنند.

در این دوره شوراهای سراسری کارگری و شوراهای فرافابریکی پا میگیرند. این شوراهای در راس اعتراضات کارگری، قرار میگیرند.

در این دوره جنبش کارگری و اعتراضات توده ای در سطح جامعه اساساً تحت رهبری چپ قرار دارد.

از این دوره میتوان بعنوان دوره رشد رادیکالیسم در راس جنبش کارگری و رشد گرایش کمونیسم در درون جنبش کارگری نام برد.

محور اعتراضات کارگران در سال ۵۷

مبارزه علیه رژیم شاه ابتدا از دانشگاهها و محلات خارج از محدوده شروع شد و در ادامه خود

به اعتصابات گسترده کارگری منجر شده و بر بحرانی بودن شرایط سیاسی ایران افزود و رژیم شاه را در سراسیمگی سقوط قرار داد.

کارگران ابتدا با خواسته‌های صنفی چون سود ویژه، خواست پرداخت دستمزدهای معوقه و افزایش دستمزدها و دیگر خواسته‌های رفاهی به میدان آمدند و به نسبتی که فضای سیاسی جامعه تغییر میکرد شکل مبارزات رادیکالتر میشد و کارگران خواسته‌های وسیعتری را به میان میکشیدند.

خواست افزایش دستمزدها و مبارزه برای گرفتن سود ویژه، مبارزه برای گرفتن دستمزدهای معوقه و مقابله علیه تعطیلی کارخانجات، مبارزه علیه اخراج و مبارزه علیه ماده ۳۳ قانون کار شاهنشاهی که دست کارفرمایان را در اخراج کارگران باز میگذاشت، از جمله رئوس خواسته‌ها و مبارزات کارگران در اوائل سال ۵۷ بود. با رشد اعتراضات عمومی در سطح جامعه اعتراضات کارگری گسترده تر شده و رنگ و بوی سیاسی بیشتری بخود میگرفت. فضای جامعه هر روز بحرانی تر شده و دانشجویان جنبشید آموزگار بجای هویدا و بعد نیز روی کار آمدن دولت آشتی ملی شریف امامی سیر بهم ریختن شیرازه حکومت ۵۰ ساله شاهنشاهی در ایران را نشان میداد. شریف امامی با چهره آشتی ملی و قول افزایش ۷۵۰ تومان دریافتی‌ها کوشید که بر فضای اعتراض در جامعه و در میان کارگران خاتمه دهد. از جمله حقوق کارگران نفت افزایش چشمگیری یافت. اما شتاب سیر تحولات جامعه سریعتر از آن بود که او از این طریق بتواند جلودارش شود. دیگر فرصتی برای حاکمیت شاه باقی نمانده بود.

در این زمان خواسته‌ها و مبارزات کارگران نه تنها حول خواسته‌های صنفی و اضافه شدن حقوق و دریافتی‌هایشان بلکه شعارهای زندانی سیاسی آزاد باید گردد، آزادی تشکل و اعتصاب، آزادی مطبوعات و لغو سانسور، عدم فروش نفت به رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی و به اسرائیل به خواست کارگران تبدیل شد. اعتصابات کارگری در مراکز کلیدی کارگری همچون نفت، مخابرات، توانیر، آب، شهرداری و امثال اینها حکومت را فلج کرده بود. کمیته‌های اعتصاب در راس اعتراضات کارگری نقش مهمی در هماهنگی و سراسری کردن مبارزات کارگری ایفاء کرده و خود به نطفه‌های اولیه شکل‌گیری شوراهای پر قدرت کارگری در سال ۵۷ تبدیل شد. ابتکارات جدید و غیرمنتظره‌ای از سوی کارگران به کار گرفته میشد و نشان میداد که کارگران از سطح آگاهی بالایی برخوردارند.

در مهر ماه ۵۷ جنبش برای سرنگونی رژیم شاه، با ورود کارگران نفت به میدان مبارزه وارد فاز جدیدی شد و طبقه کارگر در راس این جنبش قرار گرفت. با به میدان آمدن کارگران نفت توازن قوا بکلی تغییر کرد و حتی حکومت نظامی ازهاری نیز نتوانست این موج را به عقب براند. چشم‌ها همه بطرف طبقه کارگر و قدرت متحیر کننده آن خیره شد. شعار "کارگر نفت ما رهبر سر سخت ما" به شعار همه مردم تبدیل شد.

اعتصاب کارگران نفت سریعاً تمام پالایشگاه‌ها را در بر گرفت و بیش از ۴ ماه طول نکشید که شیرازه دولت در هم ریخت و رژیم شاه سرنگون شد.

کارگران نفت به میدان می آیند

در ۱۵ مهرماه ۵۷ پس از حادثه آتش زدن سینما رکس آبادان بود که در بخش‌های مهم پالایشگاه آبادان کمیته محلی اعتصاب تشکیل گردید. در همین هنگام بخشی از کارگران اداره کالاها با طرح چند خواست صنفی دست به اعتصاب زدند. مقامات صنعت نفت که وضعیت را وخیم تشخیص داده بودند به کارگران تا ۲۲ مهرماه فرصت دادند که به خواسته‌هایشان رسیدگی شود. در این روز کارگران در بیرون اداره کالاها تجمع کرده و اعتصاب آغاز شد و علی‌رغم دو روز مذاکره مسئولان امر با کارگران اعتصاب ادامه یافت. در ۲۴ مهر قوای حکومت نظامی متشکل از نیروی زمینی، دریایی، شهربانی و ساواک اعتصابیون را محاصره کردند. ۸ نفر از اعتصابیون به ستاد حکومت نظامی منتقل شدند. اما کارگران همه دست به اعتصاب زده و خواهان آزادی آن هشت نفر شدند و کارگران دستگیر شده پس از ۱۲ ساعت از زندان آزاد شدند. در ۲۵ مهرماه کارگران جدا از خواسته‌های صنفی خواست عدم دخالت نیروی نظامی در امور پالایشگاهها و عذرخواهی کتبی رئیس گارد پالایشگاه عامل ورود قوای نظامی به پالایشگاه، شدند. در اواخر مهرماه دیبا از مقامات نفت برای ختم اعتصاب وارد محل اداره کالاها شد. اما با سخنرانی یکی از کارگران، اعتراض در سالن شدت یافت و دیبا مجبور به فرار شد. هوشنگ انصاری رئیس نفت کارگران را به مذاکره دعوت کرد و مهلتی چند روزه خواست. پس از آن با ۷۵۰ تومان اضافه دستمزد موافقت شد. روز ۱۳ آبان کارگران پتروشیمی آبادان به محل اداره مرکزی در خارج پالایشگاه آمدند و خواستار همبستگی و اتحاد با کارگران اعتصابی شدند و دست به تحصن زدند. نیروی نظامی به محل آمده و در

درگیری با کارگران یکی از کارگران مجروح شد. روز ۱۴ آبان با روی کار آمدن دولت حکومت نظامی از هاری کارگران خواهان لغو حکومت نظامی شدند. از هاری دستور دستگیری کارگران را داد. بیش از ۶۰۰ نفر دستگیر شدند و به زندان کارون اهواز برده شدند. اما تظاهرات کارگران ادامه یافت و کار پالایشگاهها مختل شد. شعار کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما در همه جا طنین انداخت. در این هنگام ما شاهد قدرت گیری يك اپوزسیون پرقدرت کارگری و قدرتنمایی چپ و کمونیسم در میان کارگران هستیم.



اجتماع اعتراضی کارگران نفت در آذر ۵۷ - دسامبر ۱۹۷۸

در تاسیسات نفتی ری، جنوب و اهواز کمیته های اعتصاب در راس حرکات اعتراضی کارگران قرار گرفتند. اعتراض سراسر تاسیسات نفتی را فرا گرفت. صدور نفت قطع شد. صف های طویل مردم برای خرید نفت در سرمای زمستان سال ۵۷ و شادی آنها از قدرت کارگران نفت در به زانو کشاندن رژیم شاه موقعیتی کلیدی به کارگران نفت و طبقه کارگر در انقلاب ۵۷ داده بود. خطر قدرت یابی بیشتر کارگران و در راس آن کمونیسم اپوزسیون راست اسلامی را به تکاپو انداخت. با رهنمود خمینی از پاریس بازرگان و رفسنجانی و صباغیان برای کنترل اعتصاب کارگران به جنوب راهی شدند. قدرت گیری کارگران، نیروی نظامی و دولت شاه را وادار نمود که ملزومات ورود این هیات به جنوب را فراهم کنند. نمایندگان خمینی کارگران را

به اعتصاب همگانی علیه شاه به رهبری خمینی فراخواندند و از کارگران خواسته شد که دیگر مطالبات را به بعد از رفتن شاه موکول کنند. حزب توده و اکثریت و طیف پروروس، به همراه طیف جبهه ملی و لیبرال همگی به حمایت از خط هیات اعزامی خمینی، جبهه ائتلافی ملی - اسلامی را تشکیل دادند. هیات اعزامی خمینی با کمیته اعتصاب صنعت نفت نشست هایی داشت و سرانجام کمیته اعتصاب بطور مشروط پذیرفت که مصرف داخلی نفت را تامین کند اما از صادرات نفت، تا رسیدن اعتصابات به اهداف خود ممانعت نماید. بدنبال آن کارگران به سر کارشان بازگشتند. سازش کمیته اعتصاب با هیات بازرگان موجب دست بالا پیدا کردن "خط امامی ها" یعنی طرفداران جنبش اسلامی و خمینی در مبارزات کارگران نفت گردید. اعتصاب تحت کنترل جریان اسلامی قرار گرفت. انجمن های اسلامی در صنعت نفت فعال شدند و تلاش کردند که جای حسن نزیه وزیر نفت را به خط امامی ها بدهند. به تدریج ابتکار عمل از دست کارگران پیشتاز و کمونیست خارج گردید و به دست اپوزیسیون اسلامی افتاد.



گزارشی از اعتراضات با شکوه کارگران بیکار در اصفهان (اسفند ۵۷ تا فروردین ۵۸)

یک تجربه آموزنده تاریخی از مبارزات کارگران بیکار

اعتراض کارگران بیکار در اصفهان از اوائل اسفند ۵۷ شروع شد. این کارگران اساساً از شرکتهای هلیکوپتر سازی (جی. اچ. بی) فلور، پلی اکریل، صنایع نظامی و دیگر کارگران بیکار شده در اصفهان و حومه این شهر بودند. اولین تجمع آنان در همان اوائل اسفند در مسجد طاهری انجام گرفت. در این حرکت اعتراضی تجمع کارگران با حمله دسته ای از حزب الله روبرو شد. یکی از کارگران مضروب شد و به داخل حوض مسجد افتاد. سپس چند نفر از حزب الله شیشه های مسجد را شکستند و برای به هم زدن تجمعات کارگران بیکار اعلام کردند که شیشه ها توسط کارگران شکسته شده است. اما علیرغم همه این فشارها مبارزات کارگران بیکار ادامه یافت.

در روزهای ۲۳ و ۲۴ اسفند ماه ۵۷ از آنجایی که وزیر کار وقت به اصفهان رفته بود کارگران بیکار موقعیت را عنایت شمرده و خود را آماده کردند تا خواسته هایشان را مطرح کنند. کارگران به باشگاه کارگران که محل سخنرانی وزیر بود رفتند. وزیر کار یکی دو ساعتی سخنرانی کرد اما کارگران که دیدند صحبت های وزیر دردی از آنها دوا نمیکند محل را ترک گفتند و مجدداً روز ۲۴ اسفند که قرار بود وزیر کار با کارخانه داران و تجار بزرگ اصفهان کنفرانسی داشته باشد، به محل کنفرانس رفتند. نمایندگان کارگران خواهان مذاکره فوری با وزیر شدند. وزیر کار تحت فشار کارگران کنفرانس را نیمه تمام رها کرده و حاضر شد با نمایندگان کارگران به مذاکره بنشینند. در همانموقع افراد مسلح "کمیته امام" به همراه یک سرگرد به محل آمدند. در مذاکراتی که صورت گرفت کارگران خواهان عیدی و پاداش سال نو شدند. با رسیدن سال جدید خبری از کمک به کارگران نشد و ۶ ماهی بود که حقوق و دستمزدی به آنان پرداخت نشده بود.

کارگران بیکار در اعتراض به این موضوع روز ۶ فروردین ماه ۵۸ دست به راهپیمایی زدند. از آغاز صبح آنروز هزاران کارگر در محل خانه کارگر اصفهان گرد آمده بودند. در ابتدای حرکت دو نفر از کارگران به پشت بلندگو رفت و مسیر راهپیمایی را توضیح داد. همانموقع یک نفر به پشت بلندگو رفت و کوشید که کارگران را از انجام راهپیمایی برحذر کند. او گفت:

"کارگران اگر واقعا به انقلاب و رهبر ایمان و اعتقاد دارند باید به جای نان یونجه هم شده بخورند و صبر داشته باشند." این سخنان با اعتراض شدید کارگران روبرو شد و میکروفون را او گرفتند. کارگران با شعار دادن ساواکی ساواکی مشت‌های گره کرده خود را به فرد مذکور نشان میدادند. در نتیجه این فشار او به داخل یکی از اطاق‌های خانه کارگر رفت و درب را به روی خود بست. مارش عظیم کارگران به سمت اداره کار شهر اصفهان به حرکت افتاد.

راهپیمایی کارگران فضای تمام شهر را تحت الشعاع خود قرار داده بود. کارگران شعار میدادند: "کارگر مسکن، نان و آزادی میخواهد،" "کارگر بیکار نباید گردد"، "کارگر اخراج نباید گردد". هنگامیکه صف راهپیمایی به نزدیک دانشگاه شهر رسید، سخنگوی کارگران از همه دانشجویان، استادان و معلمان مترقی خواست که از خواسته‌های بحق آنان حمایت کنند. جمعیت تظاهرکنندگان به ۲۰۰۰۰ نفر میرسید. عناصر حزب الله تلاش کردند که وارد صف تظاهر کنندگان شوند و مانع ادامه راهپیمایی شوند. میگفتند شعار کارگر نباید بیکار گردند شعاری کمونیستی است و این ضد انقلاب است. عناصر حزب الله به کارگران پیشروی را که در جلو صف حرکت میکردند و پشت بلندگوها شعار میدادند حمله کرده و آنها را از صف خارج کرده و مضروب میکردند. اما علیرغم همه این تحریکات راهپیمایی تا محل تعیین جلو ادامه یافت و کارگران در مقابل اداره کار تجمع کردند. در آنجا مسئولین کمیته امام از قبل آماده و مستقر بودند. پرورش بنیانگزار حزب جمهوری اسلامی در اصفهان به همراه یک نفر دیگر بلندگو را کارگران گرفته و نیمساعتی سخن گفت. به کارگران قول داد که خواسته‌هایشان را به استانداری و وزیر کار و امور اجتماعی برسان و از آنها بخواهد که به خواسته‌های کارگران رسیدگی کنند. هنوز سخنرانی پرورش تمام نشده بود که دو کامیون حامل حزب الله در محل حاضر شدند. از سوی آنان تظاهراتی علیه کارگران و کمونیستها به پا شد. با شعارهای زنده باد جمهوری اسلامی، مرگ بر کمونیست پلاکاردهای کارگران را آتش زدند. عناصر حزب الله به صفوف کارگران حمله کرده و آنها مضروب کردند و زد و خورد شروع شد.

بدین ترتیب راهپیمایی توسط عناصر حزب الله بر هم زده شد. در ادامه این روز کارگران برای تصمیم‌گیری در مورد نحوه ادامه اعتراضاتشان در محوطه خانه کارگر اصفهان جمع شدند و در آنجا چند هزار نفری گرد آمدند. کارگران تصمیم گرفتند دست به راهپیمایی مجددی بزنند. مسیر راهپیمایی از خانه کارگر بطرف چهارباغ بالا و سپس بسوی ایستگاه تلویزیون و اداره کار در خیابان آیینه خانه تعیین شد. شورای موقت کارگران شعارهایی را تعیین کرد و این شعارها

بر روی پارچه های سفید نوشته شد و کارگران با دست گرفتن آنها به حرکت در آمدند. کارگران شعار میدادند: "حقوق کارگران باید پرداخت گردد"، "نباید کارگر بیکار گردد". در اواسط راهپیمایی دوباره حزب الله خود را به محل رساند. کارگران مسیر خود را تغییر داده و به جای حرکت بطرف تلویزیون مستقیماً به سوی اداره کار حرکت کردند. در مقابل اداره کار بدلیل فشار عناصر حزب الله و مشکوک دیگر صف کارگران بهم ریخت و مجدداً درگیری شروع شد. عناصر حزب الله به زور بلندگو را از دست کارگران در آوردند. این بار نیز از سوی عناصر حزب الله تظاهراتی علیه کارگران برپا شد. حزب الهی ها نمایندگان کارگران را کتک زدند. هر دانشجو و دانش آموزی را که در صف کارگران بود به جرم حمایت از کارگران می گرفتند و کتک می زدند. پلاکاردهای کارگران را از بین بردند و سوزاندند و بعنوان ابزار سرکوب رژیم جلوی حرکت اعتراضی کارگران ایستادند. تعدادی از کارگران توسط یکی از اسلامی ها با وعده اینکه طاهری نماینده خمینی در اصفهان به خواستهای آنها رسیدگی خواهد کرد به خانه کارگر برگشتند. سپس باقی کارگران نیز به خانه کارگر رفتند. کارگران دوباره در خانه کارگر جمع شدند. حدود ۱۰۰۰ نفری میشدند. طاهری برای آنها سخنرانی کرد. او ضمن دادن وعده هایی گفت دولت موقت است و نمیتواند کار زیادی بکند و کارگران باید قدری صبر داشته باشند. او از کارگران خواست تا نمایندگان خود را انتخاب کنند و ساعت ۸ شب به منزل وی بفرستند تا کاری انجام دهند. کارگران نمایندگانشان را انتخاب کردند و شبانه نزد طاهری فرستادند و بدون گرفتن پاسخی آنروز پایان یافت.

پس از ۹ فروردین ۵۸ کارگران بیکار هر روزه گروه گروه به خانه کارگر می رفتند تا ببینند نمایندگان آنها چه گزارشی برای ارائه به آنان و پیشرفت کار دارند. روز ۱۸ فروردین بار دیگر کارگران در خانه کارگر جمع شدند تا برای پیگیری و ادامه حرکت اعتراضی خود تصمیم گیری کنند. جمعیت زیادی گرد آمده بود و تمام محوطه خانه کارگر پر بود. در این اجتماع یکی از کارگران در پشت بلندگو اعلام کرد که یکی از نمایندگان کارگران تهران پیامی برای آنها دارد و از کارگران خواست که به پیام وی گوش دهند. نماینده کارگران تهران با کلماتی ساده و شیرین از پشتیبانی کارگران تهران از خواستهای کارگران اصفهان و اینکه راه حل واقعی تنها اتحاد کارگران است سخن گفت. سخنان وی با استقبال فراوان روبرو شد. کارگران برای حفاظت وی از دست عناصر حزب الله دور وی حلقه زده بودند. پس از سخنان او یکی از نمایندگان کارگران سخن گفت. و از دیدار خود با طاهری در روز ۹ فروردین و بی نتیجه بودن همه

مذاکراتی که صورت گرفته است گزارش داد. او خبر داد که با استاندار شهر تماس گرفته اند و قرار است که در ساعت ۱۱ به جمع آنها بیاید و به مسائلمان پاسخ دهد. کارگران تا ساعت ۱۱ منتظر استاندار شدند اما خبری نشد.

در نتیجه کارگران تصمیم گرفتند بطرف استانداری راهپیمایی کنند و در آنجا به تحصن بنشینند تا به خواسته‌هایشان پاسخ داده شود. کارگران شعار میدادند: "حقوق کارگر پرداخت باید گردد."، "نباید کارگر بیکار گردد". بر روی پلاکاردها نوشته شده بود: "آیا کار، نان، مسکن، آزادی شعاری ضد انقلابی است؟". کارگران تصمیم گرفتند برای جلوگیری از بهم خوردن صف راهپیمایی خود کسی را به صف خود راه ندهند و هر کس حرفی خلاف خواست کارگران بگوید، او را از صف خارج کنند. صف تظاهرات به ۱۰ هزار نفر میرسید. شهر چهره دیگری بخود گرفته بود. صف تظاهرات کنندگان به چهارباغ بالا مقابل باشگاه کارگران رسیده بود که مهندس مصحف معاون سیاسی استاندار به آنجا آمد و بر روی ماشین جیب رفته و میخواست برای کارگران صحبت کند اما صدایش بشدت ضعیف بود و احتیاج به بلندگو داشت. کارگران فریاد زدند: "تو که نمیتوانی بلند گو دستی پیدا کنی چگونه میتوانی به خواسته‌های ما رسیدگی کنی؟". در همان حال خبرنگار تلویزیون شروع به مصاحبه با مصحف کرد. او پس از توضیحاتی گفت: "عده ای ضد انقلابی که نمیخواهند بگذارند انقلاب اسلامی ما به ثمر برسد، دست به تحریک و شورش میزنند و از این وضعیت تنها آنها هستند که استفاده میکنند". اما او تحت فشار کارگران و جمعیت انبوه آنجا پس از نیمساعت ناچار شد حرف خود را پس بگیرد از کارگران عذرخواهی کند. ساعت سه و نیم این روز کارگران خواسته‌هایشان را بصورت قطعنامه ای نوشتند و به مصحف تحویل دادند. سپس کارگران با دادن همان شعارهای قبلی به راهپیمایی خود بطرف استانداری ادامه دادند.

هنگامیکه کارگران به دروازه دولت رسیدند متوجه شدند که جمعی از عناصر مشکوک و حزب الله که عمدتاً جوانانی بین ۱۳ تا ۱۷ سال بودند مسلح به چوب و چماق به کمین آنها نشستند. آنها با شعار "کارگر برزگر اسلام حامی توست" به صفوف کارگران حمله بردند و یکی از کارگران را کتک زده و کارگر دیگری را زخمی کردند اما با مقاومت کارگران به عقب رانده شدند. کارگران به راهپیمایی خود ادامه دادند و عناصر چماق بدست در پیاده رو به دنبال آنان میرفتند. سرانجام کارگران به محل استانداری رسیده و در همان جا به تحصن نشستند. برای جلوگیری از حمله عناصر چوب دست کارگران از میان خود نگهبانانی تعیین کردند و همانجا

روی زمین نشستند. مهاجمین به بحث و جدل با نگهبانان کارگران مشغول شدند و دوباره زد و خورد شروع شد. کارگران دیگر با کندن چوبی از درخت به کمک دوستانشان شتافتند و بالاخره نیروی مهاجم را فراری دادند. در این هنگام کارگران به چهار صف تقسیم شدند. دو صف اصلی بطرف خیابان سپه بودند و چون مهاجمین با سنگ به آنان حمله میکردند آنها نیز متقابلاً با سنگ پاسخ میدادند و از خود دفاع میکردند. بطوریکه کمیته ای ها نیز به حمایت مهاجمین آمدند و شروع به تیراندازی کردند. یکی از رگبار ها به صف اول کارگران برخورد کرد و در همانجا ناصر توفیقان از رهبران کارگران بیکار اصفهان به قتل رسد و چند کارگر دیگر نیز زخمی شدند که بعداً دو نفر آنها از شدت جراحات وارده جان خود را از دست دادند. پس از تیراندازی ها دوباره سروکله طاهری با همان حرفهای همیشگی ظاهر شد. کارگران که همکار و هم‌رزم گرانقدری را از دست داده بودند تصمیم گرفتند که روز بعد در باشگاه کارگران جمع شوند. کارگران خواهان تحویل جنایتکاران به کارگران و دادگاهی کردن آنها بودند.

تحصن کارگران بیکار در اصفهان، راهپیمایی عظیم کارگران در این روز خاطره ای تاریخی در جنبش کارگری در ایران است. اتحاد و همبستگی کارگران در این روز، پیگیری و پافشاری آنها بر روی خواسته‌هایشان قدرتمندی عظیمی بود که یاد آن هنوز در خاطره ها زنده است. قتل ناصر توفیقان از رهبران کارگران بیکار در این روز، سند دیگری است از انبوه جنایات جمهوری اسلامی که هیچ گاه از پرونده سیاه آن پاک نخواهد شد.



مبارزات کارگران در سال ۵۸

خواست افزایش دستمزدها، خواست بیمه بیکاری، خواست بازگشت بکار تمامی کارگران اخراجی، لغو قانون کار شاهنشاهی، ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیلی، آزادی تشکل و اعتصاب، آزادی بیان و مطبوعات، پاکسازی کارخانجات از عناصر ساواکی و وابسته به رژیم شاه، برگزاری اول ماه مه و تلاش برای به رسمیت شناخته شدن این روز بعنوان روز جهانی کارگران، تلاش برای انحلال کمیته های امام و کنترل شوراها بر کارخانجات، از جمله رئوس خواستها و مبارزات کارگران بعد از انقلاب ۵۷ و سال ۵۸ بود. کارگران نفت که قدرت متحد طبقه کارگر و نقش کلیدییشان را در سرنگونی شاه تجربه کرده بودند خواهان شرکت در شورای انقلاب بودند.

عرصه های اصلی مبارزات کارگران در سال ۵۸ عبارت بود از:

-مبارزه برای لغو قانون کار شاهنشاهی و برای يك قانون کار کارگری یکی از عرصه های مهم مبارزه کارگران در این دوره بود. در همین راستا خواستهای حق تشکل و اعتصاب، افزایش دستمزدها به نسبت تورم، ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیلی در هفته، بیمه بیکاری برای همه بیکاران و غیره و غیره به رئوس خواستهای کارگران و رئوس يك قانون کار کارگری تبدیل شد. مبارزه علیه بیکاری و خواست بیمه بیکاری برای کارگران یکی دیگر از عرصه های مهم مبارزات کارگران در این دوره بود. مهمترین نمونه این حرکات اعتراضی تحصن کارگران بیکار در وزارت کار تهران از ۲۷ اسفندماه ۵۷ تا ۱ فروردین ماه ۵۸ بود که کارگران توانستند پرداخت وام بیکاری به میزان ۱۲۰۰ تومان برای کارگران متاهل و ۹۰۰ تومان برای کارگران مجرد را به رژیم تحمیل کنند. نمونه برجسته دیگر تجمع ۱۰ هزار کار بیکار در اصفهان در ۱۸ فروردین ۵۸ بود که در جریان آن با تیراندازی پاسداران بسوی کارگران بیکار ناصر توفیقیان به قتل رسید. این واقعه رودرویی و جنگ رژیم با کارگران را بیش از پیش علنی کرد. از نمونه های دیگر مبارزات کارگران بیکار در این سال تظاهرات و راهپیمایی های متوالی سندیکای کارگران پروژه ای فصلی آبادان و تحصن کارگران بیکار در تبریز بود. در این دوره کارگران بیکار به تشکیل خانه کارگر بعنوان محلی برای اجتماع و سازماندهی مبارزاتشان اقدام کردند.

يك موضوع ديگر مبارزات كارگران در اين سال مبارزه براي پاكسازي كارخانجات از عناصر وابسته به رژيم شاه بود. در بسياري از كارخانجات شوراهای كارگری با بيرون راندن مديرعامل توانستند عملاً كارخانه و توليد را بدست بگيرند. اما بتدريج و با تهاجم هر روزه رژيم به كارگران و دست بالا گرفتن انجمن های اسلامی و خط امامی ها در كارخانجات، مساله پاكسازي كارخانجات از عناصر وابسته به رژيم شاه به اخراج كارگران كمونيست و مبارز تحت عنوان پاكسازي كارخانجات از عناصر ضد انقلاب تبديل شد

بعد از انقلاب ۵۷ همچنين ما شاهد برگزاری با شكوه اول ماه مه بعنوان روز جهانی همبستگی كارگری در ايران هستيم. مراسم باشكوه اول ماه در سال ۵۸ نماينگر نقش گرايش چپ و كمونيسم در راس جنبش كارگری در ايران بود كه بعنوان روزی مهم در تاريخ جنبش كارگری در اين دو دهه بايد ثبت گردد.

يك خواست مهم و اساسی ديگر كارگران در اين دوره طرح خواست قراردادهای دسته جمعی از سوی كارگران نفت بود. تظاهرات وسيع كارگران پروژه ای آبادان در مقابل وزارت نفت در تهران و در جنوب براي استخدام رسمی و اجرای قرار دادهای دسته جمعی و اعتراضات پی در پی آنان برای رسيدن برای اين خواست از مهمترين اين حرکات اعتراضی در اين دوره بود.

مبارزه برای ۴۰ ساعت كار و دو روز تعطیلی در هفته از ديگر عرصه های فعال اعتراض كارگران در سالهای ۵۷ و ۵۸ بود. كارگران توانستند در بسياري از كارخانجات اين خواست خود را متحقق كنند. تعطیلی روز پنجشنبه در كارخانجات بسياری بصورت عرف معمول درآمد.

پاگیری جنبش شورایی، جنبش اعتراضی وسيع عليه بيكاری، جنبش ۴۰ ساعت كار، از جمله نقطه قوتهای جنبش كارگری در اين دوره است. اين دوره از مبارزات كارگری به لحاظ سازماندهی مبارزه و تشكیل يابی و به لحاظ سطح خواستهای كارگران تجربيات با ارزشی برای جنبش كارگری در ايران بجا گذاشت.

تشکیل کمیته های اعتصاب و شکل گیری شوراهای در انقلاب ۵۷

با اوج گرفتن اعتراضات توده ای علیه رژیم شاه و با وارد شدن کارگران به میدان مبارزه کمیته ها و صندوق های اعتصاب کارگری در کارخانجات و مراکز بزرگ کارگری و در صنعت نفت شکل گرفت. این کمیته ها اساساً از فعالین چپ و رهبران اعتراضات جاری کارگری شکل گرفته بود و کار رهبری و هدایت مبارزات کارگران را به پیش میبردند. کمیته های اعتصاب در ابتدا شکل مخفی داشتند اما با رشد اعتراضات جاری و ارتباط گسترده آنان با کارگران شکل علنی پیدا کردند و در ادامه فعالیتشان به هیات های موسس شوراهای در سال ۵۷ تبدیل شدند. در واقع کمیته های اعتصاب نطفه های اولیه شوراهای کارگری در کارخانجات را تشکیل دادند و با شروع انقلاب ۵۷ در اکثر کارخانه های ایران شوراهای کارگری ایجاد شد. تجربه تشکیل صندوق های اعتصاب در انقلاب ۵۷ و تبدیل آنها به هیات موسس شوراهای در ادامه فعالیتشان تجربه ای آموزنده برای جنبش کارگری است. در این نوشته تلاش خواهیم کرد نگاهی مختصر به این تجربه داشته باشیم.

تشکیل شوراهای در انقلاب ۵۷

در اوایل آبان ماه ۵۷ با انحلال رسمی سندیکای نفت کمیته هماهنگی اعتصاب کارگران نفت تشکیل شد. همچنین در کارخانجات بزرگ دیگر در صنایع سنگین و ماشین سازی های تهران، تبریز، اصفهان، اراک، قزوین، شیراز، رشت و نیز در آب و برق، گمرک و مخابرات نیز کمیته های اعتصاب شکل گرفتند.

کمیته های اعتصاب در ابتدا عمدتاً علیه ماده ۳۳ قانون کار شاهنشاهی بند مربوط به اخراج و نیز خواستهای صنفی دیگری نظیر بازپرداخت حقوق معوقه و بازگشت به کار مبارزه میکردند. اما ظرف مدت کوتاهی خواستهای کارگران رنگ سیاسی بخود گرفت و از سوی آنان خواستهایی چون رفع سانسور، لغو حکومت نظامی را مطرح شد. کارگران مدیریت و اعضای سندیکای زرد را بازخواست میکردند و پاکسازی کارخانجات از عناصر وابسته به ساواک را به

پیش کشیدند. در اعتصابات کارگری در سال ۵۷ کمیته های اعتصاب، نقش هدایت مبارزات کارگری را به عهده داشتند.

در اوائل انقلاب تلاش زیادی شد تا نام کمیته های اعتصاب به کمیته امام تغییر یابد و در بعضی جاها این سیاست موفق شد. اما در بخش عمده کارخانجات کمیته های اعتصاب به شوراهای کارگری تبدیل شدند. مهمترین آن صنعت نفت بود. در آنجا کمیته اعتصاب به شورا تبدیل شد و شورای کارگران نفت نقش برجسته ای در انقلاب ۵۷ داشت. این شورا در مقابل حکومت نظامی از هاری ایستاد، با قدرت خواستها و اعتراضات کارگران را نمایندگی کرد و بعد از قیام ۵۷ نیز با خواست شرکت در شورای انقلاب در صحنه باقی مانده و به قدرت سیاسی رو داشت.

بدین ترتیب کمیته های اعتصاب بتدریج به شوراها تبدیل شدند و در اکثر کارخانه های ایران شوراهای کارگری ایجاد شدند.

شوراها هر روز قدرت بیشتری یافتند. در بعضی از کارخانجات شوراهای کارگری تا رفتن برای گرفتن کنترل تولید نیز پیش رفتند و برای کوتاه مدت توانستند کارخانجات را در دست بگیرند. یک نمونه برجسته این شوراها شورای کارخانه جنرال موتور بود. شورای کارخانه جنرال موتور در ادامه فعالیت خود توانست کنترل کارخانه را بدست گرفت.

در طرح مربوط به رئوس وظایف شورای این کارخانه آمده بود:

دفاع از خواسته ها و منافع کارگران در مقابل کارفرما، جلوگیری از اخراج و بیکار کردن کارگران، جلوگیری از تعطیل کارخانه بدون پرداخت حقوق کارگران، به وجود آوردن و اداره صندوق اعتصاب، هماهنگ کردن مبارزات کارگران جنرال موتور با کارخانه های دیگر، پرداخت حقوق و مزایای نمایندگان شوراهای کارگران توسط کارگران و ...

در ادامه رشد و گسترش شوراها، ما شاهد شکل گیری شوراهای سراسری کارگران در تهران و در شهرهای بزرگ بودیم و شوراها ابعادی فراکارخانه ای پیدا کردند. شوراها با مجامع عمومی کارگری در کارخانجات مختلف مرتبط بودند و با انتخاب نمایندگان شوراهای کارخانجات شوراهای سراسری شکل گرفت. به عبارت دیگر نمایندگان شوراهای کارخانه، شوراهای هر بخش و هر محل را تشکیل میدادند و نمایندگان شوراهای محلی شورای مرکزی را بوجود می آوردند.

در ۶ ماهه پس از قیام بیش از ۱۵۰ شورا تشکیل شد. تشکیل شوراهای سراسری کارگری در

پیشبرد مبارزه متحد و قدرتمند کارگران علیه رژیم شاه و پس از آن برای تحقق مطالبات کارگران نقش مهمی داشت. این شوراها در روند تحولات سیاسی جامعه هر روز شکل سیاسی تری بخود می‌گرفتند.

تصفیه عناصر ساواکی، کنترل تولید، افشاء و علنی شدن دیپلماسی سری، علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی از جمله خواستهایی بودند که شوراهای کارگری در این دوره به پیش کشیدند و محور اصلی خواستها و اعتراضات آنها را تشکیل میداد.

کارگران نفت در این دوره با خواست شرکت کارگران در شورای انقلاب عملاً خواهان شرکت در قدرت شدند.

در بعضی کارخانجات در همین دوره عملاً شوراها توانستند با اشغال کارخانه کنترل تولید و توزیع را در دست گرفته و از خروج کالا جلوگیری کنند. این شوراها خودشان به کارگران دستمزد میدادند. اقدام به اخراج و عزل مدیران کردند. حفاظت را منحل نمودند. آئین نامه های انضباطی، در کارخانه را ملغی کردند و راساً به محاکمه و اخراج عوامل ساواکی و سندیکای زرد پرداختند و غیره. از نمونه های آن شورای کارخانه جنرال موتور و بنز خاور بود. رشد و قدرت گیری شوراها از همان ابتدا موجب بیم و نگرانی رژیم بود. از قبل از قیام عناصر و نمایندگان اسلامی با رفتن به کارخانه ها و صحبت با شوراها سعی داشتند تا سدی در مقابل رادیکالیسم این شوراها باشند.

در اوائل انقلاب رژیم تلاش داشت که با حمایت خود و با کمک مدیریت و عوامل مزدور در کارخانجات با تغییر نام سندیکاهای شاهنشاهی به شورا از بوجود آمدن شوراهای واقعی کارگری در کارخانجات جلوگیری کند. از اینرو انحلال شوراهای فرمایشی یکی از عرصه های مبارزه کارگران در این دوره بود. سیاست دولت موقت و داریوش فروهر وزیر کار در آن مقطع در کل ضدیت با شوراها و ضدیت با چپ و کمونیست، احیاء سندیکاهای زرد شاهنشاهی، تهدید، توطئه و سرکوب بود. داریوش فروهر در خرداد ۵۸ طرح "نیروی ویژه تنظیم روابط کار" را به هیات وزیران ارائه داد و این طرح به تصویب رسید. هدف از این طرح جلوگیری از دخالت کمیته های اعتصاب و شوراهای کارکنان در امور کارخانجات بود. سیاست حزب جمهوری اسلامی و جناح حاکم بر رژیم نیز در تقابل با شوراهای کارگری ایجاد آلترناتیو اسلامی در مقابل شوراهای کارگری و بسیج نیروی حزب الله و تبلیغات علیه کمونیستها از یکسو و سرکوب آشکار از سوی دیگر بود.

بنابراین تغییر نام کمیته های اعتصاب به کمیته های امام، سازماندهی حزب الهی ها در مراکز کارگری و اشغال خانه کارگر به کمک کمپنها و نیروی انتظامی در راستای این سیاست بود. جناح حزب جمهوری اسلامی رسماً اعلام داشت که شورا تشکلی کمونیستی است و در مقابله با آن ایستاد.

بخش دیگری از حاکمیت سیاست مخدوش کردن شوراهای یعنی شوراهای طالقانی را آلترناتیو قرار داد. اینها با این بحث که اسلام خود طرفدار شوراهاست به مقابله با شوراهای کارگران پرداختند. در اردیبهشت ۵۸ طرح شوراهای ولایتی و ایالتی طالقانی ارائه شد. اساس طرح بر نقش مشورتی شوراهای تاکید میگذاشت. این اقدام سرآغاز تلاشی بود برای مخدوش کردن شوراهای. اما این سیاست در شرایط سیاسی بعد از انقلاب موثر واقع نشد.

جمهوری اسلامی که سرکوب انقلاب را در دستور داشت، بطور سازمانیافته ای به مقابله با شوراهای برخاست و با حمایت از مدیران و حزب الهی ها و عوامل رژیم شاه و پاداش به لومپین ها و استفاده از ارگانهای نظامی حمله به شوراهای را شروع کرد و شوراهای کارخانجات یکی بعد از دیگری منحل شدند.

در جریان حمله به شوراهای کارگران کمونیست و رهبران کارگری شناسایی و دستگیر شدند و حمله به شوراها در خرداد ۶۰ به اوج خود رسید و به عمر شوراهای شکل گرفته در انقلاب ۵۷ خاتمه داده شد.

شوراهای یکی بعد از دیگری به انحلال کشیده شدند. شوراهای سراسری کارگری، شوراهای کارگران نفت، شورای متحد گیلان، اتحادیه گسترش تعطیل شدند. اما تجربه شوراهای در سال ۵۷ تجربه باارزشی است که باید آنرا ارج گذاشت

نگاهی به شوراهای فرافابریکی و سراسری کارگری

از جمله تشکلهای سراسری و فرافابریکی کارگران در این دوره شورای مرکزی پالایشگاه ها و صنعت نفت، کانون شوراهای شرق تهران، شورای متحد غرب تهران، شورای متحد گیلان، اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی گسترش و نوسازی صنایع ایران و تشکیل خانه کارگر در شهرهای تهران، قزوین، تبریز و اصفهان را میتوان نام برد.

نگاهی به شوراهای فرافابریکی و سراسری کارگری از جمله تشکلهای سراسری و فرافابریکی کارگران در این دوره شورای مرکزی پالایشگاه ها و صنعت نفت، کانون شوراهای شرق تهران، شورای متحد غرب تهران، شورای متحد گیلان، اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی گسترش و نوسازی صنایع ایران و تشکیل خانه کارگر در شهرهای تهران، قزوین، تبریز و اصفهان را میتوان نام برد.

شورای مرکزی پالایشگاهها و صنعت نفت

از دل کمیته های اعتصاب "شوراهای تاسیسات" شکل گرفتند که در راس آنها "شورای مرکزی پالایشگاهها" و صنعت نفت قرار داشت. این شورا در راس اعتراضات کارگران نفت در انقلاب ۵۷، مقاومت کارگران نفت در برابر حکومت نظامی از هاری و رهبری مبارزات کارگران در این دوره جایگاه مهمی داشت. این شوراها مرکز کشاکش کارگران رادیکال و کمونیست از یکسو و گرایش راست از سوی دیگر بود. بعد از ۲۲ بهمن ۵۷ شورای مرکزی کارگران نفت خواسته های چون خروج نیروهای نظامی از تاسیسات نفتی، پاکسازی صنعت نفت از عناصر ساواکی، کنترل خریده ها و سفارشات، نگهداری انبار قطعات یدکی که قبلا در دست آمریکایی ها بود را به پیش کشید. طرح این خواسته ها به درگیری شورا با دولت جدید منجر شد. شورای مرکزی نفت به در دسر برزگی برای رژیم تبدیل شده بود. از این رو با همکاری جنتی امام جمعه اهواز و غرضی استاندار خوزستان، شورای مرکزی کارکنان نفت مورد سرکوب شدیدی قرار گرفت. ناصرحیاتی و درویشی دو تن از رهبران اصلی آن در میتینگی در اهواز کشته شدند و بعدا نیز یکی دیگر از رهبران آن بنام ذاکری دستگیر و اعدام شد. بدنبال آن جو رعب و سرکوب در جنوب حاکم شد. غرضی دخالت مستقیم در امور صنعت نفت در جنوب را بدست گرفت. پست های کلیدی به عناصر حزب الله سپرده شد. در سال ۵۹ مبارزات کارگران نفت به رهبری شورای سراسری کارکنان نفت ادامه داشت. از جمله در ۴ اسفند ماه ۵۹ شوراهای عملیات پالایشگاههای تهران، تبریز، شیراز فراخوان در اعتراض به فشارهای جدید به کارگران و بخشنامه های رئیس پالایشگاه کارگران را به تشکیل يك مجمع عمومی داد. مدیریت شرکت که جمع شدن کارگران نفت را خطری جدی میدید، کوشید تا از تشکیل این مجمع عمومی جلوگیری کند و برای این کار متوسل به مقامات استان شد. تبلیغات علیه کارگران نفت در

رادیو و تلویزیون دولتی بلند شد. ارگانهای سرکوب رژیم وارد عمل شدند. و پالایشگاه را به محاصره گرفتند. درب پالایشگاه بسته شد و از ورود نمایندگان شوراهای تهران و تبریز و شیراز جلوگیری شد. نمایندگان شوراها برای پیگیری مسائل کارگران جداگانه با مقامات مسئول تماس گرفتند. نمایندگان دادستانی از آنها خواست تا از تشکیل مجمع عمومی خودداری کنند. نمایندگان کارگران توضیح دادند که در صورتی این کار را خواهند کرد که استاندار اصفهان دلیل این مخالفت ها را در حضور خبرنگاران توضیح دهد. سرانجام نمایندگان کارگران به اتفاق داودی استاندار اصفهان و بزرگی نماینده دادستانی جلسه ای تشکیل دادند. در این جلسه استاندار به خواست نفتگیران پاسخ مشخصی نداد و با طفره رفتن جلسه را ترك گفت. بدنبال آن نمایندگان کارگران از کارکنان نفت خواستند تا در مقابل در پالایشگاه اجتماع کنند تا مراتب کار به آنها گزارش شود. در این اجتماع قطعنامه زیر به تصویب کارگران درآمد:

قطننامه کارگران:

- ما خواهان تصفیه و پاکسازی انقلابی در سطح صنعت نفت بخصوص در پالایشگاه اصفهان با شرکت نمایندگان منتخب کارکنان می باشیم
- ما به کلیه ارگانهای مسئول و انقلابی هشدار میدهیم که چنانچه تا تاریخ ۱۵ اسفند ماه ۵۹ اقدام در جهت تصفیه مدیریت پالایشگاه اصفهان ننمایند خود راسا اقدامات لازم را انجام خواهیم داد.
- خواستار اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر شوراهای صنعت نفت در جهت تداوم بخشیدن به انقلاب اسلامی می باشیم.
- خواستار تصفیه انقلابی اعیان و انصار رئیس فعلی پالایشگاه و منصوبین تحمیلی ایشان با نظارات شورا هستیم.
- خواستار تدوین سریع مقررات پرسنلی جدید صنعت نفت با نظر خواهی از نمایندگان شوراهای صنعت نفت و نهایتا تغییر سیستم اداری وزارت نفت می باشیم.
- شورای انقلابی صنعت نفت با پشتیبانی قاطع نفتگران قهرمان، ارتباط با یکدیگر، پیگیری مبارزه ای بی امان و با اقدام و عمل مستقیم خویش بدون شك خواهند توانست در جهت بدست آوردن این خواستها و دیگر خواستهای کارگران گامهای انقلابی به پیش بردارند.

کانون شوراهای شرق تهران

کانون شوراهای شرق تهران در واقع هیات موسس شوراها در کارخانجات شرق تهران بودند. جمع اولیه این کانون در بدو شروع، با دادن اطلاعیه های اعتراضی بر سر خواسته های کارگران و دعوت به تجمع و مبارزه حول این خواسته ها توجه کارگران در کارخانجات شرق تهران را بخود جلب کرد. بعد از مدتی فعالیت تماسگیری با این کارخانجات در دستور کار قرار گرفت. از طریق کارگران پیشرو و چپ در کارخانجات مختلف مجامع عمومی کارگری بر پا شد. در این مجامع بر ضرورت تشکیل کارگری و انتخاب نمایندگان واقعی کارگران تاکید شد. بدین ترتیب با انتخاب نمایندگان کارگران در کارخانجات مختلف کانون شوراهای شرق تهران شکل گرفت. این کار به کارخانجات بسیاری تسری پیدا کرد. شورای کارگران در کارخانجات مختلف شکل گرفتند و نمایندگان این شوراها در کانون عضویت پیدا کردند. کانون شوراهای شرق تهران شامل ۳۰ کارخانه در شرق تهران، کارخانه های جاده آبعلی و خیابان اتحاد در تهران پارس و تهران نو و کل شرق تهران بود. این کانون کارخانجاتی نظیر فیلیپس، صنایع چوب، بایر، برلیمو، هوخست، تلویزیون بلر و... را در بر می گرفت. دفتر این شورا در محلی در هفت حوض نارمک بود که هر هفته در محل تجمع داشت و مسایل و مشکلات کارگران کارخانجات شرق تهران در آنجا به بحث گذاشته میشد. این دفتر به محل هدایت مبارزات کارگران در کارخانجات شرق تهران تبدیل شده بود. در روزهای مهم چون اول مه کانون شوراها محل تجمع و برنامه ریزی بود و کمیته برگزاری اول مه را تعیین میکرد. کانون شوراها از سازماندهندگان اصلی اول ماه مه سال ۵۹ بود.

شورای متحد غرب تهران

همزمان با کانون شوراهای شرق تهران، شورای متحد غرب تهران نیز شکل گرفت. در واقع هیات موسس شوراها در هر منطقه مبتکر تشکیل شوراها در کارخانجات مختلف در آن منطقه و نمایندگی شدن آنها در شورای منطقه بودند. شوراهای منطقه ای با مجامع عمومی کارخانجات عضو خود مرتبط بودند و کانون های سازماندهی اعتراضات کارگران در آن

اول ماه مه ۵۸، یک روز با شکوه تاریخی

مارش اول مه ۵۸ حرکتی عظیم و با شکوه بود. بدون شك خاطره این روز از ذهن همه کسانی که در آنروز در صف این تظاهرات بزرگ کارگری بودند، هیچگاه فراموش نخواهد شد. فراموش نمیشود که چگونه هزاران کارگر از کارخانجات مختلف با پرچم های خود به خیابانها آمدند و همبستگی جهانی خود را جشن گرفتند.

تصورش را بکنید اگر آنروز، هنگامیکه طبقه کارگر در صف نیم میلیونی به خیابان آمد و روز اول مه، این روز بزرگ اتحاد و همبستگی کارگری را جشن گرفت، افق و چشم انداز روشنی در مقابل خود داشت، اگر آنروز حزب کمونیست کارگری وجود داشت و ما بودیم، چه اتفاق بزرگی میتوانست بیفتد!!

طبقه کارگری که توانسته بود کمر رژیم شاه را بشکند، طبقه کارگری که جامعه او را رهبر خود میشناخت و فریاد کارگر نفت ما رهبر سر سخت ما در کل جامعه بصدا در آمده بود، طبقه کارگری که در روز اول مه با صف نیم میلیونی به خیابان آمد و چنان عظیم قدرتنمایی کرد، عقب رانده شد. تشکلهای و شوراهای قدرتمند و سراسریش را سرکوب کردند و شمار زیادی از رهبرانانش شناسایی، دستگیر و اعدام شدند، چرا چنین شد؟ پاسخ به سادگی اینست که در انقلاب ۵۷ توده های میلیونی کارگران و مردم برای آزادی و برابری و برای یک زندگی بهتر به میدان آمدند، اما حزب و نیروی رادیکال و چپی نبود که این خواستها را نمایندگی کند و بتواند کارگر و بهمهراه او کل جامعه را از شر این نظام سرمایه رها کند.

امروز یادآوری لحظات تاریخ، آنجایی که کارگر با قدرت تمام در میدان است و چشمان جامعه به آن خیره شده است، آموزنده و زیباست. بویژه نزدیک شدن اول مه مناسبت به جاست برای یادی از اول مه ۵۸، بعنوان یک روز با شکوه تاریخی. زنده باد اول ماه مه، زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران

گزارشی از اول مه ۵۸

از ساعت ۷ صبح روز یازده اردیبهشت روز کارگر، کارگران کارخانجات مختلف تهران و گروههای مختلف سیاسی و هواداران آنها و همچنین صدها هزار از مردم آزادیخواه به تدریج در خیابان ابوریحان جمع شدند. از ساعت ۵/۹ صبح جمعیت حاضر در خیابان شروع به حرکت کرد و راهپیمایی با شکوه روز کارگر آغاز شد. در ابتدای صف هزاران کارگر بیکار در حرکت بودند و پشت سر آنها هزاران کارگر کارخانجات مختلف همراه با پلاکاردهایی که در آنها با تمامی کارگران ایران و جهان اعلام همبستگی کرده بودند. صفوف بعدی جمعیت سایر مردم آزادیخواه در حرکت بودند.

مسیر حرکت خیابان ابوریحان، خیابان جمهوری (شاه سابق)، خیابان فردوسی و انتهای راهپیمایی میدان فردوسی در نظر گرفته شده بود. ولی در مقاطع خیابانهای جمهوری و فردوسی یکه عده از عناصر حزب الهی راه را بر کارگران بستند. کارگران برای جلوگیری از هر گونه درگیری مسیر خود را عوض کرده و به جای اینکه به سمت بالا حرکت کنند به طرف جنوب و به سمت میدان توپخانه به راه خود ادامه دادند. اوپاش حزب الله نیز برای جلوگیری از ادامه راه پیمایی خود را به میدان توپخانه رساندند و نرسیده به میدان جلوی صف کارگران نشستند. علیرغم این مزاحمت ها نظم و انضباط مارش اول ماه مه کارگران بر جا بود. مامورین انتظامات تظاهرات صف را تحت کنترل داشتند. ابتکار عمل همچنان در دست کارگران بود. کارگران شعار میدادند کارگران اتحاد. کارگر پیروز است تفرقه نابود است. همبستگی و وحدتی که در میان صدها هزار شرکت کننده در این تظاهرات دیده میشد حیرت انگیز بود. دهها خبرنگار و عکاس و فیلمبردار داخلی و خارجی در طول راهپیمایی مشغول عکسبرداری و تهیه گزارش از این راهپیمایی عظیم بودند.

هزاران نفر از مردمی که در پیاده روی طول مسیر ایستاده بودند با اشتیاق به صف تظاهر کنندگان مینگریستند. صدها نفر از مردم از بالکونهای خانه هایشان برای راهپیمایان ابراز احساسات میکردند.

در خیابان فردوسی تعداد زیادی از کارمندان بانک ملی در مقابل بانک با تکان دادن به صف راهپیمایان ابراز همبستگی میکردند. بر روی پلاکاردهایی که کارگران حمل میکردند از جمله نوشته شده بود:

کارگر میسازد رنج میبرد، کارفرما میخوابد گنج میبرد
قانون کار فعلی باید لغو شود و قانون کار واقعی کارگران تدوین شود.

مبارزات کارگران بیکار از مبارزات کارگران شاغل جدا نیست.

حق مساوی دستمزد برای کارگران زن و مرد در برابر کار مساوی

به گزارش کمیته برگزارکننده این راهپیمایی تعداد شرکت کنندگان در این راهپیمایی با شکوه به ۵۰۰ هزار نفر میرسید. طول صف راهپیمایان ۲ کیلومتر و عرض آن تمام عرض خیابان را میپوشاند. در تمام طول راه کارگران در دو سه رشته دستهایشان را به هم گره زده بودند و میکوشیدند صف راهپیمایان را از حمله اویاش حزب الله در امان نگه دارند. افرادی که در پیاده روها بودند با پاشیدن نقل و انداختن گل بطرف راهپیمایان با کارگران و تظاهرکنندگان اعلام همبستگی میکردند. مارش اول مه ۵۸ فراموش نکردنی است. زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری، زنده باد اول ماه مه



مارش بزرگ اول مه ۵۸

منطقه بودند. در روزهای مهم چون اول مهم در يك هماهنگی سراسری بین شوراهای منطقه ای کمبته برگزاری اول مه تشکیل میشد و شرکت کارخانجات مختلف با پلاکاردهای مشخص خود سازمان پیدا میکرد. در نشست سراسری نمایندگان شوراهای منطقه ای بود که بر سر قطعنامه سراسری کارگران در اول مه توافق صورت میگرفت و این قطعنامه ها اعلام میشد. طبعاً گرایشات و سازمانهای سیاسی مختلف قطعنامه ها و اطلاعیه ویژه خود را داشتند. شورای متحده غرب تهران ۱۳ کارخانه غرب تهران که اکثر کارخانه های جاده مخصوص و برخی از کارخانه های جاده قدیم را شامل میشد، در بر میگرفت. شورای متحد از جمله شورای کارکنان شرکت زامیاد، کارخانه آریا، کارخانه زر، سندیکای کف ساب و نظافتچی، کارگران دوزندگی ناظمی، کارگاه مترو تهران، شورای اسلامی کارکنان اپتیموس، کارگران تکنوکار، نخ زرین، روغن موتور ایران، شرکت وزنه، رادیاتور را در بر میگرفت.

اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی گسترش و نوسازی صنایع ایران

شورای مرکزی اتحادیه گسترش ۱۳۵ کارخانه متعلق به سازمان نوسازی و گسترش صنایع و بیش از ۴۰۰۰۰ کارگر را در بر میگرفت. این اتحادیه در تهران، تبریز، مازندران، گیلان، اراک، هرمزگان، خوزستان، بلوچستان و غیره شعبه داشت و شامل کارخانه ها و شرکتهایی چون معادن، چوکا، تراکتورسازی ها، ماشین سازیها و آلومینیوم سازیها بود. کنگره اول آن در اوائل سال ۵۸ برگزار شد. اما هنوز کار اتحادیه قوام کافی پیدا نکرده بود. کنگره دوم اتحادیه يك کنگره بزرگ و وسیع بود. در این کنگره بود که کارگران شاه حسینی را که مدیر عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع بود از پشت میز کارش به داخل سالن کنگره کشاندند و وی را همانجا مورد بازخواست و محاکمه قرار دادند. این حرکت نمایندگان کارگران در آنموقع حاکی از پتانسیل بالای انقلابی در میان کارگران بود. اما با دست بالا گرفتن خط حزب توده و اکثریت در رهبری این تشکل، همین کنگره از حرکت اشغال سفارت آمریکا توسط رژیم بعنوان مبارزه علیه امپریالیسم پشتیبانی کرد.

کنگره دوم اتحادیه گسترش ۵۷ نفر را بعنوان شورای مرکزی اتحادیه انتخاب کرد. شورای مرکزی از میان خود ۲۱ نفر را بعنوان هیات اجرایی تعیین نمود. شورای مرکزی هر ماه یکبار جلسات خود را با شرکت نمایندگان کارخانجات عضو اتحادیه برگزار میکرد. در این جلسات

از وضع کارخانجات و مسائل کارگران گزارش داده میشد و بر روی مشکلات کارگران تبادل نظر میگردید. هیات اجرایی هفته ای یکبار جلسه داشت و بر روی مسائل جاری کارگران حقوق و دستمزدها و اعتراضات کارگران و غیره بحث و تصمیم گیری میکرد. هیات اجرایی منظمًا بازرشهای خود را به کارخانجات عضو اتحادیه اعزام میکرد و این اقدام آنان همبستگی میان کارگران با اتحادیه را تقویت کرده بود. همچنین به اتحادیه قدرت بیشتری میداد و کارفرمایان تحت فشار تصمیمات آن قرار میگرفتند. به تدریج که بی افقی و گرایشات راست توده ای اکثریتی بر راس اتحادیه غلبه بیشتری پیدا میکرد فاصله اتحادیه با کارگران بیشتر میشد. در کارخانجات جنب و جوشی بالایی مشاهده میشد اما اتحادیه بی عمل و نظاره گر شده بود. کنگره سوم اتحادیه در دهم خرداد ماه ۵۹ در فضایی بی تحرک و با شرکت تعدادی حدود صد نفر تشکیل شد. در این هنگام شوراهای کارگری در بسیاری از کارخانجات منحل شده بودند و بجای آنها انجمن های اسلامی و شوراهای اسلامی میداندار امور شده بودند.

کنگره سوم اتحادیه گسترش با همکاری مدیر عامل گسترش حسن صدر و با حمله از پیش برنامه ریزی شده بسیج حزب الله و پاسداران کمیته منطقه یک بهم زده شد. سازماندهان آن دستگیر شدند و محل اتحادیه توسط سپاه پاسداران اشغال گردید و اتحادیه منحل شد. اتحادیه گسترش دارای یک نشریه بود بنام گسترش که در طول فعالیتش ۶ شماره و چند ضمیمه انتشار داد.

با سرکوب انقلاب اتحادیه گسترش با ۴۰۰۰۰ کارگر بهمراه شوراهای کارگری در کارخانجات دیگر به انحلال کشیده شد.

شورای متحد گیلان

۲۱ بهمن ۵۸ اتحاد شوراهای گیلان که حدود سی و شش کارخانه با ۲۵۰۰۰ کارگر را در بر میگرفت تشکیل شد. شورای متحد گیلان شورایی منطقه ای و متکی بر شوراهای کارخانجات بود. شورای متحد گیلان اکثر شوراهای منطقه گیلان از جمله کارخانه های پوشش، توشیبا، ایربرسلان، فیبر ایران، فرش گیلان، ایران برک را در بر میگرفت. با پیوستن شورای هر یک از این کارخانه ها به شورای متحد، کارگران آن نیز تحت پوش این شورا قرار میگرفتند. طرح برسمیت شناختن این شورا بعنوان نهادی تصمیم گیرنده در امر تولید و توزیع، لغو قانون کار شاه و به

اجرا درآوردن طرح سود ویژه از مصوبات شورای متحد گیلان بود. اولین جلسه عمومی شورای متحد گیلان با شرکت ۱۸ کارخانه در ۲۱ بهمن ماه در کارخانه پوشش تشکیل شد. در این جلسه مشکلات کارگران پوشش و شوراهای دیگر کارخانجات مورد بحث قرار گرفت. در همین زمان رژیم اعلام کرد که سود ویژه کارگران به همان میزان سال ۵۶ خواهد بود. این موضوع به خشم و اعتراض کارگران دامن زد. شورای متحد گیلان از ۸ تا ۱۳ اسفند ماه را به مقامات رژیم مهلت داد تا در تصمیم خود تجدید نظر کند و به خواست کارگران پاسخ دهد. در ۱۵ اسفند ماه بدعوت اتحاد شورای متحد گیلان، کارگران در ۳۶ کارخانه دست به یک ساعت اعتصاب اختطاری زدند. اما بازهم به خواست آنان پاسخی داده نشد. شورای متحد گیلان خواهان پرداخت سود ویژه مطابق قانون سود ویژه و نیز پرداخت ۱۰۰۰۰ تومان به کارگران کارخانجاتی که تولید آنها تعطیل بوده است، بود. شورا تصمیم گرفت که با برگزاری میتینگی اعتراضی خواست کارگران را بصورت قطعنامه ای به تصویب کلیه کارگران برساند و آنرا مبنای مذاکرات خود با مقامات رژیم تبدیل کند. ۲۰ اسفند ماه ۵۸ تجمع اعتراضی با شکوهی در میدان ورزشی تختی برگزار شد. در این میتینگ اعتراضی رهبران کارگران سخنرانی های پرشوری کردند. در این سخنرانی ها به ضرورت تصویب یک قانون کار کارگری اشاره شد و همانجا قطعنامه شورای متحد گیلان به تصویب کارگران درآمد. بدنبال آن نمایندگان شورا با بنی صدر رئیس جمهور وقت به مذاکره نشستند. اما رژیم از موضع خود عقب ننشست. این دوره از مبارزات شورای متحد کارگران گیلان نقطه اوج قدرتگیری این شورا بود و هر روز بر محبوبیت آن در میان کارگران افزوده میشد.

قدرتگیری شورای متحد گیلان موجب نگرانی رژیم شده بود. از اینرو سرکوب این شورا و دستگیری و تهدید رهبران آن در دستور کار رژیم قرار گرفت. انجمن های اسلامی در کارخانجات تحت پوشش این شورا در مخالفت با شوراهای کارگری و شورای متحد گیلان فعال شدند. فشار به شوراهای کارخانجات برای انحلال شوراهای بالا گرفت. در برابر این فشارها مقاومت و اعتراض بالا گرفت. اما علیرغم اعتراضات کارگران شوراهای یکی بعد از دیگری منحل شد. در پایان تنها نمایندگان ۱۰ کارخانه در شورای متحد گیلان باقی مانده بود. از اینرو برگزاری جلسات برای آن دشوار شده و هر روز فشارها بیشتر میشد. تا سرانجام شورای متحد کارگران گیلان به انحلال کامل کشیده شد و انجمنهای اسلامی بر کلیه این کارخانجات مسلط شدند. در مجموع فشار رژیم بر شوراهای کارگری باعث کند شدن و در بسیاری جاها

قطع ارتباط آنها با مجامع عمومی کارگری شد و آنها را ضربه پذیر تر ساخت. با تهاجم وسیع جمهوری اسلامی به انقلاب شورای متحد گیلان نیز مانند دیگر شوراهای سراسری کارگری به انحلال کشیده شد.

خانه کارگر محلی برای تجمع رهبران کارگری و شوراهای

سازمانیابی و متشکل شدن کارگران بیکار یک مشکل جدی بود. کارگر شاغل در محل کار در مجامع عمومی سازمان می یافتند و شوراهای خود را تشکیل میدادند، اما کارگران بیکار برای پیگیری خواستهها و مطالباتشان نیاز به محلی برای جمع شدن و متشکل شدن داشتند. تشکیل خانه کارگر ابتکار خوبی بود که توانست به این نیاز پاسخ دهد. بعد از بی نتیجه ماندن اعتراضات و تظاهرات کارگران بیکار در برابر وزارت کار و اداره های کارایی در شهرهای مختلف خانه کارگر بعنوان محلی برای تمرکز فعالیتها و اعتراضات کارگران بیکار تشکیل شد. در آنجا کارگران هر روزه جمع میشدند و بر سر چگونگی پیشبرد اعتراضاتشان تصمیم میگرفتند. به مرور خانه کارگر نه تنها محلی برای تجمع کارگران بیکار بلکه عملاً به ستاد مبارزاتی کارگران تبدیل شد. محلی بود برای تجمع کارگران پیشرو و کمونیست و رهبران کارگری، دانشجویان و فعالین چپ و کمونیست که در آنجا جمع میشدند و بر سر مسایل مبرم روز به بحث و گفتگو می نشستند. روزهایی بود که در آنجا مباحث پر شوری انجام میگرفت. چپ ها از قبل قرار و مدار میگذاشتند و در آنجا جمع میشدند و بعضاً سخنرانی های در آنجا ایراد میشد که توجه همه را بخود جلب میکرد. این دوران درسهای آموزنده ای از اتحاد و مبارزه برای کارگران و رهبران کارگری در بر داشت. علاوه بر تهران در شهرهای مختلف دیگر از جمله قزوین، تبریز و اصفهان کارگران توانستند محل مناسبی نظیر فرمانداری، استانداری، ساختمان ساواک و غیره را به اشغال خود در آورده و آنرا به محل تجمع خود تبدیل کنند. بدین ترتیب در آن شهر ها نیز خانه کارگر تشکیل شد. در ادامه این فعالیت ها و تجمعات اعتراضی خانه کارگر عملاً به محل تجمع رهبران کارگری و شوراهای تبدیل شد.

سازماندهی اول مه ۵۸ از جمله فعالیت های درخشان خانه کارگر در تهران بود. رژیم که میدید خانه کارگر میروید به کانون مهم سازمانیابی کارگران تبدیل شود تمام تلاش خود را برای اسلامی کردن و قبضه کردن آن بکار برد ولی این تلاشها با شکست روبرو شد. از اینرو راهی جز سرکوب و بستن در خانه کارگر برای رژیم باقی نمانده بود و به تدریج توانست با بسیج اوباش حزب الهی و پاسداران و کمیته چپ ها و با متوسل شدن به دستگیری و تهدید کارگران خانه کارگر در شهرهای مختلف را به تصرف خود در آورد. در تهران کارگران

کوشیدند در برابر این تهاجم بایستند و توانستند در حرکتی دیگر دو باره خانه کارگر را بازپس بگیرند. اما این حرکت بعد از حمله سراسری رژیم به شوراها و به دست آوردهای انقلاب نتوانست دوامی بیاورد و سرانجام خانه کارگر از دست کارگران خارج شد و پس از آن به مرکز سازماندهی حزب الله، انجمن اسلامی و شوراهای اسلامی تبدیل شد

در حالیکه انقلاب در خیابانها به شکست کشیده شد و رژیم اسلامی سنگر به سنگر مردم را از دستاوردهایشان به عقب راند،

عمر شوراهای واقعی کارگری که از دل انقلاب سر بلند کرده بودند به پایان رسید. اما جنبش شورایی در انقلاب ۵۷ درسهای گرانمایی از خود بجا گذاشت که آموختنی است. بویژه امروز در شرایطی که شاهد جنب و جوش برای متشکل شدن در میان کارگران و در بخش های مختلف جامعه هستیم، امروز که مجامع عمومی کارگری به ظرف اصلی اعتراض کارگری و به محل تصمیم گیری آنها برای مبارزاتشان تبدیل شده و ما در يك قدمی تبدیل این مجامع به مجامع عمومی منظم کارگری هستیم، مروری بر شوراها در سال ۵۷ از جمله چگونگی تشکیل شوراهای کارخانجات، تشکیل شوراهای موسس و شوراهای سراسری کارگری و نیز ارتباط شوراهای سراسری با مجامع عمومی کارخانجات همه و همه تجربیات با ارزشی است که باید به آنها مراجعه کرد و درسهای آنها به رهنمودهای عملی برای امروز خود تبدیل کرد. امروز شرایطی است که میتوان به جنبش وسیع مجامع عمومی دامن زد. میتوان مجامع عمومی منظم کارگری، نطفه های شوراها را پایه گذاشت و با برقراری ارتباط بین رهبران کارگری در سطح مناطق مختلف به تدارک سازماندهی شوراهای کارگری رفت. تجربه شوراها در انقلاب ۵۷، تجربیاتی است آموزنده که راه نشان میدهد و آموزنده است. باید از این تجربیات آموخت. زنده باد شوراها، پیش بسوی تشکل واقعی کارگران، شوراها!

سندیکای کارگران پروژه ای آبادان چگونه تشکیل شد

سندیکای کارگران پروژه آبادان ۱۴۰۰ کارگر را در برمیگرفت. تصمیم گیری در این سندیکا متکی بر مجمع عمومی و رای کارگران بود و نمایندگان آن منتخب مجمع عمومی کارگران بودند.

جریان تشکیل سندیکا از زبان یک کارگر

در جریان انقلاب ۵۷ زمانیکه دانشگاهها به روی مردم باز شده بود، ما کارگران بیکار نیز در اجتماع مردم در دانشکده نفت شرکت کرده و از فضای بازی که ایجاد شده بود استفاده کردیم. طی جلساتی که در آنجا برگزار کردیم، ضمن تماس با سایر کارگران بیکار به این نتیجه رسیدیم که لازم است که ما یک سندیکا داشته باشیم.

قبل از اینکه بتوانیم در نتیجه مبارزات خود مکانی برای تجمع خویش بدست آوریم، در قهوه خانه بوشهری ها در پاساژ الفی جمع شده و به ثبت نام اعضاء و تنظیم دفاتر مختلف برای عضویت پرداختیم. در آنجا بارها از طرف افراد مسلح کمیته به ما حمله شد. در این حملات دوستانمان دستگیر میشدند، دفاترمان را پاره میکردند و ما را از قهوه خانه بیرون می انداختند. اما ما تلاش میکردیم به تجمعاتمان ادامه دهیم. در روزهایی که اساسنامه سندیکا نوشته شده و قرار بود تصویب شود ناگهان تشکیلات تازه ای به نام "اتحادیه کارگران و تحصیل کرده ها" اعلام موجودیت کرد و مدعی شد که به کارگران بیکاری مقداری پول بعنوان وجه دستی پرداخت خواهد کرد. سندیکای کارگران پروژه ای که قبلاً تشکیل خود را به تصویب کمیته امام و فرمانداری رسانیده بود، بارها از رادیو و تلویزیون خواسته بود که آگهی تشکیل آنرا برای جلب سایر کارگران پخش کنند. اما بعد از ۲۵ روز تلاش با این کار موافقت نشد. در حالی که خبر تشکیل اتحادیه کارگران و تحصیل کرده ها بلافاصله و با آب و تاب از رادیو نفت ملی اعلام شد. چرا که این اتحادیه به هیچوجه از جانب کارگران شکل نگرفته بود، بلکه عمده تشکیل دهندگان آن را مقاطعه کاران و و پیمانکارانی تشکیل میدادند که در آن زمان در کمیته های امام راه یافته بودند. این اتحادیه در واقع برای جلوگیری از تشکیل سندیکای پروژه ای و از هم پاشیدن آن بوجود آمده بود. برای کارگران تعجب آور بود که باوجود اینکه سندیکای پروژه ای قبلاً به تأیید مراجع مسئول رسیده بود، سندیکایی دیگر آنهم با نام کارگران چگونه بوجود آمده است؟.

کارگران پروژه ای بعنوان اعتراض و برای روشن شدن جریان چگونگی تشکیل سندیکایی قلابی، نمایندگانی از طرف خود به فرمانداری میفرستند تا در آنجا با فرماندار و دادستان مذاکره کنند. در حین مذاکره ناگهان عده ای افراد مشکوک به جلسه مذاکره حمله کرده و در حالی که با چوب و چاقو و سنگ مجهز بودند شروع به فحاشی به کارگران کرده و آنها را مورد حمله قرار دادند. در این حمله وحشیانه یکی از کارگران بنام رنجبر با چاقو مجروح شد، دندانهای کارگر دیگری بنام تورج قادرپور را با مشتتی که به دهانش زدند خورد شد و دست کارگری دیگری بنام لطیفی را شکست. چماق بدستان یکی از کارگران بنام اکبر زبردست را تهدید کردند که اگر به کارش ادامه دهد خانه اش را آتش خواهند زد. افراد مشکوک شیشه های فرمانداری را شکستند. در همان موقع مامورین کمیته سر رسیدند و برای آرام کردن اوضاع شروع به تیراندازی هوایی بطرف کارگران کردند. بعدا معلوم شد که سردهسته چماقداران دو نفر از سرمایه داران آبادان بنامهای محمود ذغالی و علی محمدی بودند که نفر دوم به همراه دو نفر دیگر از چماق بدستان بوسیله کارگران دستگیر شد. این دو سرمایه دار هر دو از اعضای کمیته بودند.

پس از این حمله وحشیانه در شهر شایعات زیادی علیه کارگران پخش شد. گفته شد که کارگران پروژه ای ضدانقلابی و اخلاکگر هستند. رادیوی نفت نیز از کارگران بعنوان عناصری ضدانقلاب یاد کرد. گفته شد که کارگران فرماندار و دادستان را در فرمانداری گروگان گرفته بودند و غیره. در برابر این فشارها کارگران روز یکشنبه ۱۹ فروردین ۵۸ در محل سندیکا دست به تحصن زدند. در یکی از روزهای تحصن عبدالحمید زرگر دادستان آبادان نامه ای برای یکی از اعضای سندیکا نوشت. و او را برای ملاقات با خود دعوت کرد. این عضو سندیکا بدون اینکه مساله را با همکاران خود مطرح کند، دعوت دادستان را پذیرفت. وقتی کارگران از موضوع با خبر شدند به وی اعتراض کرده و به دادستان گفتند: "ما يك نماینده نداریم ما هیات موسس داریم. دادستان حق ندارد با يك نفر ملاقات کند. ما در تحصن هستیم و دادستان باید برای ملاقات کارگران به جمع ما بیاید". بدین ترتیب نقشه دادستان برای تفرقه در میان صفوف متحد کارگران نقش بر آب شد. خواستهای کارگران پروژه ای در طی این تحصن عبارت بود از: ۱- مجازات عاملین توطئه از پیش طرح شده در فرمانداری به تحریک و سرکردگی علی محمدی و محمود ذغالی ۲- تکذیب خبر اعلام شده از رادیو نفت ملی مبنی بر ضد انقلابی بودن کارگران پروژه ای و اعاده حیثیت از طریق رادیو و تلویزیون ۳- به رسمیت شناختن کامل سندیکای کارگران پروژه ای از طرف وزارت کار و امور اجتماعی ۴- انحلال اتحادیه قلابی به اسم مجهول و من درآوردی "اتحادیه کارگران و تحصیل کرده ها" در مسجد بهبهانیها.

مبارزات کارگری در سال ۵۹

سال ۵۹ سال شروع تدارك حمله وسیع به انقلاب و کارگران بود. پیام ۱۳ ماده ای خمینی به مناسبت آغاز سال نو شیپور این حمله را بصدا در آورد. در فروردین ۵۹ با صدور فرمان بنی صدر حمله به کردستان شروع شد. متعاقب آن حمله به دانشگاهها و سرکوب دانشجویان، حمله به روزنامه ها، کتابفروشی ها و مطبوعات آغاز شد. اوپاش حزب اللهی میداندار صحنه سیاسی جامعه شدند. با شروع سرکوب انقلاب حمله به شوراهای کارگری نیز شروع شد. کارگران کمونیست و رهبران کارگران تحت عنوان ضدانقلاب شناسایی، اخراج و دستگیر شدند.

با شروع جنگ ایران و عراق در این سال، رژیم اسلامی با ایجاد فضای نظامی و تحریک احساسات ناسیونالیستی در جامعه بر سرکوب انقلاب شدت بیشتری داد. تبدیل مناطق جنوب ایران به مناطق جنگی موجب آوارگی بخش وسیعی از کارگران نفت و دیگر مراکز کلیدی کارگری در جنوب شد. این امر ضربه شدیدی بر اعتراضات کارگران نفت و کل طبقه کارگر در ایران وارد ساخت. بسیاری از کارخانجات به حالت تعطیل در آمد و تولید بسیار از کارخانجات دیگر به تولیدات جنگی اختصاص داده شد. اعزام اجباری به جنگ و انتقال اجباری به کارخانجات دیگر موقعیت کار و زندگی کارگران را تحت فشار مستقیم قرار داده بود. در مقابل این تهاجمات مبارزه علیه اخراجها، مبارزه علیه اعزام و کمک اجباری به جنگ، مبارزه علیه انتقال اجباری به کارخانجات دیگر به موضوعات اعتراض و مبارزه کارگران تبدیل شد. با آواره شدن کارگران نفت به دیگر شهرهای ایران اعتراضات این بخش از کارگران برای جبران خسارتهای وارده بر آنها و تامین محلی برای سکونتشان بالا گرفت. اجتماع هر روزه این کارگران برای خواستها و مطالباتشان از موضوعات مهم اعتراض کارگران در این دوره است. از جمله در ادامه این مبارزات در اواخر سال ۵۸ کارگران جنگ زده جنوب برای تامین مسکن خود به مصادره استادیوم امجدیه در تهران اقدام کردند.

برگزاری اول ماه مه ۵۹ با هماهنگی کانون شوراهای شرق تهران و شورای متحد غرب و نیز برگزاری این روز در آبادان به ابتکار سندیکای کارگران پروژه ای و فصلی آبادان آخرین جلوه های قدرتمندی شوراهای کارگری در این دوره بود. در این روز کارگران در تهران با تعطیل کردن کار خود در خیابان شهباز تهران تجمع کرده و دست به راهپیمایی با شکوهی زدند.

به تدریج اخراج و دستگیری وسیع کارگران کمونیست و رهبران اعتراضات کارگری آغاز شد. شوراها کارگری مورد حمله قرار گرفتند و غیر قانونی اعلام شدند. در مقابل شوراها کارگری، شوراها اسلامی بعنوان ابزار مستقیم سرکوب رژیم در کارخانجات تشکیل شد و اولین کنگره سراسری این شوراها در اردیبهشت ماه ۵۹ تشکیل داد. از این تاریخ به بعد و با تهاجم هر روزه رژیم برای عقب راندن کارگران ما شاهد مبارزه کارگران برای حفظ دست آوردهایشان در دوره انقلاب هستیم. از جمله مقابله با لغو تعطیلی پنجشنبه و ۴۰ ساعت کار یکی از موضوعات مهم مبارزات کارگران بویژه در کارخانجات بزرگ در این دوره بود. همچنین گذاشتن غذاخوری در کارخانه، داشتن مهد کودک برای فرزندان کارگران و مقابله با حذف این امکانات در کارخانجات از دیگر محوره‌های اساسی مبارزه کارگران را تشکیل میداد.

از جمله اعتراضات کارگری در این سال میتوان به موارد زیر اشاره کرد: اعتصاب کارگری شرکت مانا وابسته به شرکت گسترش در اعتراض به حقوق عقب افتاده و خواست تامین مسکن، تجمع کارگران جنگ زده شرکت نفت جنوب در مقابل وزارت نفت در تهران، ماهشهر و اهواز با خواست پرداخت دستمزدهای معوقه و مسکن، تجمع کارگران آلومینیوم سازی اراک در اعتراض به اخراج نمایندگان شورای کارگران، تجمع کارگران گارد بندر خرمشهر در اداره بندر در اعتراض به اعزام کارگران به بندر عباس، اعتصاب کارگران گونی پلاستیکی ورزیده کار در اعتراض به حقوق معوقه خود، تجمع کارگران ریسندگی خاور در اعتراض به تشکیل شوراها اسلامی در کارخانه و برای خواست انحلال انجمن های، اعتصاب کارگران پارس الکترونیک در اعتراض به اخراج ۶ نفر از کارگران، اعتصاب و تجمع کارگران سیمان سپاهان در مقابل دفتر مدیر عامل شرکت در اعتراض به قطع هزینه ایاب و ذهاب کارگران، اعتصاب سه روزه کارگران چیت تهران با خواست گرفتن پایه شغلی و افزایش حقوق و در اعتراض به بخشنامه مربوط به شیفت کار، اعتصاب کارگران چیت ممتاز در اعتراض به دزدیهای هیات مدیره شرکت تعاونی کارگران، اعتصاب کارگران گسترش مسکن اصفهان علیه دستمزدهای معوقه، اعتصاب کارگران ری او واك قزوین برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، اعتصاب کارگران کفش ملی برای خواست افزایش حقوقها، اعتصاب کارگران پارس الکترونیک برای خواست افزایش دستمزدها، اعتصاب کارگران دخانیات تهران با خواست افزایش حقوق و دریافتی ها، اعتصاب کارگران شرکت واحد در اعتراض به اخراج نمایندگان کارگران، اعتصاب و تحصن کارگران

کانادادرای برای خواست سود ویژه، اعتصاب کارگران نساجی تاج اصفهان برای خواست سود ویژه، تحصن و راهپیمایی کارگران بیکار در کرج، راهپیمایی کارگران بندر خرمشهر در تهران در اعتراض به دستمزدهای معوقه خود، تحصن و راهپیمایی کارگران راه آهن علیه اخراج، راهپیمایی کارگران صنایع فولاد اصفهان در اعتراض به دستمزدهای معوقه، راهپیمایی کارگران سیمان سپاهان در اعتراض به کاهش مزایای کارگران، راهپیمایی کارگران قرقره زیبا تهران با خواست انحلال شوراهای فرمایشی، راهپیمایی کارگران فیلیپس تهران با خواست اخراج یکی از وابستگان به کارفرما و همکار ساواک، راهپیمایی کارگران فرش گیلان با خواست اخراج مدیر عامل کارخانه

در سال ۵۹ ما شاهد تجمعات و اعتراضات دائم کارگران نفت در پالایشگاههای تهران، اصفهان، شیراز و شهرهای مختلف دیگر علیه تضییقات جنگ و برای گرفتن حقوق و مطالباتشان، پرداخت غرامت جنگی، بیمه درمانی، پرداخت خواربار و غیره بودیم.

با نگاهی به مبارزات کارگران از سال ۵۷ تا ۵۹ میتوان دید که طبقه کارگر در این دوره بعنوان يك طبقه به میدان آمد، با به میدان آمدن آن تکلیف قدرت یکسره شد و رژیم شاه سرنگون شد. در حالیکه تمام جامعه شعار میداد کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما، شوراهای پر قدرت



ISNA

PHOTO/ISNA

فصل دوم

مروری بر مبارزات کارگری از فاصله ۳۰ خرداد ۶۰ تا سال ۷۰



SNA

Photo: Hooshang Rafiei

فصل دوم :

مروری بر مبارزات کارگری از فاصله ۳۰ خرداد ۶۰ تا سال ۷۰

خرداد ۶۰ نقطه عطفی در اوضاع ایران بعد از انقلاب ۵۷ است. دوره تشبیت جمهوری اسلامی به قیمت کشتار عظیم و اعدام روزانه صدها نفر از مخالفان رژیم و کمونیست‌ها، سرکوب شوراهای کارگری و دستگیری و زندان و اعدام کارگران و رهبران کارگری است. دوره تحمیل حجاب اجباری به زنان، بستن روزنامه‌ها، ایجاد جو رعو و خفقان در جامعه است.

در این سال امر سرکوب انقلاب به سرانجام رسید و اعدام‌های سال ۶۰ و ۶۱ و آن کودتای خونین جمهوری اسلامی علیه انقلاب و علیه کارگران و انقلابیون کمونیست بوقوع پیوست. در واقع بدنبال این سرکوب‌هاست که جمهوری اسلامی به قدرت رسید و با برقراری خفقان سر کار ماند.

دوره دوم دوره سیاهی است که با اعدام‌های سال‌های ۶۰ و ۶۱، نمایش اشغال سفارت آمریکا و شروع جنگ ایران و عراق و ایجاد جو خفقان به بهانه مبارزه با آمریکا و به بهانه جنگ شروع شد و تا سال ۷۰ تداوم داشت.

در این دوره تا خاتمه جنگ ایران و عراق همه چیز تحت الشعاع مساله جنگ قرار داشت و هر حرکت اعتراضی تحت عنوان مقابله با ضدانقلاب و شرایط جنگی در گلو خفه میشد. تحت بهانه جنگ شوراها و تشکلهای کارگری همگی سرکوب و تعطیل شدند. کارگران معترض و رهبران کارگری دستگیر و بازداشت شدند. اما در متن همین شرایط و بتدریج اعتراضات شکل می‌گرفت و کارگران به مقابله با تضيقاتی که بر آنها وارد میشد بلند میشدند. کنار زدن پیش نویس اول قانون کار در سال ۶۱ و برکناری توکلی وزیر کار کابینه موسوی اولین تعرض کارگران به رژیم بعد از سرکوب‌های سال ۶۰ بود. در سال ۶۲ اعتراضات کارگری جان تازه ای بخود گرفت. در این سال ما شاهد حرکات متعدد کارگران از جمله اعتصاب کارگران دخیانیات، پروفیل نیمه سبک، جیب لندور، کارخانجات پارچه بافی و بیسکویت سازی اصفهان، اعتصاب کارگران ایران ناسیونال و موفقیت آنها در تحمیل احتساب ساعت نهار بعنوان ساعت اضافه

کاری کارگران و پرداخت مزد در مقابل آن، اعتصاب کارگران صنایع دفاع در اعتراض به وضع بد غذای کارخانه و دهها حرکت دیگر اعتراضی کارگران بودیم. در این سال کارگران با حرکت یکپارچه خود از تصویب قانون کار ارتجاعی جمهوری اسلامی جلوگیری نموده و رژیم را وادار به عقب نشینی کردند. در این سال همچنین شاهد جنبش اعتراضی مردم حلبی آباد کیان شهر، حرکت با شکوه مردم افسریه و خاک سفید و دولت آباد علیه گرانی و علیه به خانه های خارج از محدوده بودیم.

در سال ۶۳ میتوان به نمونه هایی از اعتراضات کارگری حول خواسته های افزایش دستمزدها، حق سختی کار، انحلال انجمن های اسلامی، حق اضافه کاری، بهبود شرایط کار در کارخانجات زیر اشاره کرد:

اعتصاب کارگران در کارخانجات ایران ناسیونال، کفش بلا، نخ شمال و دخانیات ساری با خواست افزایش دستمزدها، مبارزه کارگران کارخانجات قرقره زیبا و کفش بلا با خواست انحلال انجمن های اسلامی، اعتصاب کارگران در کارخانجات ایران ناسیونال، شرکت جرثقیل مجتمع فولاد مبارکه، شیشه سازی مینا و شرکت پیمانیر در اعتراض به عدم پرداخت حق اضافه کاری به کارگران و اعتصاب کارگران کارخانجات حمل و نقل بین المللی، کفش سازی جم، ایران تایر علیه اخراج کارگران و اعتصاب کارگران کارخانجات تولید نخ مدار، معدن اصفهان، کفش بلا، شرکت بافندگی پارس کشت و صنعت شوشتر علیه سختی کار و برای پرداخت حق سختی کار

در سال ۶۴ اعتراضات کارگری رشد بیشتری می یابد و این اعتراضات عمدتاً در اعتراض به دستگیری کارگران مبارز، علیه اعزام به جبهه، علیه تشکیل شوراهای اسلامی در کارخانجات و برای خواست افزایش دستمزدها و دیگر خواسته های کارگران انجام میگردد. از نمونه های مهم این اعتراضات میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

اعتصاب در کارخانجات قند بیستون کرمانشاه، سینا دارو، چیت سازی ری، کفش جم، مبلیران، کاشی سعدی، برك در شهر رشت، نورد اهواز در فروردین ماه این سال و اعتصاب در کارخانه های قند بیستون و مبلیران در اعتراض به دستگیری کارگران معترض در اردیبهشت سال ۶۴، اعتصاب ۴ روزه کارگران گاز تهران برای خواست افزایش دستمزدها، اعتصاب کارگران شرکت الکترولوکس برای خواست ۸ ساعت کار در روز و پرداخت بموقع دستمزدها، اعتصاب کارگران شرکت واحد با خواست افزایش حقوقها، اعتصاب کارگران ایران کنف با

خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، اعتصاب ۱۵ روزه کارگران کاترپیلار در اعتراض به اعزام آنها جهت کار تعمیران به کردستان، اعتصاب کارگران ماشین سازی اراک در اعتراض به نایمنی محیط کار، اعتصاب کارگران شرکت ارونند سنندج برای خواست ۸ ساعت کار در روز، یک هفته اعتصاب کارگران برق واقع در جاده کرج در اعتراض به عدم استفاده از تعطیلات سالانه و اعدم پرداخت اضافه کاری به کارگران و حق ایاب و ذهاب به آنان، اعتصاب کارگران ذوب آهن به افزایش ساعت کار، اعتصاب کارگران نیروگاه برق قزوین در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها

از آغاز سال ۶۵ و با موج بیکارسازیهای وسیع در این سال تهاجم جدیدی بر زندگی و معیشت کارگران آغاز شد. با بحرانی تر شدن اقتصاد جمهوری اسلامی و به بهانه کاهش قیمت نفت در بازار جهانی کارخانجات بسیاری به تعطیلی کشیده شدند و کارگران از کار بیکار گردیدند بطوریکه در سال ۶۵ حدود ۷۰۰ هزار کارگر کار خود را از دست دادند. در بیکارسازیهای این سال رئیس اطاق بازرگانی به ضرورت از بین رفتن ۳ میلیون شغل اشاره کرد. بدنبال این بیکارسازیها اعتراض علیه اخراجها و برای خواست بیمه بیکاری بالا گرفت. تحت فشار این اعتراضات قانون بیمه بیکاری جمهوری اسلامی در تیرماه ۶۶ برای دو سال بطور آزمایشی تصویب شد. طرح قطعی این قانون در شهریور ماه ۶۸ مورد تصویب مجدد قرار گرفت و از مرداد ۶۹ قابل اجرا اعلام شد. طبق این قانون بیمه بیکاری رژیم تنها کارگرانی را در بر گرفت که علیرغم میل خود از کار بیکار شده اند و مبلغ آن بسیار ناچیز و آنهم برای مدتی کوتاه به آنها پرداخت میشود. بطوریکه در سال ۷۰ از چندین میلیون کارگر بیکار فقط ۴۰۰۰۰ کارگر را شامل شد.

نمونه هایی از اعتراضات کارگری در سال ۶۵:

- اعتصاب کارگران فیلیپس برای خواست عیدی و پاداش آخر سال
- تجمع و اعتصاب کارگران کارخانجات قرقره زیبا، ارج، زامیاد، چیت سازی، چیت ممتاز، فیلیپس، سپنتا، شیشه مینا برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل
- اعتصاب کارگران کارخانجات استارلایت، سیمان تهران، ارج، ریخته گری، جنرال استیل برای خواست حق بهره وری

-اعتصاب کارگران لنت ترمز، برای پاداش آخر سال
 -تجمع اعتراضی کارگران کارخانجات ارج، بنز خاور در اعتراض به اعزام به جبهه و امتناع از شرکت در کلاسهای نظامی
 -تجمعات اعتراضی کارگران ایندամین برای خواست انتخاب نمایندگان خود و...
 -اعتصاب کارگران کارخانجات استارلایت، چکمه ملی، شیشه و گاز، رادیاتور، ایران تایر علیه اخراج

سال ۶۶ نیز اعتراضات کارگری عمدتاً حول همان محورهای اعتراض به جنگ و علیه اعزام به جبهه، علیه اختناق و فشار در کارخانجات، خواست دستمزدهای معوقه، علیه اخراج، علیه شوراها و اسلامی و برای خواستههای افزایش دستمزدها، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت حق بهره وری و با شتابی بیشتر از سال ۶۵ صورت گرفت. مهمترین حرکت اعتراضی کارگران در این سال اعتصاب ۲۶ روزه و راهپیمایی کارگران کفش ملی برای خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش دستمزدها و در اعتراض به افزایش ساعت کار بود. این حرکت اعتراضی بخش عمده مجتمع گروه صنعتی ملی با ۱۲ هزار کارگر را در بر گرفت و انعکاس وسیعی در میان کارگران در ایران داشت.

در سال ۶۷ با پایان گرفتن جنگ ایران و عراق به خاطر نگرانی از اوج اعتراضات مردم بعد از ختم جنگ، موج سرکوب جدید آغاز شد. در مقابل خواستههای کارگران و پس از ۸ سال فشار جنگ بر کرده آنان بحث بر سر بازسازی اقتصاد کشور و سفت بستن کمربندها به کارگران تحویل داده شد. در مهرماه همین سال بود که برای مقابله با جو اعتراضی پس از جنگ در جامعه و عقب راندن کارگران از خواستههایشان موج دوم اعدام زندانیان سیاسی انجام گرفت و حکومت منحوس اسلامی در زندانها حمام خون براه انداخت. پس از مدتی کوتاه دوباره زمزمه های اعتراض در سطح جامعه بلند شد و بدنبال آن ما شاهد جنب و جوش جدیدی در جنبش کارگری بودیم.

در سالهای ۶۷ و ۶۸ اعتراضات کارگری اساساً بر سر سطح نازل دستمزدها، علیه اخراج کارگران و خواست بیمه بیکاری، فشار کار در کارخانجات و علیه گرانی و کاهش دریافتی کارگران صورت گرفت. از نمونه های این اعتراضات میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

اعتصاب در صنایع فلزی در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزدها، اعتراض کارگران ایران یاسا علیه قوانین جدید نهارخوری شرکت، تجمع اعتراضی کارگران شرکت واحد برای افزایش دستمزدها و پرداخت کامل حق بازنشستگی، تجمع اعتراضی کارگران ارج علیه اخراج ۱۰۰۰ نفر از کارگران شرکت و پرداخت حقوق ایام بیکاری کارگران در سال ۶۷، اعتراضات کارگری در پالایشگاههای تهران، تبریز، شیراز و اصفهان از بهمن ۶۷ تا اردیبهشت ۶۸ در اعتراض به کاهش دریافتی های کارگران، اعتصاب و تحسن کارگران فیلیپس برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، تجمعی اعتراضی کارگران ارج با خواست بازگشت بکار و دریافت ۶ ماه بیمه بیکاری، اعتصاب کارگران شرکت واحد از اسفند ۶۷ تا فروردین ۶۸ با خواست افزایش دستمزدها، اعتصاب کارگران کاشی ایرانا با خواست افزایش دستمزدها و لغو اضافه کاری اجباری، تجمع اعتراضی کارگران پروین کرج و خواست بازگشت بکار کارگران اخراجی، تحسن کارگران استارلایت با خواست افزایش دستمزدها و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، تجمع اعتراضی کارگران فولاد مبارکه برای خواست افزایش دستمزدها، اعتصاب ۶ روزه کارگران لوله سازی اهواز برای خواست افزایش دستمزدها و پرداخت سود ویژه، ۲ روز اعتصاب کارگران سازمان آب و برق اهواز علیه پرداخت هزینه آب و برق، تحریم انتخابات شوراهای اسلامی در کارخانه شاهو سنندج و اعتصاب در کارخانجات کشت و صنعت کارون نورد اهواز، کفش ملی، ماشین سازیهای اراک و تبریز، سایپا و ایران ناسیونال با خواست افزایش دستمزدها

در فاصله بهمن ۶۷ تا دیماه ۶۸ گزارش ۱۵۸ حرکت و اعتراض کارگری اتفاق افتاد که محور اصلی خواست این اعتراضات خواست افزایش دستمزدها و مقابله با تهاجمات رژیم بر سطح و زندگی کارگران بود.

در سال ۶۹ مبارزات کارگران همچنان حول خواسته های افزایش دستمزدها، بیمه بیکاری و علیه اخراجها و پرداخت دستمزدهای معوقه و مبارزه علیه انجمن های اسلامی ادامه دارد.

نمونه هایی از اعتراضات کارگری در سال ۶۹:

اعتصاب دو روزه کارگران ذوب آهن اصفهان برای افزایش دریافتی ها، دو هفته اعتصاب کارگران مجمع فولاد مبارکه در اعتراض به اضافه کاری اجباری، تجمع اعتراضی کارگران شهرداری اهواز برای دریافت عیدی و پاداش آخر سال، دو هفته اعتصاب کارگران کارخانه

مولن موکت قزوین با خواست افزایش دستمزدها و انحلال انجمن های اسلامی، مقاومت کارگران نساجی قائم شهر در برابر افزایش ساعات کار هفتگی و کار در روزهای پنجشنبه، اعتصاب کارگران کبریت سازی شعله تبریز با خواست افزایش دستمزدها، مبارزه کارگران پروفیل نیمه سبک برای خواست افزایش دستمزدها که منجر به اضافه شدن ۵۰ تومان به دستمزدهایشان شد، اعتصاب کارگران معادن سنگ بر شهرهای کامیاران و قره برای بستن جدید قرارداد کار،

عرصه های اصلی و مهم مبارزه کارگران در فاصله سالهای ۶۰ تا ۷۰ مبارزات کارگران در این دوره عمدتاً حول جنگ دور میزند. اعتراض به اعزام اجباری به جبههها، اعتراض به کمک اجباری به جبهه، علیه انتقال اجباری به کارخانجات دیگر و تغییر خط تولید بیشترین مبارزات را به خود اختصاص میدهد.

مبارزه علیه لوایح قانون کار یک عرصه مهم دیگر مبارزه کارگری در این دوره است. علیرغم وجود جو خفقان در کارخانجات و سرکوب اعتراضات کارگری، مبارزه علیه لوایح قانون کار رژیم و خواست قانون کار کارگری یک عرصه فعال مبارزه کارگری را تشکیل میدهد.

مبارزه برای حفظ دستاوردهای انقلاب از جمله تعطیلی پنجشنبه ها، غذا خوری در محل کار، مهد کودک برای فرزندان کارگران جنبه ای دیگر از مبارزات کارگری در این دوره را تشکیل میدهد. سال ۶۰ ما شاهد اعتراضات کارگری در مراکز عمده ای مثل کفش ملی تهران، نورد لوله اهواز، ذوب آهن، مولن موکت و غیره بودیم.

یک عرصه دیگر اعتراض در این دوره مبارزه علیه شوراهای اسلامی و تحریم این شوراهای بود. تشکیل شوراهای اسلامی کار در کارخانجات از همان آغاز با اعتراض و مقاومت کارگران مواجه شد. در این دوره رژیم تلاش داشت تا شوراهای اسلامی بعنوان ابزاری برای سرکوب و کنترل اعتراضات کارگری در کارخانجات تشکیل شود. اما فضای اعتراضی بر علیه شوراهای اسلامی باعث شده بود که رژیم در مراکز چون صنعت نفت تشکیل شوراهای اسلامی را معوق بگذارد و مشخصاً صنعت نفت را مستثنی نماید. بعلاوه اینکه در صنعت نفت رژیم حتی از تشکیل شوراهای اسلامی نیز وحشت داشت.

مبارزه علیه لوایح قانون کار رژیم

همانگونه که اشاره شد مبارزه علیه لوایح قانون کار رژیم يك عرصه فعال و مهم مبارزه کارگران در این دوره بود. از ماههای دیماه و بهمن ۵۷ کارگران خواهان لغو قانون کار شاهنشاهی و تدوین قانون کار کارگری بودند. در پاییز ۶۱ طرح اولیه قانون کار رژیم در باب اجاره و بر اساس فقه اسلامی بنام قانون کار اسلامی در زمان وزارت توکلی ارائه شد. این قانون از سوی خمینی و منتظری و همه حوزه علمیه تایید شده بود. بحث در باب الاجاره به زمزمه های اعتراض در کارخانجات دامن زد. در جلسه ای که در وزارت کار در پاییز ۶۱ برگزار شده بود کارگران به مخالفت با طرح قانون کار برخاستند و جلسه به تشنج کشیده شد. روز بعد از آن کارگران در کارخانه دخانیات جمع شدند. علیرغم جلوگیری از ورود کارگران و شرکت در آن و علیرغم غیر قانونی خواندن این حرکت اعتراضی کارگران تجمع کردند. در این تجمع کارگران در مخالفت با طرح قانون کار رژیم و رئوس يك قانون کار کارگری صحبت کردند. شوراهاى اسلامی با مشاهده اعتراض کارگران خواستند که سوار اعتراضات کارگران بشوند اما عملاً ابتکار عمل از دست آنها خارج شده و این طرح با مخالفت و مبارزه کارگران روبرو شد. بطوریکه دفاتر خمینی و منتظری دخالت خود را در تهیه آن انکار کردند. احمد توکلی وزیر کار وقت از کار برکنار شد و سرحدی زاده زندان بان و عضو شورای سرپرستی زندانها به جای او برگزیده شد. طرح دوم قانون کار در زمستان ۶۲ با رنگ و لعاب کمتر مذهبی اما با همان مضمون و محتوای ارتجاعی بیرون داده شد. اما باز در مقابل مبارزه کارگران دوامی نیاورد و به کناری نهاده شد. طرح سوم پیش نویس قانون کار با این عنوان که به تصویب دولت نیز رسیده است در اردیبهشت ۶۴ منتشر شد و به تصویب کابینه موسوی درآمد. لایحه کار یس از تصویب در کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی مجلس جهت تصویب به مجلس داده شد. این لایحه در اواخر شهریور ۶۵ به تصویب مجلس درآمد. طی ۹ سال مبارزه کارگران لوایح و پیش نویس های قانون کار یکی پس از دیگری به کناری نهاده شد تا اینکه سر انجام طرح نهایی قانون کار در دیماه ۶۹ طرح نهایی قانون کار جمهوری اسلامی به تصویب مجلس رسید و از آغاز سال ۷۰ در دستور اجرا قرار گرفت. این قانون کار گرچه بازهم قانونی ضدکارگری و اسلامی بود. حق اعتصاب و حق تشکل را بعنوان دو شاخص اصلی يك قانون کار واقعی کارگری به رسمیت نمیشناخت، به هیچ شکلی کارگر در آن نمایندگی نمیشد و ضمانت اجرایی نداشت. قانونی

متکی بر تبعیض جنسی، مذهبی و قومی بود. اما باز آشکارا عقب نشینی رژیم را در برابر اعتراضات چند ساله کارگران حول قانون کار نشان میداد. این قانون کار تغییر فاحشی نسبت به پیش نویس های قبلی خود داشت. غلظت اسلامی آن کمتر شده و در آن دیگر خبری از باب الاجاره نبود. در این قانون تلاش شده بود يك بیان حقوقی و نسبتا مردم پسند تری به مواد داده شود. به روز تعطیلی کارگر و مرخصی سالانه کارگر ۳۰ روز گردن گذاشته بود. فشار هر ساله کارگران برای بالا بردن حداقل تعیین دستمزدها برای سال آینده و افزایش آن باعث شده بود که در قانون کار به تعیین سالانه دستمزدها بر مبنای خانوار ۵ نفره اشاره شود. اینها آن عقب نشینی هایی بود که کارگران توانسته بودند به رژیم تحمیل کنند. اینها عقب نشینی هایی بود که عملا و در خیلی جاها کارگران آنها را به کارفرمایان تحمیل کرده بودند و آوردن آنها در قانون کار جز به نمایش گذاشتن عقب نشینی رژیم تغییری در زندگی واقعی کارگران نمیداد. قانون کار جمهوری اسلامی دو حق اساسی کارگران حق تشکل و حق اعتصاب را به رسمیت نمی شناسد و قانونی ارتجاعی و از نظر کارگران مردود است



فصل سوم

نگاهی بر اعتراضات کارگری از سال ۷۰ تا سال ۷۵



فصل سوم

نگاهی بر اعتراضات کارگری از سال ۷۰ تا سال ۷۵

سال ۷۰ در حالی آغاز میشود که اعتراضات وسیع کارگران نفت در پایان سال ۶۹ را پشت سر گذاشته اند.

در ۱۹ دیماه سال ۷۰ (۹ دسامبر ۹۲) کارگران نفت برای خواست افزایش دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. این اعتراضات پالایشگاههای اصفهان، شیراز و تهران را در بر گرفت و پس از ۱۷ روز وبا موافقت وزارت نفت با ۵۰ درصد افزایش دستمزد برای کارگران و ۸۰ درصد برای کارمندان پایان یافت. بدنبال بخشنامه وزارت نفت و افزایش دستمزد بیشتری برای کارمندان، کارگران با خواست ۸۰ درصد افزایش دستمزد به اعتصاب خود ادامه دادند. وزارت نفت در مقابله با ادامه اعتصاب کارگران با صدور بخشنامه ای اعلام داشت کارگرانی که فکر میکنند کارمند شدن برایشان مزایای بیشتری دارد میتوانند با مراجعه به کارگزینی فرم تقاضای کارمندی را پر کنند. وزارت نفت برای مقابله با این اعتصاب ۱۲ هزار تومان به حقوق و مزایای کارمندانی که دارای مدرک تحصیلی دیپلم یا فوق دیپلم بودند و ۱۷ هزار تومان به حقوق و مزایای کارمندانی که دارای مدارک تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس بودند افزود. سپس به کارگران گفت که اگر خواهان افزایش حقوق و مزایایشان هستند با مراجعه به کارگزینی خود را کارمند کنند. این طرح تنها شامل کارگرانی بود که زیر ۲۰ سال سابقه کار داشتند و کارگرانی که بیش از ۲۰ سال سابقه کار داشتند میتوانند با ارفاق ۱۰ سال سابقه کار بازنشسته شوند. هدف رژیم از اجرای این طرح این بود که این بخش از کارگران را به تدریج از نظر حقوقی و قانونی از دیگر بخشهای کارگری جدا سازد. رژیم کوشید این طرح را در بخش های مهم اقتصادی کشور به اجرا درآورد. طرح این بخشنامه باعث تفرقه در میان کارگران و ادامه دهندگان اعتصاب شد و کارگران به سر کار خود بازگشتند.

مبارزات کارگران نفت در سالهای ۶۹ و ۷۰ (۹۱ و ۹۰) با خواست افزایش دستمزد بر روی تصمیم دولت برای تعیین میزان حداقل دستمزدها در سال ۷۱ (۹۲) و افزایش ۳۶ درصدی آن تاثیر داشت.

در سال ۷۰ اعتراضات کارگری گسترش بیشتری یافت و به گفته کمالی وزیر کار جمهوری اسلامی در این سال حدود ۲۰۰۰ حرکت و اعتصاب کارگری روی داد. یک نمونه مهم اعتراضات کارگری در این سال تحصن گروه وسیعی از کارگران ذوب آهن اصفهان در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهایشان بود. در این تحصن که در ۱۵ شهریور ماه ۷۰ صورت گرفت تعداد زیادی از کارگران به نمایندگی از واحدها و قسمت های مختلف مجتمع بزرگ ذوب آهن شرکت داشتند.

در سال ۷۱ اعتراضات کارگری همچنان جریان داشت. از جمله در فروردین ماه اینسال کارگران نورد لوله اهواز برای خواست افزایش دستمزدهایشان ۱۸ روز در اعتصاب بودند. کارگران شعار میدادند:

مرگ بر دولت گرانی، مرگ بر مدنی رئیس کارخانه. این شعار بر در و دیوار کارخانه نوشته بودند. در این حرکت اعتراضی کارگران موفق به دریافت حق ایاب و ذهاب و تامین یک وعده غذای گرم شدند، اما در مورد خواست اصلی اعتصاب، افزایش دستمزدها، کارفرما موضوع را به تصمیمات هیات دولت موکول کرد.

در بهار همین سال کارگران کنف کار در ادامه یکسری حرکات اعتراضی کار را متوقف کرده و دست به اعتصاب زدند. در این حرکت اعتراضی کارگران چند خواست اصلی از جمله استخدام کارگران قراردادی را مطرح کردند که سرانجام مدیریت با برخی از خواستههای کارگران موافقت نمود.

یک نمونه مهم دیگر اعتراضات کارگری در این سال اعتصاب ۴۰۰۰ کارگر نساجی بهشهر در اعتراض به فساد اداری و فشارهای مذهبی به کارگران در اسفند ماه ۷۱ بود. این اعتصاب کارگران هر دو شیفت کارخانه را در برگرفت و سپس کارگران دست به تحصن زدند که سرانجام نیروهای دولتی جهت پایان دادن به اعتصاب کارخانه را تحت کنترل خود قرار دادند. روزنامه سلام در ارتباط با این حرکت اعتراضی طی گزارشی نوشت: "دولت رفسنجانی تلاش دارد از سرایت اعتصاب به کارخانه های دیگر جلوگیری کند. اما کارگران چیت سازی بهشهر از

کارگران واحدهای دیگر نظیر چوب و کاغذ سازی، نیرو و شیلات خواسته اند که به اعتراض آنها پیوندند و کارگران این کارخانه ها به این دعوت جواب مثبت داده اند. بنا به این گزارش رفسنجانی يك هیات بلند پایه شامل معاون رئیس جمهور و ۵ وزیر کابینه خود را جهت بررسی اعتراضات کارگری به استان مازندران اعزام داشت.

همچنین در اسفند ماه این سال ۶۰۰ کارگر بنزخاور در اعتراض به اخراج خود دست به تجمعی اعتراضی زدند. خبر این حرکت اعتراضی توانست سد سانسور رژیم را بشکند و با عکس و تفصیل حتی به روزنامه های دولتی نیز درز پیدا کرد. رژیم برای خواباندن اعتراض کارگران متوسل به پاسداران و نیروی انتظامی شد، اما مسئولان امر در برابر فشار کارگران ناچار به عقب نشینی شدند و کارگران با گرفتن قول رسیدگی به خواستههایشان بسر کار خود بازگشتند. اعتراضات کارگری دیگر در این سال عبارت بودند از:

۱۲ روز اعتصاب کارگران کشت و صنعت کارون در اعتراض به دستمزدهای معوقه ۶ ماهه خود و و علیه اخراج و با خواست پرداخت عیدی و پاداش سالانه، ۱۳ روز اعتصاب کارگران چیت تهران با خواستها منع دخالت انجمن های اسلامی در امور کارخانه و افزایش دستمزدها، اعتصاب کارگران شهرداری مسجد سلیمان با خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، کوتاه شدن دست انجمن های اسلامی و لباس کار برای کارگران، اعتصاب کارگران نورد اهواز با خواستههای افزایش دستمزدها، عذر خواهی رئیس بخش اطلاعات سپاه از کارگران بخاطر توهین به آنان، توزیع صحیح خانه های سازمانی به کارگران همانند کارمندان و..، تجمع ۴۰۰۰ نفر از کارگران قراردادی وزارت نفت در مقابل ساختمان اداری نفت در اهواز با خواست تمدید قرارداد کار و بازگشت آنها به کار،

طی سال ۷۲ یورش همه جانبه رژیم به کارگران و جنبش اعتراضی آن و مبارزات و اعتصابات کارگری در ابعاد وسیعتری جریان داشت. در این سال سیاست اقتصادی رفسنجانی به اجرا گذاشته شد. اهمیت عملی سیاست اقتصادی رفسنجانی تعیین تکلیف جدی تقابل سرمایه داری خصوصی و دولتی به نفع مکانیسم بازار و کنار گذاشتن اقتصاد دولتی بود. اجرای عملی این سیاست به معنی برداشتن موانع اداری موجود بر سر اقتصاد بازار، برقراری و تحکیم رابطه

با غرب بود. اجرای این سیاست میبایست به بکار افتادن بیشتر ظرفیت واحدهای تولیدی منجر میشد. در راستای اجرای این سیاست بود که با حذف سوبسید مایحتاج عمومی و لغو کنترل دولتی بر قیمت ها و نیز با شناور شدن نرخ ریال قیمت اجناس بطور تصاعدی و سرسام آوری بالا رفت. در این سال رئیس سازمان بهزیستی رژیم اعلام داشت: "متجاوز از ۴۲ میلیون نفر از جمعیت ۵۸ میلیونی کشور در فقر و یا زیر خط فقر قرار دارند".

در سال ۷۲ موارد زیادی از به تعویق افتادن حقوق و دستمزد و دریافتی کارگران در بسیاری از کارخانجات و کارگاههای دولتی را شاهد بودیم.

در واقع يك جزء لایتنجای اجرای سیاست اقتصادی دولت در سال ۷۲ اعمال فشار بیشتر به کارگران و مزد بگیران و مصرف کنندگان بود. از همین رو مبارزه برای افزایش دستمزدها عملاً به محور اصلی صف بندی کارگران در برابر وضعیت اقتصادی موجود و به مساله حیاتی کارگران تبدیل شد. در همین سال طرح تعدیل نیروی انسانی در کارخانجات به اجرا گذاشته شد و متعاقب آن صدها هزار کارگر در معرض بیکارسازی قرار گرفتند. طبق این طرح حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار کارگر نساجی ها مازاد محسوب شدند. بعلاوه در این سال بسیاری از کارخانجات و مراکز تولیدی به دلایل گوناگون به تعطیلی کشیده شدند و کارگران بسیاری از کار بیکار شدند. در نتیجه يك محور دیگر مبارزه در این دوره مبارزه کارگران علیه بیکاری بود. سیاست اقتصادی دولت معضل بیکاری در جامعه را شدت و گسترش داد. از همین رو اعتراضات بیشتری علیه بیکاری سازی و برای خواست بیمه بیکاری در این دوره به وقوع پیوست. بعلاوه گرانی روز افزون قیمت ها به اعتراضات توده های مردم در سطح جامعه نیز دامن زد. تا جایکه در دیماه ۷۲ لایحه ممنوعیت اعتصاب کارگران و کارمندان به مجلس ارائه شد.

اوائل سال ۷۲ در پی اخراج ۶۰۲ تن از کارگران بنز خاور کارگران اخراجی دست به اعتراض و مقابله با این اخراج جمعی زدند و در بخشهای مختلف دیگر کارگران شاغل به حمایت از کارگران اخراجی برخاستند. این خبر در روزنامه کار و کارگر جمهوری اسلامی انعکاس یافت.

همچنین پس از اخراج کارگران خیام الکترونیک نیشابور اعتراضاتی از سوی کارگران انجام گرفت. کارگران شرکت ساختمانی تهران تارک نیز در اعتراض به اخراج ۷۰ نفر از کارگران این کارخانه دست به اعتراض زده و خواهان بیمه بیکاری شدند و اعلام داشتند که باید در ازای هر سال سابقه کار معادل دو ماه حقوق به آنان پرداخت گردد.

در اواخر فروردین ماه این سال بود که کارگران جهان چیت برای دستیابی به خواسته‌هایشان اعتصابات را سازمان دادند. اعتصاب اول آنها ۲ روز بطول انجامید و در این اعتصاب کارگران خواهان افزایش دستمزد و گذاشتن سرویس ایاب و ذهاب برای کارگران و بهبود کیفیت غذای کارخانه شدند. روز ۱۱ اردیبهشت ۷۲ مرحله دوم اعتصاب کارگران جهان چیت صورت گرفت و ۱۵ روز ادامه یافت و سرانجام پس از انجام مذاکره با مدیریت کارخانه کارگران با گرفتن قول مساعد در مورد خواسته‌هایی که مطرح کرده بودند به سر کارشان بازگشتند. در آبانماه ۷۲ به دنبال عدم پرداخت دستمزد ماهانه کارگران پروژه ای شرکت نفت در اهواز توسط پیمانکاران، ۱۲۰۰ نفر از کارگران در مقابل ساختمان مرکزی شرکت دست به تجمعی اعتراضی زدند. در همین هنگام کارگران نختاب اصفهان در اعتراض به تعویق دستمزدهایشان به مدت ۵ ماه در مقابل استانداری این شهر تجمع کردند و برای پیگیری خواسته‌هایشان چند نماینده خود را به تهران اعزام داشتند.

همچنین در خردادماه ۷۲ کارگران شهرداری بانه از طرف شهردار از کار بیکار شدند و بدنبال آن کارگران شاغل و اخراجی دست از کار کشیدند و علیه تهدیدات شهردار به اعتراضاتشان ادامه دادند. از نمونه های دیگر اعتراضات کارگران در این سال میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

اعتراض کارگران شرکت قطعات اتومبیل مشهد برای خواست افزایش دستمزدها، اعتراض کارگران شهرداری بهبهان، کارگران شرکت اتوبوسرانی ساری، کارگران تریکو پوشاک ایلام، اتوبوسرانی ارومیه، شرکت باریم شیمی مشهد، کارگران "مجتمع صنعتی شهید باهنر"، چرمسازی ری، نازپوش بندر انزلی، اعتصاب کارگران چیت ری در اعتراض به تعویق دستمزدهایشان و تجمع اعتراضی کارگران کارخانه تراکتور سازی تبریز در اعتراض به اخراج ۱۲۰ نفر از کارگران این کارخانه

در مجموع در طول سال ۷۲ مبارزات کارگری حول مطالبه افزایش دستمزدها، اعتراض به اخراج و بیکارسازی کارگران، اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها، خواستن بیمه بیکاری، خواست سرویس ایاب و ذهاب و امکانات رفاهی دیگر بوده است.

همچنین میتوان به بسیاری از اعتراضات کارگری و توده ای در سال ۷۲ اشاره کرد که علیه گرانی و بالا رفتن قیمت ها صورت گرفت. نمونه های آن اعتراضات شهرهای زاهدان، قزوین، کرمانشاه، تبریز و افسریه تهران بود.

اعتراضات کارگری در این سال در اشکال مختلفی چون اعتصاب، تحصن، تظاهرات، راهپیمایی و طومار نویسی صورت گرفت.

در سال ۷۳ بیکارسازی ها همراه با مساله تعویق در پرداخت دستمزدها کماکان ادامه دارد. در این سال بصیری دبیر سندیکای صاحبان صنایع نساجی در گفتگو با روزنامه کار و کارگر ناشر افکار شوراهای اسلامی گفت: "سندیکای نساجی ایران ۲۵۰ تا ۴۷۰ کارخانه را تحت پوشش دارد". او در این گفتگو همچنین اظهار داشت: "از ۴۰ هزار دستگاه ماشین موجود در صنعت نساجی نزدیک به ۴۰ درصد آنها سالهاست که مستهلک شده و بازده اقتصادی ندارند و بقیه ماشین آلات نیز به خوبی استفاده نمیشوند". سخنان بصیری حاکی از خطر اخراج بیش از صد هزار کارگر در صنایع نساجی ایران بود. این در حالیست که کارگران در ایران از حق بیمه بیکاری واقعی خود محرومند. در سال ۷۳ اعتراضات کارگری عمدتاً علیه اخراجها و دستمزدهای معوقه صورت گرفت. در اواخر این سال ما شاهد اعتراضاتی برای خواست افزایش دستمزدها نیز بودیم. از جمله این حرکات اعتراضی تجمع اعتراضی کارگران کارخانه رادیاتور اتومبیل شهر ساوه برای خواست افزایش دستمزد، تغییر ساعت کار و انتخاب نماینده و تسهیلات رفاهی دیگر را میتوان نام برد. همچنین در همین هنگام کارگران کارخانه آزمایش علیه اضافه کاری اجباری مدیریت تجمعی اعتراضی برپا کردند. از اواخر سال ۷۳ فضای اعتراض در محیط کارگری افزایش بیشتری پیدا کرد. در ادامه این شرای تظاهرات عظیم اسلامشهر که اساساً محلی کارگر نشین در نزدیک تهران است، حاکی از حال و هوای تازه ای در جنبش کارگری در ایران بود. در این حرکت اعتراضی رژیم برای خواباندن اعتراض کارگران از هلی کوپتر و نیروی انتظامی استفاده کرد و وزیر کشور جمهوری اسلامی اعلام داشت: "جمهوری اسلامی نمیتواند این ناآرامیها را تحمل کند".

در سال ۷۴ (۹۵) مقامات امنیتی رژیم و شوراهای اسلامی جلسه ای اضطراری برای چاره

جوئی و مقابله با اعتراضات مردم در جامعه و جو اعتراضی در کارخانجات تشکیل دادند. موضوع این جلسه بررسی اوضاع کارخانجات و چگونگی برقراری آرامش در آنها بود و از جمله مصوبات این جلسه استخدام ۱۵۰۰۰ بسیجی در صنایع و استقرار آنها در کارخانجات بود. از نمونه های برجسته اعتراضات کارگری در این سال میتوان موارد زیر را بر شمرد:

اعتصاب سه روز و تحصن کارگران بنزخاور در تیرماه ۷۴ در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان، اعتصاب کارگران کارخانه چوب اسالم در اعتراض به تعویق ۴ ماه دستمزدهایشان، ۶ روز اعتصاب کارگران کارخانه های سیمین اصفهان با خواست سودویژه معوقه و اخراج مدیر عامل شرکت، اعتصاب کارگران نازیپوش بندرانزلی در اعتراض به تعویق دستمزدها، راهپیمایی کارگران نساجی شماره ۱ قائم شهر در اعتراض به تصمیم دولت مبنی بر تعطیلی کارخانه و اخراج کارگران، اعتصاب کارگران خودروسازان در اعتراض به خبر تعطیلی کارخانه، اعتراض کارگران قند پیرانشهر علیه اخراج

فاصله سال ۷۰ تا ۷۵ اساسا با به اجرا گذاشته شدن سیاست اقتصادی رفسنجانی، شناور شدن قیمت ریال و رشد بیسابقه تورم و گرانی و سقوط عظیم سطح زندگی کارگران، اجرای طرح تعدیل نیروی انسانی در کارخانجات و بیکارسازی يك میلیونی آنان متمایز میشود. در این دوره در برابر موج تهاجمی که بر زندگی و شرایط کار کارگران صورت گرفت اعتراضات کارگری همچنان جریان داشت و محور مبارزات کارگران در این دوره اساسا مبارزه علیه بیکارسازیها و خواست بیمه بیکاری است.



فصل چهارم

مبارزات کارگری از سال ۷۵ تا کنون



فصل چهارم

مبارزات کارگری از سال ۷۵ تا کنون

مبارزات کارگران نفت در سال ۷۵ برای خواست افزایش دستمزدها و اجرای قراردادهای دسته جمعی کار فاز جدیدی را در مبارزات کارگری از بعد از سرکوب خونین سال ۶۰ و سرکوب شوراها گشود. در این دوره اعتراضات کارگری همگام با رشد اعتراضات جوانان، زنان و اقشار مختلف مردم در سطح جامعه رشد بیشتری یافت.

دوره ای که شرایط سیاسی ایران بشدت متحول است و جمهوری اسلامی با بحران عمیقی روبرو میشود. دوره ای که نقش مردم و مبارزاتشان مستقیماً وارد معادلات سیاسی ایران میشود. در تقابل با به میدان آمدن مردم جنبش دوم خرداد با پلاتفرم اصلاحات و جامعه مدنی شکل میگیرد و در راس این جنبش خاتمی به ریاست جمهوری انتخاب میشود. اما مردم همچنان در میدان مبارزه هستند و اعتراضات هر روز گسترده تر میشود و سال ۸۰ به شکست کامل جنبش دوم خرداد منجر میشود.

در این دوره مبارزه کارگری بر متن رشد اعتراضات توده های مردم در جامعه هر روز گسترش بیشتری مییابد. سال ۷۶ با بالاگرفتن نزاع و اختلافات درونی رژیم و انتخاب خاتمی به ریاست جمهوری موقعیت ویژه و حساسی در ایران بوجود می آید. تحرك سیاسی مردم در پایین و کشمکش و بحران در بالا مشخصه اصلی اوضاع سیاسی این دوره است.

مبارزه کارگران نفت در سال ۷۵ (۹۷) سرآغاز تحرك جدیدی در جنبش کارگری در ایران بود. اعتراضات کارگران نفت از اوت ۹۶ (مرداد ۱۳۷۵) با يك تظاهرات خیابانی شروع شد. روز ۴ اوت (۲۰ مرداد) نزدیک به چهارصد تن از کارگران پالایشگاه تهران، جایگاههای سوخت رسانی و شرکت گاز مرکزی بدون اطلاع قبلی در خانه کارگر تهران تجمع کردند و درباره خواستههای خود با یکدیگر به بحث و تبادل نظر پرداخته و تصمیماتی اتخاذ کردند. اجرای قراردادهای دستجمعی، طرح طبقه بندی مشاغل، اعطای وام مسکن و بهبود وضعیت

درمانی کارگران در راس خواستهای کارگران قرار داشت. در این اجتماع کارگران ضمن محکوم کردن مسئولین وزارت نفت از جمله گفتند:

"طبق قانون کار پیمانهای دستجمعی باید هر سه سال یکبار مورد تجدید نظر قرار گیرد اما وزارت نفت پس از گذشت هفده سال نه تنها پیمان گذشته را مورد تجدید نظر قرار نداده بلکه مفاد اصلی آن را نیز اجرا نمی کند. از جمله جیره خواربار مزایای سختی کار". یکی از مهمترین مسائل کارگران نفت اجرای طرح طبقه بندی مشاغل است. "این طرح باید همزمان با تصویب قانون کار به مورد اجرا گذاشته میشد که وزارت نفت از اجرای آن ممانعت بعمل می آورد". "صندوق رفاه کارکنان نفت با سرمایه گزافی که در اختیار دارد بجای اعطای وام مسکن به کارگران به سرمایه گذاری گزاف در بخشهای دیگری نظیر ساخت و ساز مسکن و فروش آنها با قیمت های سرسام آور به کسب سود توجه دارد. هروقت هم برای دریافت وام مسکن به مسئولین ذیربط مراجعه می کنیم می گویند که تنها شرط پرداخت وام مسکن اینست که شما کارمند شوید". "بارها اتفاق افتاده که سه شیفت در روز هم کار کرده ایم اما علیرغم این تلاش توان پرداخت کرایه خانه را هم نداریم".

کارگران بعلاوه به مسئولین خانه کارگر بخاطر عدم پیگیری خواستههایشان انتقاد کردند. مسئولین خانه کارگر که از تجمع کارگران نفت غافلگیر شده بودند با دادن قول پیگیری به آنان، کارگران را به آرامش دعوت میکردند.. بدنبال این تجمع کارگران به طرف وزارت نفت راهپیمایی کردند و خواستار ملاقات با وزیر نفت شدند. در این ملاقات کارگران بر خواستهای خود پافشاری کردند و دو ماه به وزیر نفت مهلت دادند.

پس از نزدیک به چهار ماه و متحقق نشدن خواستها، کارگران دست به اعتصاب مجدد زدند. این اعتصاب که در روزهای ۱۸ و ۱۹ دسامبر (۲۸ و ۲۹ آذر) صورت گرفت دومین اقدام اختاری کارگران نفت در این سال بود و دامنه وسیعتری از حرکت قبلی داشت. اعتصاب، کارگران پالایشگاههای تهران، اصفهان، شیراز و تبریز را دربرگرفت. کارگران در پایان این اعتصاب اخطار کردند که اگر به مطالباتشان رسیدگی نشود به اعتراضی گسترده تر دست خواهند زد. افزایش دستمزد و اجرای قرارداد دستجمعی و طرح طبقه بندی مشاغل همچنان در راس مطالبات کارگران قرار داشت.

با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه کارگران نفت در ایران و اهمیت این اعتصاب، حزب کمونیست کارگری ایران در تاریخ ۲۶ دسامبر (پنجم دیماه) خبر اعتصاب را وسیعاً انتشار داد و بدنبال

آن کمپینی را در حمایت از کارگران نفت سازمان داد. این کمپین توانست بسرعت حمایت گسترده سازمان‌های کارگری و سازمان‌های سیاسی را بخود جلب کند. با پایان گرفتن مهلتی که کارگران در ماه دسامبر (آذرماه) برای تحقق خواسته‌هایشان به رژیم داده بودند، روز یکشنبه ۱۶ فوریه ۹۷ (۲۸ بهمن ۱۳۷۵) کارگران پالایشگاه تهران در برابر وزارت نفت دست به تظاهرات زدند. در این روز بیش از دو هزار کارگر تجمع کردند و خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود و از جمله افزایش دستمزد شدند. با بی نتیجه ماندن مذاکره نمایندگان کارگران با وزارت نفت و پس از اینکه کارگران حاضر نشدند که به تجمع خود پایان دهند نیروهای سرکوبگر رژیم به اجتماع آنان حمله کردند و تعدادی را زخمی و صدها نفر را دستگیر کردند. خبر تظاهرات با سرعت و ابعادی بی نظیر از رسانه‌ها و خبرگزاری‌های بین‌المللی، آسوشیتد پرس، بی‌بی‌سی، رویتر، خبرگزاری چین و فرانسه و آلمان و سوئد و ... و نیز رادیوهای مختلف پخش شد. انعکاس خبر آنچنان وسیع بود که رژیم نتوانست سکوت کند. رسانه‌های رژیم اعلام کردند که چند ده نفر! دست به تظاهرات زده‌اند و معاون وزیر نفت اظهار داشت که با نمایندگان کارگران به توافق رسیده است. همزمانی حرکت اعتراض کارگران نفت با پایان سال و موعد تعیین حداقل دستمزدها برای سال ۷۶، فضای اعتراضی در میان کارگران را بالا برده بود. بطوریکه مقامات رژیم در ابتدا به وعده یک افزایش ۳۵ درصدی به دستمزد کارگران نفت تن دادند. اما بعد شورای عالی کار زیر قول خود زد و اعلام داشت که امکان چنین افزایشی را ندارند و در اسفندماه حقوق کارگران مشمول قانون کار ۹/۲۲ در صد افزایش یافت. در مورد کارگران نفت اما موضوع بدرجه‌ای متفاوت بود. روحیه اعتراضی در میان کارگران نفت بالا و زمزمه اعتراض مجدد در میان آنها شنیده می‌شد. در اواخر ماه اسفند شورای عالی کار ناچار شد بدون سرو صدا علاوه بر ۹/۲۲ درصد، به بخشهایی از کارگران نفت تا صددرصد افزایش دستمزد همراه با بعضی مزایای دیگر تن دهد. بدین ترتیب اعتصاب کارگران نفت در این سال پایان یافت.

سال ۷۶ را کارگران در حالی آغاز کردند که اعتصاب کارگران نفت تازه پایان یافته بود و شور و شوق مبارزه و تجربه یک زور آزمائی جدی و طولانی با جمهوری اسلامی را با همه افت و خیزها و درسهای آن برای کارگران به ارمغان آورده بود. مبارزات کارگران نفت که موقعیتی کلیدی در اقتصاد ایران و در راس جنبش کارگری ایران

دارند، حیاتی تازه در جنبش کارگری دمید و مبارزات کارگران در سال ۷۶ (۹۷) متاثر از این حرکت و سایر حرکات کارگری قرار گرفت. از جمله مبارزات این سال میتوان به نمونه های زیر اشاره کرد:

در ۱۸ شهریور (۹ سپتامبر) کارگران نورد اهواز علیه مدیریت و خواستهای افزایش دستمزدها و برخورداری از بیمه حوادث و نیز وسائل ایمنی کافی برای قسمت کوره ذوب آهن این کارخانه دست به اعتصابی نیمه وقت زدند. مدیریت پس از مذاکره با کارگران قولهای مساعدی به آنها داد و در نتیجه کارگران به اعتصاب خود خاتمه دادند.

در ۱۹ شهریور (۱۰ سپتامبر ۹۷) کارگران ماشین سازی اراک و ایسته به وزارت صنایع با ۴۰۰۰ کارگر با خواست افزایش دستمزدها و اعتراض به شرایط ایمنی کار دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب با تهاجم نیروهای حراست و پاسداران و دستگیری تعدادی از کارگران به اتمام رسید. اما کارگران دوباره در آذرماه همین سال دست به اعتصاب زده و مطالبات قبلی خود، از جمله اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را طرح کردند.

در همین زمان اعتراضاتی در کارخانجات ایران خوررو، ایران ابزار و صنایع تسلیحات در قرچک و رامین انجام گرفت. کارگران ایران خودرو برای تحقق خواستههایشان در محل وزارت کار تحصن کردند.

در ۲۷ شهریور ماه (۱۸ سپتامبر) کارگران کشت و صنعت کارون باخواستهای افزایش دستمزدها، افزایش حقوق فوق العاده بدی آب و هوا، و ۵ روز مرخصی در ماه دست به اعتصاب زدند.

در ۳۰ شهریور ماه (۲۱ سپتامبر) در شرکت زغال سنگ البرز شرقی شاهرود در معادن "طرزه" اعتصابی برپا شد.

در ۲۸ آذر (۲۰ اکتبر) ماه کارگران فرشباغ شهر بن از توابع شهر کرد حول خواست افزایش دستمزدها و پرداخت حق بیمه اعتصاب کردند.

در همین روز کارگران متروی تهران برای خواستههایی چون پرداخت حقوق معوقه آنها و افزایش دستمزدهایشان و نیز ایمنی محیط کار دست به اعتصاب زدند. در ۲۰ دیماه در گروه صنعتی کفش ملی اعتصابی به وقوع پیوست. این گروه یکی از بزرگترین مجتمع های صنعتی تهران است و حدود ۲۶ کارخانه را در برمیگیرد که حدوداً ۱۳۰۰۰ کارگر در آن شاغل هستند. این اعتصاب بعد از اعتصاب کارگران نفت دومین اعتصاب بزرگ کارگری بعد از سال ۶۰ بود.

خواست مهم و اساسی کارگران خواست افزایش دستمزدها بود. بعلاوه کارگران به وجود تفاوت فاحش میان مزایای مدیران معترض بوده و خواهان برکناری مدیریت این مجتمع شده بودند. برای نمونه آنها خواهان تسهیلات بیشتر برای گرفتن وام بودند. کارگران اعتراض داشتند که چرا مدیران خود به هر میزان که می‌خواهند میتوانند وام دریافت کنند ولی برای کارگران شرایط سخت و دشواری برای استفاده از این امکان وجود دارد. تحت همین فشارها نیز مدیریت این مجتمع از کار برکنار شد. این اعتصاب و خطر گسترش دامنه آن رژیم و مسئولین امر را دچار بیم و نگرانی بسیار کرده بود تا اینکه در روز ۲۹ بهمن نماینده اداره کار جمهوری اسلامی به محل گروه صنعتی رفته و با دادن وعده افزایش دستمزد سعی در خواباندن و جلوگیری از گسترش بیشتر این اعتصابات نمود. اما کارگران در پاسخ به گفته‌های او اعلام کردند که تا رسیدن به خواسته‌های خود همچنان به مبارزه شان ادامه خواهند داد. پس از این تلاش در روز اول بهمن ماه مدیران گروه صنعتی کفش ملی در محل ساختمان کفش ملی در مهرآباد جلسه‌ای اضطراری تشکیل داده و طی آن کلیه کارخانه‌های این مجتمع را تا روز شنبه ۱۰ بهمن یعنی تا آخر ژانویه تعطیل اجباری اعلام کردند.

علیرغم همه این تلاشها اعتصاب کارگران کفش ملی ۵ هفته بطول کشید. کارگران در ۲۸ بهمن ماه (۱۷ فوریه ۹۸) در مقابل وعده‌هایی از جانب مدیریت به اعتصاب خود خاتمه داده و سرکارشان حاضر شدند.

در همین زمان در کارخانجات پارچه بافی نمازی هشتگرد و جهان چیت، جرثقیل سازی وزنه و فیروزا، جرثقیل سازی های هوایی، زمینی، ساختمانی، کارخانجات کفش بلا، کفش پیروزی، گروه صنعتی قطعات فولادی اعتراضاتی حول خواست افزایش دستمزدها صورت گرفت. کارگران جهان چیت نیز یک هفته در اعتصاب بسر بردند.

همچنین در بهمن ماه این سال ۱۴۰۰ کارگر کارخانه ریسندگی بافناز اصفهان در اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر اخراج تعدادی از کارگران، دست به اعتصاب زدند. در این حرکت اعتراضی کارگران با حمله نیروهای انتظامی مواجه شدند. در همین ماه در کارخانجات ریسندگی و بافندگی پارس واقع در جاده شاهین اصفهان، تجارت اصفهان، قند پیرانشهر، صنایع فولاد تهران، جهان نصر در ایلام و نساجی بهشهر کارگران برای دریافت دستمزدهای معوقه خود دست به اعتصاب زدند و اعتصاب کارگران نساجی بهشهر دو هفته طول کشید. کارگران شرکت علاءالدین نیز در همین ماه در اعتراض به شرایط ناامن کار خود اعتصاب

کردند.

و بالاخره در اسفند ماه این سال شاهد حرکت اعتراضی کارگران کارخانه پارسان در رشت بودیم. این کارخانه تولید کننده پتو برای نیروهای مسلح است و از شش ماه پیش به حالت تعطیل در آمده بود و کارگران آن به عدم پرداخت حقوقهایشان اعتراض کردند. کارگران به رژیم اعلام کردند که اگر به خواستههایشان پاسخی داده نشود، هفته دیگر در فاصله شهر رشت تا فومن دست به یک راهپیمایی اعتراضی خواهند زد. در واکنش به گسترش دامنه اعتراضات کارگری در سال ۷۶ یکی از روزنامه های رسمی ایران از فلج شدن کارخانجات غرب تهران با بیش از سیصد هزار کارگر سخن گفت.

در مبارزات کارگران در سال ۷۶ خواست افزایش دستمزدها در صدر مطالبات کارگران قرار داشت. بعلاوه کارگران در این مبارزات خواستههای دیگری چون بهبود شرایط کار، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و قرار دادهای دسته جمعی را در مقابل دولت قرار دادند.

میتوان گفت اعتصابات کارگران نفت در دیماه ۷۵ و کارگران کفش ملی در اواخر سال ۷۶ نمونه های برجسته ای از مبارزات فراکارخانه ای در این دوره است. در این مبارزات کارگران توانستند هیاتهای نمایندگی خود را بعنوان طرف مذاکره با دولت و کارفرمایان تحمیل کنند.

از آغاز سال ۷۷ (۹۸) زندگی و معیشت طبقه کارگر در ایران دوباره مورد تهاجم جدیدی قرار گرفت. بالا رفتن قیمت نفت در بازار جهانی و کمبود نقدینگی بهانه ای شد برای فشار هر چه بیشتر به کارگران در این سال. عدم پرداخت دستمزدها به پدیده ای عادی و معمول تبدیل شد. کارخانجات بسیاری تعطیل شدند و کارگران بسیاری از کار بیکار شدند. فشار به بخش هایی دیگر کارگری که شاغل بودند افزایش یافت و خطر بیکار شدن از کار زندگی و مبارزه آنان را تحت الشعاع خود قرار داد.

اما علیرغم همه اینها در طول سال ۷۷ (۹۸) مبارزات کارگری جریان داشت. در این سال خبر بیش از ۱۰۰ حرکت کارگری در روزنامه های رسمی دولتی انعکاس یافت که بیشک با توجه به سانسور سراسری در ایران این رقم نسبت به واقعیت بسیار ناچیز است. این اعتراضات در اشکال اعتصاب، تحصن، تظاهرات و راهپیمایی، بستن جاده و غیره انجام گرفت. خواست این اعتراضات اگر چه عمدتاً حول خواست پرداخت دستمزدهای معوقه و علیه اخراج بود، اما در تداوم خود توانست در بسیاری جاها پرداخت بیمه بیکاری به کارگران بیکار شده را به دولت

تحمیل کند و بصورت مبارزه برای گرفتن بیمه بیکاری ادامه یافت. نظیر اعتصاب کارگران نساجی در قائم شهر. در ۵ بهمن ۱۳۷۷ (۲۵ ژانویه ۱۹۹۹) وزارت نفت اعلام کرد که رئیس جمهور خاتمی سند "اصلاح ساختار صنعت نفت" را تایید کرده است. طبق اظهارات مقامات مسئول هدف این طرح "افزایش کارایی، سرعت عمل، ابتکار و بهره‌وری در صنعت نفت اعلام شد. طبق این طرح بخش‌هایی از کارهای تولیدی صنعت نفت به بخش خصوصی واگذار شد و در نتیجه اخراج تعداد زیادی از کارگران قراردادی و پروژه‌ای را بدنبال داشت. ۴۰۰۰ کارگر نفت در خطر اخراج قرار گرفتند. اما باز اعتراضات کارگری در شرایطی که جو سیاسی جامعه هر روز ملتهب‌تر میشد روند رو به گسترش خود را حفظ کرد.

در سال ۷۷ (۹۸) شاهد مبارزات کارگران برای دریافت دستمزدهای معوقه و مبارزه علیه اخراج‌ها و دریافت بیمه بیکاری بودیم. از ۲۴۴ حرکت اعتراضی گزارش شده در فاصله مه ۱۹۹۹ تا آپریل ۲۰۰۰ حدود ۶۶ درصد آن بر سر دستمزدهای معوقه بعضاً تا ۲۴ ماه بوده است. در سال ۷۷ (۹۸) خبر بیش از صد حرکت و اعتصاب کارگری در اخبار روزنامه‌ها انعکاس یافت. این اعتراضات در اشکال مختلف اعتصاب، تحصن، تجمع در مقابل مراکز دولتی، راهپیمایی و بستن جاده صورت گرفت.

در کل کاهش قیمت نفت در بازار جهانی در سال ۷۷ (۹۸) بهانه‌ای بود که تهاجم وسیعی به زندگی و معیشت طبقه کارگر در ایران را بدنبال داشت. این شرایط بر روی مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها از سوی بخشهای دیگر کارگری که به کار اشتغال داشتند تاثیر گذاشت. این شرایط باعث شد که در سال ۷۸ (۹۹) به کارگران نفت حتی همان ۲۰ درصد افزایش دستمزدی که کارگران مشمول قانون کار را در بر میگرفت، تعلق نگیرد.

اعتراضات دانشجویی در ۱۸ تیر ۷۸ و حمایت و پیوستن مردم به این اعتراضات به نقطه عطفی در جنبش سرنگونی طلب در ایران تبدیل شد. این اعتراضات از حرکت اعتراضات دانشجویان دانشگاه تهران در ۱۸ تیر آغاز شد و تمام شهر تهران و ۱۸ شهر دیگر را در بر گرفت. ۶ روز حرکت و اعتراض در تهران حکایت از شکل‌گیری یک جنبش مستقل سرنگونی طلب در ایران داشت و این تحولات سیاسی بر روی شکل و شتاب اعتراضات کارگری نیز تاثیر گذاشت.

از سوی دیگر وضعیت اقتصادی رژیم هر روز بحرانی‌تر شده و کارخانه‌ها با رکود و تعطیل

مواجه شدند. تولید بخشهایی از صنایع به دلیل فرسودگی تکنیک و تحت عنوان اصلاح ساختار کارخانجات به توقف کشیده شد و کارگران از کار بیکار شدند. بخش عمده ای از صنایع نساجی با حدود ۳۰۰۰۰ کارگر به تدریج به تعطیلی کشیده شدند. بدین ترتیب از اوائل ۷۸ موج جدیدی از بیکارسازیها آغاز شد و عدم پرداخت دستمزد به کارگران به پدیده ای عمومی و رایج تبدیل شد.

در سال ۷۹ در حالیکه دامنه اعتراضات توده ای در جامعه هر روز گسترده تر شده و اشکال رادیکالتری بخود گرفت، ما شاهد جنب و جوش بیشتری در جنبش کارگری بودیم. بویژه از اواسط این سال و بدنبال حرکت اعتراضی مردم در خرم آباد که انعکاس وسیعی در سطح جامعه داشت، شتاب این اعتراضات بیشتر شد.

سال ۷۹ همچنین سالی پر مشقت برای کارگران بود. بیش از نیم میلیون کارگر ماهها دستمزدی نگرفتند و با تعطیل شدن بسیاری از کارخانجات حدود ۷۰۰ هزار کارگر در معرض بیکاری قرار گرفتند. اما کارگران در برابر این شرایط ساکت ننشستند و اعتراضات کارگری نسبت به سالهای قبل شتاب بیشتری یافت.

در این سال اعتراضات کارگری در تمامی شهرهای ایران در تهران، تبریز، آبادان، اهواز، اصفهان، مشهد، شیراز، استانهای شمالی و جنوبی جریان داشت و موارد بسیاری از این اعتراضات موفقیت کارگران را بدنبال داشت. کشیده شدن هر چه بیشتر این اعتراضات به بیرون از کارخانه ها، جلب حمایت مردم و خانواده های کارگری از این مبارزات، به نمایش گذاشتن نمونه های برجسته ای از اتحاد کارگری و پشتیبانی کارگران شاغل از مبارزات کارگران بیکار، از جمله صفات ویژه و برجسته ایست که حرکات کارگران در سال ۷۹ را نسبت به سالهای گذشته متمایز میکرد و بیانگر رشد و پیشروی جنبش کارگری در ایران بود.

در سال ۷۹ اعتراضات کارگری عمدتاً در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و علیه بیکاری و خواست بازگشت به کار در اشکالی رادیکال و سیاسی انجام گرفت و خود فاکتور مهمی در تشدید بحران سیاسی جمهوری اسلامی بود. بعلاوه طرح مطالباتی چون اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، خواست افزایش دستمزدها و خواست قراردادهای دسته جمعی از سوی کارگران بخش های شاغل نشانه هایی از به میدان آمدن این بخش و جلوتر آمدن خواستهای کارگران در سال ۷۹ بود. در سال ۷۹ بیش از سالهای دیگر ما شاهد کشیده شدن اعتراضات کارگری به خیابانها

در اشکال تظاهرات و راهپیمایی در سطح شهر، بستن جاده، گذاشتن پیکت و اجتماع مقابل مراکز دولتی از جمله در مقابل مجلس شورای اسلامی، دفتر ریاست جمهوری و مقابل دفتر سازمان بین المللی کار، تحصن و کشاندن اعتراضات به سطح جامعه و حتی انعکاس آن در سطح بین المللی بودیم. یک نمونه برجسته این اعتراضات راهپیمایی کارگران نساجی بهشهر در مهرماه ۷۹ بود که با پیوستن مردم به صف کارگران در کل شهر و منطقه انعکاس وسیعی پیدا کرد. نمونه دیگر آن تجمع اعتراضی کارگران علاءالدین در برابر دفتر سازمان ملل برای جلب همبستگی بین المللی کارگری و متوجه کردن جامعه به خواست برحق کارگران و اعتراضشان به تعویق پرداخت دستمزدها بود. همچنین تحصن کارگران حفاری اهواز در اعتراض به طرح واگذاری شرکت به بخش خصوصی و اخراج تعداد زیادی از کارگران، نمونه دیگری از مبارزات تعرضی کارگران در سال ۷۹ بود که طی آن کارگران با اولتیماتومی ۷۲ ساعته دولت را وادار به عقب نشینی و متوقف ساختن این طرح نمود. و بالاخره نمونه دیگر راهپیمایی با شکوه ۷۰۰ کارگر نساجی سیمین اصفهان در اسفند ماه است. در این حرکت اعتراضی کارگران در حالیکه پلاکارد بدست داشتند در خیابانهای شهر اصفهان دست به راهپیمایی زدند. نیروهای انتظامی رژیم از ترس پیوستن مردم به این حرکت به صف کارگران حمله کرده و ۲۵ نفر را دستگیر کردند. اما تحت فشار جو اعتراضی موجود کارگران دستگیر شده شبانه از زندان آزاد شدند.

فشار اشکال متنوع اعتراضات کارگری در این سال باعث شد که در درون حکومت نیز زمزمه هایی برای تغییر وضعیت کارگران شنیده شود. حزب اسلامی کار، درست یکروز قبل از اول ماه مه سال ۷۹ طی بیانیه ای خواهان آزادی اعتصاب تحت عنوان اعتصاب قانونی در ایران شد و در همانجا بنوعی خواهان آزاد شدن انجمن های صنفی کارگران گردید. این اظهارات در واقع عکس العملی نسبت به دو خواست کلیدی کارگران حق اعتصاب و حق تشکل بود.

در برخورد به مبارزات کارگران در سال ۷۹ همواره تلاش رژیم جلوگیری از گسترش هر حرکت کارگری به مراکز دیگر، جلوگیری از حمایت مردم از این اعتراضات و تبدیل آنها به قیام های شهری بود. اعتصاب و راهپیمایی کارگران چیت بهشهر با حمایت و پیوستن مردم به صف کارگران که میرفت به قیامی شهری تبدیل شود اولین زنگ خطری بود که نواخته شد. بعد از آن هر جا که رژیم احساس میکرد میروود که کار به چنین خطری منتهی شود، یا فوراً دست به عقب نشینی زده و به نوعی به خواست کارگران گردن میگذاشت و یا به سرکوب فوری حرکت کارگران متوسل شده و با وارد کردن نیروی انتظامی و دستگیری و حتی زخمی کردن کارگران

تلاش داشت حرکت اعتراضی آنان را بعقب راند.

اعتراضات کارگری در سال ۷۹ همچنان و در بخش عمده ای از آنها عمدتاً به بیرون از کارخانه کشیده شد و در اشکال راهپیمایی، بستن جاده ها و اجتماع در مقابل مجلس جمهوری اسلامی و مراکز دولتی دیگر صورت گرفت. این اعتراضات در سال ۸۰ نیز همچنان تداوم یافت.

در سال ۸۰ کثرت بیشتر اعتراضات کارگری، وقوع آن در اشکال راهپیمایی، بستن جاده ها و پیکت کردن، برپایی مبارزات فراکارخانه ای و بعضاً فرارشته ای و در سطح چند کارخانه، جلب حمایت مردم و خانواده های کارگری از این مبارزات، همه و همه بیانگر رشد رادیکالیسم و پیشروی جنبش کارگری در ایران است.

تظاهرات معلمان در دیماه سال ۸۰ يك نقطه عطف تعیین کننده در مبارزات کل اقصا معترض جامعه و در مبارزات کارگری در این سال بود. تظاهرات هزاران نفره معلمان که در رسانه ها و تلویزیون دولتی منعکس شد، به نقطه امیدی جدی در میان همه اقصا جامعه و در میان کارگران تبدیل شد. معلمان در مبارزاتشان با اعتراض علیه تبعیض و نابرابری، علیه تحقیر، علیه سانسور و خفقان و با خواست های حق تشکل و غیره و با رادیکالیسم خود بعنوان يك نیروی برابری طلب، سکولار و چپ در صحنه سیاسی ایران ظاهر شدند و حرکت آنها بر ارتقاء و پیشبرد سطح توقع و خواستهای کل اقصا جامعه و اعتراضات کارگران تاثیر گذاشت. حرکت اعتراضی کارگران لوله سازی اهواز با شعار معلم کارگر اتحاد اتحاد، نمونه بارزی از تاثیر این مبارزات بر اعتراضات کارگری و بر خواستها و شعارهایشان بود. در این حرکت اعتراضی کارگران به دستمزدهای معوقه خود و به بی سروسامانی کارخانه معترض بوده و علیه تبعیض و علیه سانسور شعار داده و خواهان افزایش دستمزدهایشان شدند. بدنبال این اعتراضات کارگران در مبارزاتشان نه تنها خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه خود بودند بلکه خواست افزایش دستمزدها به خواست فوری کارگران تبدیل شد.

در سال ۸۰ اعتراضات کارگری عمدتاً در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها، علیه بیکاری، خواست بازگشت به کار و نیز خواست افزایش دستمزدها آنها در اشکالی رادیکال تر نسبت به گذشته انجام گرفت و فشار سنگین تری بر وضعیت وخیم جمهوری اسلامی بود. مبارزه علیه بیکارسازی ها در صنایع نساجی کشور که تحت عنوان طرح بازسازی این صنایع به اجرا گذاشته شد، بویژه در شهر اصفهان و تظاهرات همزمان کارگران نساجی چندین کارخانه در خیابانهای

این شهر نگرانی و هراس رژیم را برانگیخت.

در سال ۸۰ خبر بیش از سیصد حرکت اعتراضی کارگری از سد سانسور رژیم گذشت و در روزنامه‌ها انعکاس یافت و یا مستقیماً بدست ما رسید. این اعتراضات عمدتاً در اشکال تظاهرات و راهپیمایی در سطح شهر، بستن جاده، گذاشتن پیکت و اجتماع مقابل مراکز دولتی از جمله در مقابل مجلس شورای اسلامی، دفتر ریاست جمهوری و مقابل دفتر سازمان بین‌المللی کار، تحصن و کشاندن اعتراضات به سطح جامعه و حتی انعکاس آن در سطح بین‌المللی، انجام گرفت.

یک نمونه برجسته این اعتراضات، اعتراض کارگران نساجی در اصفهان در مراسم اول ماه مه دولتی در اصفهان و جلوگیری کردن آنها از سخنرانی سهیلا جلودارزاده بود. در این تظاهرات کارگران در تقابل با تبلیغات فاشیستی رژیم و مزدوران خانه کارگر و جلودارزاده نماینده مجلس به حمایت از کارگران افغانستانی شعار میدادند و با آوردن پلاکاردهایی که بر روی آن نوشته شده بود ما خواهان دستمزدهای معوقه خود هستیم مراسم دولتی رژیم را برهم زدند. در تهران نیز کارگران در این روز با شعارهای کارگر آگاه است از استعمار بیزار است، آزادی اعتصاب حق مسلم ماست، ما کارگران نژاد پرستی را محکوم میکنیم، در مقابله با تجمع دولتی در مقابل مجلس تجمع مستقل خود را برپا داشتند. نمونه دیگر حرکات اعتراضی برجسته سال ۸۰ راهپیمایی همزمان کارگران چندین کارخانه نساجی در شهر اصفهان در مهرماه بود که با پیوستن مردم به صف کارگران در کل شهر و منطقه انعکاس وسیعی پیدا کرد. همچنین تجمع اعتراضی کارگران کفش شادانپور و جامکو در مقابل مجلس اسلامی که در روزنامه‌های دولتی از آن بعنوان بحران کارگری صحبت شد و بالاخره نمونه قابل توجه دیگر اعتراضات کارگری در سال ۸۰ راهپیمایی با شکوه کارگران لوله‌سازی اهواز در ۳ بهمن ماه بود. در سال ۸۰ کارگران در مبارزاتشان اشکال برجسته و قابل توجهی از اتحاد و همبستگی کارگری را به نمایش گذاشتند. بدنبال تلاش کارگران سندیکای خبازان در سقز و تلاشهای کارگران در دیگر شهرهای ایران برای آزادی محمود صالحی دبیر سندیکای خبازان سقز از زندان و بدنبال کمپین وسیع حزب کمونیست کارگری ایران در جلب حمایت و پشتیبانی اتحادیه‌های کارگری در کشورهای مختلف اروپایی برای آزاد شدن وی، محمود صالحی در ۱۹ فروردین ماه از زندان آزاد شد. آزاد شدن محمود صالحی از زندان نمونه برجسته و موفقی از همبستگی و اتحاد کارگری در سال ۸۰ بود. نمونه برجسته دیگری از همبستگی کارگری و پیشبرد مبارزاتی

فراکارخانه ای تجمع اعتراضی همزمان کارگران چیت ری و جامکو در مقابل مجلس بود تا جایی که تکرار این اقدام از سوی کارگران کفش شادانپور و جامکو در تیرماه در همین محل انعکاس وسیعی در سطح جامعه پیدا کرد. در این سال مجلس به محل برگزاری تجمعات اعتراضی کارگران و به محلی برای جلب حمایت کارگران دیگر و مردم از مبارزاتشان تبدیل شده بود.

در موارد زیادی از اعتراضات کارگری در سال ۸۰ ما شاهد حمایت خانواده های کارگری و حمایت مردم از مبارزات کارگران بودیم. این یک ویژگی برجسته این اعتراضات نسبت به سالهای گذشته بود. از جمله در تجمع اعتراضی کارگران چیت ری و کارگران کفش شادانپور در مقابل مجلس و در راهپیمایی اعتراضی کارگران نساجی اصفهان و بالاخره نمونه حرکت اعتراضی کارگران کارخانه نساجی رحیم زاده در اصفهان خانواده های کارگران نیز شرکت داشتند.

در کل از آغاز سال ۷۷ تا کنون مساله عدم پرداخت دستمزد به کارگران در ابعادی وسیع و تعطیلی و بلاتکلیفی و اخراج کارگران همچنان از معضلات اساسی کارگران در ایران بوده است. هم اکنون نزدیک به یک میلیون کارگر ماههاست دستمزدی نگرفته و با تعطیل شدن بسیاری از کارخانجات هزاران کارگر در معرض بیکاری قرار گرفته اند. اعتراضات کارگران به نپرداختن دستمزدها هر روز بیشتر شده است.

میتوان گفت از سال ۷۹ تا کنون ما شاهد اعتراضات بیشتر کارگری و یک جنبش کارگری در حال متشکل شدن هستیم. شاهد تشکیل هر روزه مجامع عمومی کارگری بعنوان ظرف اعتراض کارگران در کارخانجات هستیم. شاهد سازماندهی اعتراضاتی طولانی مدت به مدت یک هفته و بیشتر بوده ایم. اعتراضاتی فراکارخانه ای که با کشیده شدن به خیابانها و تظاهرات در مواردی توانسته است حمایت مردم و خانواده های کارگری را بخود جلب کند.

بویژه در سال ۸۱ ما شاهد اعتراضات هزاران نفره کارگری و حرکات همزمان چندین کارخانه در یک شهر بوده ایم این اعتراضات نمونه های بارزی از قدرتگیری بیشتر اعتراضات کارگری و رشد سازمانیابی این مبارزات بوده است. از نمونه های برجسته ای از این حرکات اعتراضی عبارتند از تظاهرات و راهپیمایی با شکوه هزاران کارگران در خیابانهای اطراف تامین اجتماعی در تهران و تجمع در مقابل درب ورودی آن در ۲۵ تیرماه ۸۱ بود. در این حرکت

اعتراض کارگران اجازه ندادند که مزدوران خانه کارگر و شوراهاى اسلامى حرکت آنها را به دست مایه ای برای گرفتن امتیاز از جناح رقیب تبدیل کنند. علیرغم اینکه خانه کارگر کارگران را به آرامش دعوت میکرد کارگران شعارهای خود را میدادند. کارگران شعار میدادند اعتصاب اعتصاب حق مسلم ما، اتحاد اتحاد کارگران اتحاد. کارگران از تهران و شهرهای دیگر در آنجا گرد آمده بود. بحث بر سر تغییر در قانون کار جمهوری اسلامی بود و کارگران علیه خانه کارگر شعار میدادند و میگفتند که قانون کار جمهوری اسلامی به هیچوجه مورد قبول آنها نیست. کارگران خواستههای خود، حق تشکل، حق اعتصاب و افزایش دستمزدهایشان را میخواستند. این حرکت کارگران با تهاجم نیروهای سرکوبگر رژیم مواجه شد. کارگران به مقابله با این حملات پرداختند و منجر به درگیری متقابل شد. در این حرکت تعدادی از کارگران دستگیر شدند. حمایت مردم در محل از حرکت اعتراضی کارگران چشمگیر بود.



نمونه دیگر اجتماع اعتراضی همزمان چهار کارخانه در کرمانشاه در بیستم مهرماه ۸۱ بود. در این روز کارگران کارخانجات نساجی غرب، نازگل، فرش بیستون و کارخانه کشمیر در شهر کرمانشاه در مقابل اداره کار این شهر جمع شدند. در این اجتماع اعتراضی علاوه بر کارگران ۴ کارخانه فوق، کارگران بیکار که در جستجوی کار در محل جمع شده بودند به صف کارگران معترض پیوستند. صف اعتراض کارگران هر لحظه گسترده تر میشد. این تجمع هزاران نفره بدنبال اعتراضات دیگری که توسط کارگران و دانشجویان و دستفروشان در روزهای قبل صورت گرفته بود فضای اعتراضی بسیار بالایی را در کرمانشاه دامن زد.

در این اجتماع اعتراضی کارگران از ساعت هشت و نیم صبح در مقابل اداره کار جمع شده و خواستار جوابگویی مسئولین امر شدند.

در مقابل فشار صف بهم پیوسته کارگران مسئولین اداره کار مجبور شدند بیرون بیایند و تلاش کنند کارگران را آرام کنند. اما با اعتراض شدیدتر کارگران روبرو شدند. سرانجام مسئولین اداره کار از کارگران معترض خواستند تا از میان خود نمایندگانی تعیین کرده و به آنان معرفی کنند.

این تجمع اعتراضی تا ساعت یازده و نیم صبح ادامه یافت و سرانجام کارگران تصمیم گرفتند با انتخاب نمایندگانی از میان خودشان اعتراضاتشان را ادامه دهند. کارگران این کارخانجات در همانجا اعلام داشتند که درد و مشکلاتشان مشترک است. همه آنها با مشکل عدم پرداخت دستمزدها، اخراج، تعطیل شدن کارخانه هایشان و شرایط سخت کار و دستمزد کم روبرویند و باید متحدانه تر مبارزه خود را پیش ببرند و تا وقتی که به خواستههایشان پاسخی داده نشود، به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. نمونه دیگر از اعتراضات فراکارخانه ای در سال ۸۱ تجمع اعتراضی ۷۰۰ کارگر از شرکتهای مختلف وابسته به بنیاد مستضعفان در روز ۱۶ آذر ماه در مقابل ساختمان اداره کار بود. کارگران در این روز با مناسب دیدن فرصت برای بروز اعتراضشان و علیرغم اینکه وزارت کشور قبلا با تجمع اعتراضی کارگران در مقابل تامین اجتماعی مخالفت کرده بود، در مقابل ساختمان اداره کار در تهران دست به تجمعی اعتراضی زدند. جمع شدن ۷۰۰ کارگر از کارخانه های مختلف نمونه قابل توجهی از پختگی و توان بالای سازماندهی این حرکت اعتراضی از سوی رهبران اعتراضات جاری کارگران را به نمایش گذاشت. در این حرکت اعتراضی مردم در محل به حمایت از کارگران پرداخته و به تجمع اعتراضی آنان پیوستند. از همان آغاز نیروهای انتظامی در محل مستقر شدند و با مشاهده حمایت مردم از کارگران به صف آنان حمله ور شدند. اما در مقابل حمله نیروهای انتظامی کارگران به دفاع از خود برخاسته و با آنان درگیر شدند. کارگران به شکستن شیشه های محل پرداخته و خواهان پاسخگویی مسئولین امر به خواستهها و مطالباتشان گردیدند. در میان حرکات اعتراضی کارگران در سال ۸۱ حرکت اعتراضی کارگران نخ تاب تبریز نیز به لحاظ روحیه بالای اعتراضی کارگران قابل توجه بود. کارگران نخ تاب تبریز از اول بهمن ماه بصورت حضور بر سرکار و خودداری از کارکردن دست به اعتراض زدند. در این اعتراضات کارگران خواهان پرداخت فوری و کامل دستمزدهای پرداخت نشده خود بودند. با ادامه اعتصاب صبح

روز شنبه ۱۹ بهمن ماه وقتی کارگران میخواستند به محوطه کارخانه وارد شوند، از ورود بسیاری از آنان جلوگیری شد. به کارگران اعلام کردند که ۶۰۰ نفر از آنان اخراج شده اند و اجازه ورود به کارخانه را ندارند. مسئولین کارخانه جلوی کارگرانی را که در لیست بودند میگرفتند و از وارد شدن آنها جلوگیری میکردند. این اقدام با اعتراض شدید کارگران مواجه شد. تمامی کارگران چه آنها که اسمشان در لیست بود و چه بقیه به اقدام مسئولین کارخانه اعتراض کرده و یکپارچه تلاش کردند وارد کارخانه شوند. کار به درگیری کشید. نیروهای انتظامی توسط مدیریت کارخانه فراخوانده شدند و آنها نیز بلافاصله وارد شده و به کارگران حمله کردند. سرکوبگران مسلح جمهوری اسلامی با باتوم و چوب به کارگران حمله میکردند و کارگران مقاومت مینمودند. در مدت درگیری و ساعاتی بعد از آن نیروهای رژیم مسیرهای منتهی به کارخانه را بسته بودند تا مانع حضور مردم بیشتری در دفاع از کارگران شوند. مامورین انتظامی سرانجام با تیراندازی هوایی و دستگیری بیش از ده نفر از کارگران در بیرون کارخانه و دستگیری شماری دیگر در درون کارخانه، موفق شدند کارگران را متفرق کنند. کارگران بدنبال این تهاجم وحشیانه، به اعتراضات خود ادامه دادند. مجدداً صبح روز ۲۱ بهمن ماه کارگران با قرار قبلی در برابر اداره کار استان تجمع کرده و به اخراج ها و عدم پرداخت دستمزدهایشان اعتراض کردند. در این روز اطلاعیه هایی از حزب کمونیست کارگری در دفاع از کارگران و حمایت از آنان در منطقه پخش شد و مورد استقبال کارگران قرار گرفت. حرکت همزمان ۴ کارخانه در کاشان نمونه دیگری از سازماندهی اعتراضات فراکارخانه ای در سال ۸۱ بود. روز دوشنبه ۲۱ بهمن ماه کارگران کارخانه های ریسندگی و بافندگی شماره یک و شماره دو، به همراه کارگران کارخانه حریر و مخمل کاشان برای گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده خویش دست به تظاهرات زدند. کارگران بر علیه حکومت و کارفرمایان شعار میدادند و دستمزدهای خویش را طلب میکردند. در این تظاهرات بیش از هزار نفر از کارگران شرکت داشتند. کارگران همچنین بشدت نسبت به اخراج ۳۰۰ نفر از همکاران خویش اعتراض داشتند و خواهان لغو فوری اخراجها بودند. ساعت دو بعداز ظهر کارگران این چهارکارخانه به همراه بسیاری از خانواده های کارگری بتدریج در برابر فرمانداری کاشان جمع شدند. کارگران از جمله شعار میدادند "ما گوشت بز نمیخوایم دولت دزد نمیخوایم" و عده ای دیگر میگفتند "کارفرمای دزد نمیخوایم" "ما دستمزدمان را نمیخوایم". با ادامه تظاهرات نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی در تعدادی زیاد در برابر فرمانداری حاضر شدند و تلاش نمودند با تهدید و حمله به کارگران آنها را

متفرق نمایند. اما کارگران به شعار دادن ادامه دادند و شروع به راهپیمایی کردند. صف تظاهرات از فرمانداری به طرف خیابان ۲۲ بهمن حرکت کرد و از آنجا به خیابان ۱۵ خرداد به حرکت افتاد. طنین شعارها که هر آن قوی تر میشد فضای شهر را آکنده کرده بود. راهپیمایان به چهارراه ملت رسیدند. پلیس و نیروهای انتظامی در اینجا کارگران را به محاصره خویش در آوردند. حمله سرکوبگران به کارگران شدت یافت. کارگران به سختی مقاومت میکردند و مانع دستگیری همکاران خود میشدند. بسیاری از مردم به صف تظاهرات پیوسته بودند و با سرکوبگران مقابله میکردند. درگیریها حدود دو ساعت ادامه یافت. شماری از کارگران دستگیر شدند. تعداد تظاهرات کنندگان که به حدود ۱۲۰۰ نفر میرسیدند، مورد حمله نیروهای انتظامی قرار گرفتند و با باتوم و مشت و لگد به تظاهر کنندگان حمله شد. کارگران همچنان مقابله میکردند. مردم به شیوه های مختلف با کارگران ابراز همبستگی میکردند. تعداد زیادی از تظاهرات کنندگان دستگیر شدند. تظاهرات کنندگان در خیابانها آتش روشن کردند و با شعار دادن و اعتراض به دستگیری کارگران بر شدت اعتراض خود افزودند. این تظاهرات تا ساعت ۶ بعد از ظهر ادامه داشت. همه جا سخن از تظاهرات و مبارزه کارگران بود. شهر تماما تحت تاثیر این حرکت کارگران بود.

در مجموع میتوان گفت در سالهای اخیر مبارزات کارگری به اشکال تعرضی تری روی آورده و ما شاهد روحیه بالاتری در مقابله با تهاجم نیروهای انتظامی با مبارزات کارگران بوده ایم. و خواست حق تشکل و حق اعتصاب به مساله ای مطرح در میان کارگران تبدیل شده است. اعتراضات کارگری امروز اگر چه کماکان و بطور عمده در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و علیه بیکاری و خواست بازگشت به کار است اما حرکات همزمان چند کارخانه و فراکارخانه ای و پیوستن مردم به صف اعتراض کارگران ما را با حرکات اعتراضی بزرگتری روبرو کرده است. مجموعه این مشاهدات بویژه مبارزات کارگران در چند ساله اخیر بیانگر افزایش توان رهبران کارگری در سازماندهی حرکات اعتراضی کارگری است که جنبش کارگری ایران در متشکل کردن خود به جلو برداشته است.

فصل پنجم

موقعیت کنونی جنبش کارگری



ISNA

Photo:Hooshang Rafiei

فصل پنجم

موقعیت کنونی جنبش کارگری

-سازمانیابی توده ای کارگری

مبارزات کارگری در فقدان وجود يك تشکل سراسری و توده ای کارگری روشن است که در پراکندگی بسر میبرد. اما طبقه کارگر در ایران در طول مبارزات چند ساله اخیر به لحاظ سازمانیابی اعتراضاتش گامهای موفق و بزرگی به جلو برداشته است. طبقه کارگر در مبارزات هر روز خود و به تجربه آموخته است که اجتماعات اعتراضی برپا کند، در این اجتماعات خواستههایش را بصورت قطعنامه فرموله و عرضه کند، نمایندگان خود را انتخاب کند، پای میز مذاکره بنشیند، از نمایندگان خود بخواهد که گزارش بدهند، و غیره. همچنین با بیرون کشیده شدن اعتراضات از سطح کارخانه ها، شبکه ای از روابط بین کارخانجات مختلف شکل گرفته و ما شاهد نمونه های برجسته ای از مبارزات فراکارخانه ای و سازماندهی مبارزه در ابعادی سراسری تر، اعتصابات طولانی چند روزه، يك هفته، يك ماهه و حتی طولانی تر روبرو بوده ایم. در بسیاری از مواقع اعتراضات کارگران از سطح مبارزه در کارخانه فراتر رفته و به تظاهرات و راهپیمایی در خیابان، بستن جاده ها و به جلب حمایت مردم و خانواده های کارگری تبدیل شده است. حتی کارگران آموخته اند که صدای اعتراضشان را در سطحی بین المللی منعکس کنند. اینها گامهایی مهم است. در فضای سرکوب و اختناق برای هر تحولی حتی بسیار کوچکتر از اینها باید ارتباطاتی بسیار محکم داشت. این به معنای وجود حدی قابل توجه از تشکل است. اینها همه گامهایی به جلو است که هر روز بیشتر جنبش کارگری در ایران را به سنت جنبش مجامع عمومی منظم کارگری و تشکل یابی شورایی نزدیک میکند. اینها همه حاکی از وجود کارگران مبارز و کمونیستی است که در دل این مبارزات به جلو آمده اند و تجربه آموخته اند. اینها همه حاکی از درجه بالایی از پختگی و قدرت سازماندهی رهبران کارگری در راس اعتراضات کارگری جاریست. اینها نقطه قوت های ما برای دامن زدن به يك جنبش وسیع مجامع عمومی منظم کارگری و تشکیل شوراهای منطقه ای کارگری است. وقتی ما شاهد حرکت همزمان ۴ کارخانه در شهر

کرمانشاه در مکانی معین هستیم این خود گویای شبکه ای از روابط بهم بافته کارگری است. و یا وقتی ما شاهد اجتماع همزمان کارگران کفش شادانپور و جامکو در مقابل مجلس هستیم و نیروی انتظامی رژیم از پیوستن کارگران چندین کارخانه دیگر به این تجمع جلوگیری میکند، این بدون تشکل ممکن نیست.

اینها داده های کنونی جنبش کارگری در ایران است باید به این داده ها اتکاء کرد. بدون اتکاء به این داده ها و بدون تبیینی ابژکتیو از اوضاع سیاسی ایران وتوازن قوای موجود و بهره گیری از این شرایط نمیتوان به امر سازماندهی و تشکل یابی توده ای کارگران پاسخ داد.

-نسل جوان کارگری در ایران، خصوصیات و ویژگی های آن
طبقه کارگر در ایران طی دو دهه اخیر به لحاظ مشخصات و بافت اجتماعی اش تغییرات بسیاری کرده است. این تغییرات متأثر از تحولات سیاسی و اجتماعی است که طی این دو دهه در ایران و نیز در سطح جهانی روی داده است.

نسل جوان کارگران در ایران یعنی نسلی که در طول این دو دهه و در طول حیات رژیم جمهوری اسلامی وارد بازار کار شده بخش وسیعی از طبقه کارگر در ایران را در بر میگیرد. این نسل دارای خصوصیات و ویژگی های است که به دلیل کثرت بر بافت اجتماعی طبقه کارگر در ایران تاثیر گذاشته است. بر همین اساس مطالعه و بررسی این ویژگی ها برای کسی که بخواهد تبیین همه جانبه تری از مشخصات طبقه کارگر در ایران و شرایط اجتماعی و سیاسی مبارزه این طبقه بدست آورد اهمیت زیادی دارد.

طبق آمارهای دولتی هر ساله بطور متوسط نزدیک به یک میلیون جوان آماده بکار وارد بازار کار در ایران میشود و با محاسبه ای تخمینی روشن میشود که طی دهسال اخیر نیروی جوان وسیعی وارد بازار کار شده است. وقتی میگوییم کارگر جوان طبقاً مد نظر کارگری است که طی دو دهه اخیر و در حیات رژیم جمهوری اسلامی متولد شده، رشد کرده و وارد بازار کار شده است. کارگری که حداکثر ۳۰ سال دارد و در هنگام انقلاب ۵۷ کودکی ۱۰ ساله بوده که امروز تنها خاطرات مبهمی از آن روزها در ذهنش باقی مانده است.

بخش عمده این نیروی دیگر کارگری نیست که از روستاها کنده شده و به شهرها و به کارخانه ها روانه شده باشد بلکه کارگر شهریست و بسیاری از آنها حتی به لحاظ اجتماعی به طبقات متوسط جامعه تعلق داشته اند. بنابراین سطح توقع این کارگران به نسبت سطح توقع کارگر در گذشته بالاترست و بویژه طی این دو دهه اخیر بدلیل ارتباط تنگاتنگ بین خارج و داخل کشور

و رفت و آمد وسیع به خارج کشور اخبار مبارزات کارگران در کشورهای دیگر جهان و دستاوردهایشان در میان کارگران در ایران انعکاس پیدا کرده است و این امر بر رشد آگاهی کارگران و بالا بردن سطح توقعات آنها موثر بوده است.

از سوی دیگر امروز حداقل شرط استخدام در ایران داشتن دیپلم متوسطه است و بدلیل وجود بیکاری وسیع بسیاری از جوانان با داشتن حتی مدرک تحصیلی بالاتر ناچار میشوند که در کارخانه ها کار بگیرند. بنابراین اولین خصوصیت این نسل نسبت به دو دهه گذشته اینست که باسواد است. بعلاوه با بالا رفتن سطح تکنیک در بسیاری از کارخانجات و بکارگیری بیشتر ماشین های کامپیوتری بخش وسیعی از این کارگران در دوره های ویژه تخصصی شرکت کرده و به کارگرانی ماهر و متخصص تبدیل شده اند. بنابراین امروز لایه وسیعتری از طبقه کارگر دارای تخصص کاری بوده و کارگر ماهر و متخصص بشمار میبرود.

با توجه به این خصوصیات در میان این نسل از کارگران گرایشات مذهبی کم رنگ تر است. مناسبات درون خانواده و تفریحات و علایق آنها نسبت به نسل دو دهه گذشته متفاوت است. این کارگران علاقه مند به مطالعه و خواهان دنبال کردن اخبار و مسایل روز هستند. تلاش میکنند که فرزندان شان را به بهترین مدارس بفرستند و با هر مشقتی شده میکوشند که نیازهای آنها را تامین کنند و به استانداردهای بالاتر و مدرن تری پایبند هستند. بطور مثال آرزو دارند که بچه شان را به کلاس زبان انگلیسی بفرستند. به کلاس موزیک بفرستند. و غیره و غیره.

از سوی دیگر طی دو دهه اخیر طبقه کارگر درگیر یک کشمکش دائمی و مبارزه برای مطالبه اولیه ترین حقوق خود و مقاومت در برابر تهاجم هر روزه رژیم جمهوری اسلامی بوده است. نسل جوان کارگری در دل این کشمکش ها بار آمده و تجربه آموخته است. طبعاً این نسل نسبت به نسل دو دهه گذشته از ظرفیت های بالقوه بالاتری برای امر سازماندهی و رهبری اعتراضات کارگری برخوردار است و نیاز به تشکل به امر همین امروز آنها تبدیل شده است.

یک فاکتور اساسی و مهم دیگر رشد و گسترش گرایش رادیکال و سوسیالیستی در درون طبقه کارگر بعد از انقلاب ۵۷ است. فعالیت چپ در جامعه و در راس شوراهای کارگری و در دل جنبش کارگری در دوران قیام و بدنبال آن نفوذ ایده های چپ در درون طبقه کارگر طیفی از کارگران رادیکال سوسیالیست را شکل داد که با مشخصه هایی چون جنبش شورایی و مجامع عمومی کارگری، تحریم شوراهای اسلامی و خواستهای رادیکال و ماکسیمالیستی میتوان آن

را دید و مشاهده کرد. نسل جوان کارگری از این تحولات تاثیر گرفته و در دل این تحولات رشد کرده است.

و بالاخره اینکه شرایط جامعه امروز به لحاظ سیاسی بسیار متحول است. جو اعتراضی در جامعه بالاست. علی‌رغم فشار اقتصادی بیسابقه کنونی اعتراضات کارگری همواره در جریان است و هر روز دامنه آن وسیعتر میشود و در متن شرایط سیاسی موجود این مبارزات به لحاظ سیاسی جایگاه مهمی دارد. تحت مجموعه این شرایط طبقه کارگر و نیز نسل جوان آن در مقایسه با دو دهه گذشته سیاسی تر، رزمنده تر و به منافع طبقاتی خود آگاه تر است. اینها همه نقطه قوت های ما در جنبش کارگریست. باید بر این نقطه قوت ها اتکاء کرد.

-تصویری عمومی از جنبش کارگری در شرایط کنونی

مرور مختصری بر مبارزات کارگری در دو دهه اخیر که من در بالا تلاش کردم برای تسهیل کار آنرا به چهار دوره تقسیم کرده و ویژگی های هر دوره را جداگانه برشمرم، میتواند به ما کمک کند تا بتوانیم از وضعیت کنونی جنبش کارگری به لحاظ سیاسی، به لحاظ سازمانیابی و نقش و خصوصیات ویژه نسل جوان کارگری در شرایط امروز تصویر روشنتری داشته باشیم. داشتن این تصویر طبعاً خواهد توانست ما را به پاسخ های روشنتری در زمینه اشکال سازمانیابی توده ای کارگری و موقعیت کنکرت امروز جنبش کارگری در ایران برساند.

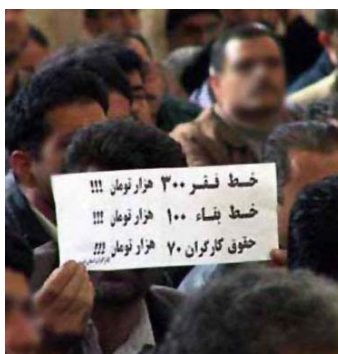
-یک جمع بندی کوتاه

علیرغم تهاجم وسیع رژیم به زندگی و معیشت کارگران، به تعویق افتادن دستمزد نزدیک به یک میلیون کارگر برای ماهها و حتی بیش از یکسال، و خطر دائمی اخراج و بیکارسازی ها، ما شاهد هر روزه اعتراضات کارگری در میان کارگرانی بوده ایم که با مساله دستمزدهای معوقه و اخراج دست بگیربان بوده اند و این مبارزات یک عرصه دائمی اعتراض و مبارزه در جامعه بوده است. این اعتراضات در متن اوضاع سیاسی جامعه هر روز بیشتر به خیابانها کشیده شده و در اشکال راهپیمایی و تظاهرات صورت میگیرد.

اما با وجود این مبارزات کارگری واقعیتهایی را بلافاصله نشان میدهد از جمله اینکه:

- ۱- جنبش کارگری در ایران علی‌رغم هر روزه بودن آن و تعرضی تر شدن اشکالی که بخود میگیرد، همچنان از نظر اهداف و خواستها در موقعیتی دفاعی بسر میبرد.
- ۲- مبارزات کارگری در ایران وسیع و گسترده اما پراکنده است. طبقه کارگر از فقدان تشکل توده ای و سراسری رنج میبرد.

۳- دخالت کارگران در اوضاع سیاسی ملت‌ه‌ب امروز ایران بعنوان يك طبقه محدود است.
 ۴- هنوز طبقه کارگر بعنوان يك طبقه به میدان مبارزه پا نگذاشته است و هنوز آن بخش از کارگرانی که از موقعیت کلیدی در تولید برخوردارند، کارگران نفت، کارگران برق و توانیر، کارگران ذوب آهن و ماشین‌سازیه‌ا و غیره فعالانه پا به میدان نگذاشته اند.
 اما در شرایط پر جنب و جوش و متحول جامعه ایران این واقعیت‌ها نیز تغییر میکنند. بویژه اینکه بار آمدن نسلی از رهبران کارگری طی دو دهه مبارزه علیه جمهوری اسلامی و در راس جنبش اعتراضی کارگری که رادیکال و ماکسیمالیسم است و خود را چپ و کمونیست میدانند و وجود حزب کمونیست کارگری ایران، حزبی که با افق و برنامه روشن خود و با فرموله کردن خواسته‌های کارگران، دفاع بین‌المللی از خواسته‌ها و مبارزات آنان و انعکاس مبارزات کارگری در سطحی بین‌المللی در واقع بخش متعین و سازمانیافته طبقه کارگر را تشکیل میدهد، حزبی که از نظر سیاسی مطرح و شناخته شده است و بی‌کم و کاست از قدرت‌گیری کارگری دفاع میکند و کسب قدرت سیاسی را امر فوری خود میدانند امروز طبقه کارگر را در موقعیت بسیار متفاوت تری نسبت به دوره انقلاب ۵۷ قرار میدهد. وجود این فاکتور اساسی است که میتواند مهر خود را بر تحولات اجتماعی در ایران بکوبد و سیر آتی جنبش کارگری در ایران را رقم زند .
 فوریه ۲۰۰۲



ضمیمه:

- ۱- مبارزات کارگری در سال ۸۲
- ۲- کارگران در سال ۸۳



ISNA

ISNA/PHOTO:MEHDI GHASEMI

مبارزات کارگری در سال ۸۲

در ۸۲ ما شاهد حرکات و مبارزاتی بودیم که به نوبه خود در اوضاع سیاسی و بر مبارزات کارگری در ایران نقش داشتند. ما شاهد نمونه هایی چون سه ماه اعتصاب و مبارزه در مجتمع های پتروشیمی اراک، آبادان، خارك و اصفهان بودیم که هنوز نیز ادامه دارد. اعتراضاتی که انعکاس وسیعی در میان کارگران نفت و در میان دیگر بخش های کارگری و در سطح جامعه داشت. اعتراضاتی که موقعیت طبقه کارگر در اوضاع سیاسی امروز ایران را تغییر داد و حمایت دانشجویان در اعتراضات روز ۱۶ آذر و بلند کردن پلاکارد حمایت از کارگران پتروشیمی و اعتصابات کارگری بیانگر انتظار جامعه از وارد شدن طبقه در عرصه سیاسی مبارزه بود.



در رابطه با مبارزات کارگران پتروشیمی و جلب پشتیبانی بین المللی سازمانهای کارگری و نهادهای آزادیخواه از این مبارزات، حزب کمونیست کارگری ایران کمپینی اعلام کرد که

بسیاری از اتحادیه های کارگری و سازمانهای چپ و رادیکال پشتیبانی خود را از مبارزات کارگران پتروشیمی و کمپین بین المللی حزب اعلام کردند.

در سال ۸۲ ما شاهد دو ماه اعتراض و مبارزه کارگران چیت بهشهر بودیم که توانست حمایت و پشتیبانی کل مردم این شهر را بدنبال خود بکشاند و به "بحران بهشهر" برای رژیم تبدیل شود. آنچه در بهشهر اتفاق افتاد بیش از هر چیز نشان دهنده اوضاع سیاسی امروز ایران است. شرایطی که هر حرکت اعتراضی با پشتیبانی وسیع مردم روبرو میشود و پتانسیل این را دارد که به حرکتی اعتراضی در سطح یک شهر و یک محل تبدیل شود. در رابطه با این حرکت اعتراضی و پشتیبانی از مبارزات کارگران چیت بهشهر و کارگران در ایران برای دستمزدهای پرداخت نشده خود نیز حزب کمونیست کارگری ایران کمپینی بین المللی اعلام کرد که با پشتیبانی بسیاری از اتحادیه های کارگری و سازمانهای آزادیخواه در کشورهای مختلف جهانی روبرو شد. در همین رابطه یک صندوق همبستگی کارگری تشکیل شد که پولی که جمع شده بود به طریقی مطمئن بدست تعدادی از خانواده های کارگران چیت بهشهر رسانده شد. این صندوق در ادامه کار خود به صندوق حمایت از کارگران اعتصابی در ایران تبدیل شد که هنوز نیز به کار خود ادامه میدهد.



کارگران بهشهر

یک حرکت نمونه دیگر کارگران در سال ۸۲ برپایی مراسم مستقل اول ماه مه با گرد آمدن کارخانجات مختلف در ابعادی وسیعتر و چشمگیرتر نسبت به سالهای گذشته بود. همچنین در این سال ما شاهد شروع جنب و جوش جدیدی در محیط های متمرکز کارگری از جمله در

کارخانجات ماشین سازی و در میان کارگران نفت بودیم که همه و همه به نوعی بیان کننده جهت گیری جدیدی در جنبش کارگری بود. همچنین يك اتفاق ناگوار و تکان دهنده در سال ۸۲ درگذشت دو کارگر پیمان خسروزاده رضی لو و امید اولادی، دو کارگر جوان ۲۵ و ۲۲ ساله در کارخانه ایران خود در اثر فشار کار و در حین انجام کار بود. مرگ این دو کارگر خصلت نمای شرایط برده وار کار در ایران و در محیط های کارگری است که جنب و جوش زیادی در میان کارگران بوجود آورد. این نمونه ها و دیدن شاخص های مهم مبارزات کارگری در سال ۸۲ و تمایز این دوره با سالهای گذشته به ما کمک میکند تا ارزیابی واقعی تری از وضعیت امروز جنبش کارگری پیدا کنیم و حلقه های کلیدی در پیشروی این جنبش را بهتر بشناسیم. خطوط اصلی شاخص های این دوره را مرور میکنیم:

در سال ۸۲ مبارزه علیه دستمزدهای معوقه و بیکارسازیها همچنان در راس مسائلی قرار داشت که اعتراضات کارگری حول آن صورت گرفت. بویژه بیکارسازیها در این سال ابعاد گسترده تری پیدا کرد و باکشیده شدن دامنه خصوصی سازیها به صنعت نفت و بخش های وابسته آن این اعتراضات اشکال تعرضی تر و سیاسی تری بخود گرفت. مهمترین حرکات اعتراضی در رابطه با بیکارسازیها مبارزه کارگران مجتمع پتروشیمی های اراک، اصفهان، خارك و آبادان بود. کشیده شدن دامنه اعتراضات به این مجتمع ها و انعکاس آن در میان کارگران نفت این اعتراضات را به یکی از موضوعات مهم روز تبدیل کرد. در این اعتراضات خواست متوقف شدن بیکارسازیها و اخراجها، استخدام رسمی کارگران، پرداخت فوری دستمزدهای معوقه همگی از جمله خواستهای فوری کارگران بود. بعلاوه خواست افزایش دستمزدها، بهبود شرایط کاری، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از جمله موضوعات دیگری است که در سال ۸۲ اعتراضات کارگری حول آن انجام گرفت.

يك برجستگی مهم اعتراضات کارگری در سال ۸۲ وجود روحیه بالای اعتراضی در میان کارگران و بعضا دست زدن به اشکال تعرضی تری از مبارزه است. در حرکات اعتراضی این دوره میبینیم که کارگران اولتیماتوم میدهند، تهدید میکنند که اگر پاسخشان داده نشود دوباره به خیابانها خواهند آمد، تهدید به تظاهرات و راهپیمایی میکنند، تهدید میکنند که اگر پاسخ نگیرند با خانواده هایشان برخورد کنند و غیره. اینها همه حاکی از فضای اعتراضی بالا در سطح جامعه است که بر فضای اعتراضی در میان کارگران تاثیر گذاشته است. کارگران در

بسیاری جاها زیر بار بازخرید اجباری نمیروند، کارگران اخراجی خواهان بازگشت به کار خود هستند، کارگران در مذاکرات با دولت و کارفرمایان براحتی زیر بار قول و وعده آنان نمیروند و خواهان تمامی طلبهای خود هستند. در کل میتوان گفت مبارزات کارگری در سال ۸۲ عمدتاً در اشکال متنوعی چون اعتصاب، برپایی تجمعات اعتراضی، برپایی پیکت و تجمع در مقابل مراکز دولتی، بستن جاده، تحصن و تظاهرات و راهپیمایی انجام گرفته است. در اواخر سال ۸۲ بیش از هر وقت این اعتراضات در اشکال تظاهرات و راهپیمایی به بیرون از کارخانجات کشیده شده است.

یک مشخصه مهم مبارزات کارگری در سال ۸۲ درجه بالای سازمانیافتگی آن بوده است. نگاهی به این مبارزات نشاندهنده پیشروی جنبش کارگری در زمینه سازمانیابی مبارزات کارگری است. هر سه شنبه مجمع عمومی در مجتمع پتروشیمی اراک برجسته ترین نمونه پیشروی کارگران در زمینه سازماندهی و تشکل یابی بود. کارگران پتروشیمی در اعتراضات آذر ماه خود تصمیم گرفتند هر هفته سه روز در سالن غذاخوری کارخانه تجمع کنند و روز سه شنبه را مجمع عمومی برپا کرده و در آنجا بر روی ادامه اعتراضاتشان تصمیم گیری کنند. این یعنی تلاش کارگران پتروشیمی اراک برای تشکیل مجمع عمومی منظم کارگری و تحمیل آن به دولت و کارفرمایان. این حرکت نه تنها برای کارگران پتروشیمی اراک بلکه برای کل کارگران در ایران گامی به پیش در عرصه سازمانیابی بود و راه متشکل شدن و تحمیل آن به دولت را در مقابل کارگران قرار داد.



تحصن کارگران شرکت سهامی ملی گاز در مقابل وزارت کار- ۲۷ مرداد

در سال ۸۲ برپایی اعتراضات طولانی مدت یک هفته و چند ماهه کارگری، سه ماه اعتصاب و مبارزه در پتروشیمی های اراک، آبادان، اصفهان، خارك و اعزام نمایندگان از سوی خود به مجلس برای پیگیری خواسته‌هایشان و اولتیماتوم آنها به حرکتی اعتراضی یکپارچه و نیز دو ماه حرکت و اعتراض در کارخانه چیت بهشهر که تمام شهر را فراگرفت همه و همه نشاندهنده یک سازماندهی قوی در پشت این حرکات و اعتراضات است. در سال گذشته همچنین ما شاهد موارد متعددی از حرکات متحد و همزمان چندین کارخانه در شهر های مختلف ایران بودیم. از نمونه های برجسته آن، حرکات اعتراضی کارگران نساجی در اصفهان، برپایی مراسم مستقل اول ماه مه با گرد آمدن کارگران از کارخانجات مختلف در نقاط مختلف، حمایت کارگران کارخانجات دیگر در بهشهر به صف تظاهرات کارگران چیت بهشهر، همه و همه قبل از هر چیز بیانگر درجه رشد و سازمانیافتگی مبارزات کارگری و نقش برجسته رهبران کارگران و کارگران کمونیست در راس این حرکات است.

-یک مشخصه مهم سال ۸۲ مشاهده حمایت مردم از مبارزات کارگران و از هر حرکت اعتراضی است. از همین رو حرکات و اعتراضات کارگری ای که به بیرون از کارخانه ها کشیده میشود، فوراً به حرکاتی بزرگ و وسیع تبدیل میشوند. حرکاتی که بعضاً به اعتراض در سطح یک شهر تبدیل میشد، نظیر حرکت اعتراضی کارگران لوله سازی اهواز، کارگران نساجی در اصفهان و مبارزه کارگران چیت بهشهر.

-برگزاری اول مه در ایران بیش از هرچیز نمایانگر رشد رادیکالیسم و گرایش چپ و سوسیالیستی در جنبش کارگری است. در اول ماه مه ۸۲ ما شاهد شکست مفتضحانه خانه کارگر و مراسم دولتی بودیم. این مراسم که یک روز قبل از ۱۱ اردیبهشت برگزار شد با بایکوت کامل کارگران روبرو شد. از سوی دیگر امسال ما بیش از هر سال شاهد برپایی مراسم های مستقل اول ماه مه در جمع ها و گروههای مختلف کارگری از کارخانجات مختلف بودیم. از نمونه های برجسته آن میتوان مراسمهای اول ماه مه در سنندج، برگزاری اول ماه مه توسط کارگران کارخانجات جاده کرج و از سوی کارگران جاده آبعلی و مراسم کارگران در سالن ورزشی صادقیه را نام برد. در این مراسم کارگران روز اول ماه مه را بعنوان روز همبستگی جهانی کارگران گرامیداشتند، و علیه سرمایه داری و استثمار و از تاریخچه این روز سخن گفتند. اول ماه مه سال ۸۲ جلوه ای از آگاهی کارگران در ایران بود.

-یک ترس رژیم در حرکات کارگری در سال ۸۲، پیوستن مردم به این اعتراضات و تبدیل آن به

شورشهای شهری و محلی و به حرکتی بزرگ از نوع بهشهر بود. از اینرو اساسا رژیم هر کجا که با تجمع و اعتراضی روبرو میشد در وهله اول میکوشید جمعیت را متفرق کند و مانع پیوستن مردم به آن حرکت شود. در برخورد به اعتراضات کارگری در یکساله اخیر رژیم بیشتر از هر چیز به بکارگیری نیروی انتظامی و سرکوب و متفرق کردن تجمعات اعتراضی کارگری و دستگیری فعالین کارگری متوسل شده است. اما باتوجه به فضای بالای اعتراضی در میان کارگران و اساسا در سطح جامعه در عمده موارد کارگران با نیروی انتظامی رژیم درگیر شده و در بسیاری اوقات به درگیری گسترده و چند ساعته تبدیل شده است. نمونه های آنرا در حرکت روز ۴ تیرماه کارگران کشمیر کرمانشاه، مبارزه کارگران شرکت کشتی سازی "تاید واتر" در روزهای ۱۹، ۲۰ و ۲۱ خرداد ماه و نیز مبارزه کارگران چیت بهشهر میتوان دید.

یک روش دیگر رژیم در برخورد به اعتراضات کارگری ایجاد تفرقه در میان کارگران بوده است. از جمله استفاده از سلاح بازخريد اجباری و وادار کردن بخشی از کارگران به قبول آن و یا پرداخت بخش کوچکی از مطالبات کارگران و تلاش برای شکستن اتحاد کارگران و نظیر آن را میتوان نام برد. نمونه های این برخورد را در رابطه با مبارزه کارگران مجتمع های پتروشیمی و بخش های دیگر وابسته به صنعت نفت علیه بیکارسازیها، در مبارزه کارگران لوله سازی اهواز، کارگران چیت بهشهر و در بسیاری جاهای دیگر دیدیم. اگر چه رژیم در برخورد به اعتراضات کارگران در مراکز کلیدی و مراکز بزرگ کارگری محتاط تر عمل کرده است. کوشیده است از تحریک بیشتر و تشدید جو اعتراضی پرهیز کند و قبل از بالا گرفتن اعتراض پا پیش گذارد و با وارد شدن به مذاکره با نمایندگان کارگران موقتا فضا را آرام نگه دارد. کاری که در اعتراضات تیرماه کارگران نفت بر سر خواست افزایش دستمزدها شاهد آن بودیم و رژیم تلاش کرد با فراخواندن نمایندگان کارگران به مذاکره موقتا اوضاع را آرام نگه دارد. ضمن اینکه از سوی دیگر مقررات امنیتی در این بخش را بالا برد و برای جلوگیری از تماس در میان بخش های مختلف نفت حتی از انتشار نشریه داخلی نفت جلوگیری کرد. همچنین در نیمه دوم خرداد، هنگامیکه شاهد اوج گیری جنبش اعتراضی در کل جامعه بودیم و بویژه در مقطع ۱۸ تیر رژیم با ارسال بخشنامه ای داخلی بر افزایش نگهبانان داخلی کارخانجات تاکید کرد.

واقعیت اینست که مبارزه کارگران علیه جمهوری اسلامی و علیه سرمایه داران محدود به مبارزه آنان در محیط کار و تنها برای خواست دستمزدهای معوقه و بهبود کارشان نیست، بلکه کارگران همدوش دیگر مردم در اعتراضاتی که در سطح جامعه وجود دارد، شرکت دارند و یک

نیروی مهم این حرکات و اعتراضات بوده اند. بعنوان مثال در سال ۸۲ ما شاهد حرکات اعتراضی مردم در محلات کارگر نشینی چون اسلامشهر در تهران، و چندین محله در اهواز، در شیراز و در اصفهان و فولادشهر بودیم.

اما در شرایط امروز که جنبش سرنگونی در ایران پر قدرت تر از هر وقت به میدان آمده است و جامعه به سمت تحولی انقلابی به پیش می‌رود، بمیدان کارگران بعنوان طبقه کارگر بیش از هر زمان حیاتی است. امروز شرایطی است که بدلیل توازن قوای موجود در جامعه وضعیت مناسبتری برای ابراز وجود طبقه کارگر و دخالت آنان در سیاست فراهم شده است. امروز روزی است که کارگران میتوانند به امر تشکل خود و تشبیت مجامع عمومی کارگری رسمیت بخشند و متحد و متشکل در راس اعتراضات جاری در سطح جامعه قرار گیرند. امروز شرایطی است که طبقه کارگر برای رهائی خود و رهائی کل جامعه از نکتب رژیم اسلامی باید سریعاً متشکل شود و خود را برای اعتصابات سیاسی آماده کند. امروز روز به میدان آمدن کارگران است.





تجمع اعتراضی کارگران خاتون آباد تحصن کارگران مجتمع ذوب مس خاتون آباد و
حمله رژیم به صف کارگران و مردم - ۶ بهمن ماه

حمله رژیم به کارگران در خاتون آباد یک اتفاق سیاسی مهم

جمهوری اسلامی با حمله به صف اعتراض کارگران در خاتون آباد و شهر بابک کرمان جنایتی تازه آفرید. بار دیگر در خاتون آباد شاهد چهره توحش سرمایه داری بودیم که به روی کارگران و مردمی که علیه بیکاری و علیه فقر بلند شده بودند رگبار بستند و در این حمله وحشیانه حداقل ۵ نفر از کارگران کشته و دهها نفر زخمی شدند. آنچه که در خاتون آباد و شهر بابک اتفاق افتاد یک واقعه سیاسی مهم بود که در مقابل کارگران و کل جامعه فصل جدیدی از مبارزه علیه جمهوری اسلامی را گشود. این اتفاق در شرایطی روی داد که اعتراض همه بخش های جامعه را فرا گرفته است، اعتراضات کارگران علیه بیکارسازیها و علیه تهاجمات رژیم هر روز گسترده تر میشود و طبقه کارگر در ابعاد وسیع جبهه مقابله با تهاجمات سرمایه را بتدریج میگشاید و توجه کل جامعه را بخود جلب میکند.

تهاجم مسلحانه به کارگران ذوب مس در خاتون آباد با هر برنامه ریزی ای که صورت گرفته باشد هم وحشت دست اندرکاران حکومت را از فضای اعتراضی در جامعه منعکس میکند و هم میخواهد ظرفیت و قدرت حکومت را برای مقابله با کارگران و مردم به آزمایش بگذارد. اما واقعیت اینست که امروز رژیم در وخیم ترین شرایط بسر میبرد و با گسترش اعتراض در اعماق جامعه در موقعیتی قرار ندارد که با توسل به سرکوب بتواند مبارزات کارگران و بخش

های مختلف جامعه را به عقب براند. همین امروز میبینیم که رژیم اعتراضات کارگران و مردم خاتون آباد و شهر بابک را سرکوب کرد، اما نتوانست صدای اعتراض مردم آنجا را خاموش کند. نتوانست با وجود برقراری حکومت نظامی و دستگیری و ارباب جلوی اعتراضات مردم را بگیرد. بلکه بعکس حمله به کارگران و مردم شهر بابک خشم و اعتراض بیشتر مردم را در پی داشت و رژیم بیش از هر وقت به وحشت و هراس افتاد و این را در ضد و نقیض گویی هایش میتوان مشاهده کرد و هم اکنون خاتون آباد و شهر بابک در اعتصاب و تعطیلی بسر میبرد. بدون شك این اعتراضات به اینجا خاتمه نخواهد یافت. بنابراین مجموعه این شرایط و وظایف جدیدی را در مقابل کارگران کمونیست و رهبران اعتراضات کارگران و بخش های مختلف جامعه قرار میدهد. در چنین شرایطی باید با اعتراضات وسیع خود این زور آزمایشی رژیم را به شکستی قطعی و کامل تبدیل کنیم و به مبارزاتمان برای سرنگونی این رژیم و کلیت این نظام شدت دهیم. اعتراض گسترده کارگران خاتون آباد و شهر بابک، حمایت وسیع و سراسری مردم از مبارزات آنان و شدت دادن به صدای اعتراض علیه جمهوری اسلامی در اوضاع کنونی ایران نقشی سیاسی دارد. اینها همه مسائلی است که باید فوراً به موضوع بحث مجامع عمومی کارگران در کارخانجات تبدیل شود، در میان دانشجویان و جوانان و در مجامع و نشستهای معلمان و همه بخش های جامعه به بحث درآید و به موضوع اعتراض همه بخش های جامعه تبدیل شود. باید همانطور که جمعی از کارگران در ایران خودرو حمله به صف کارگران و مردم در خاتون آباد را محکوم کردند و از اعتراضات آنان حمایت کردند، کارگران، معلمان، دانشجویان و همه مردم با قطعنامه های حمایتی خود با مردم خاتون آباد و شهر بابک اعلام همبستگی کنند و یکصدا خواهان محکوم کردن و مجازات مسببین کشتار کارگران و مردم در سطحی علنی شوند. رژیم اسلامی از ترس گسترش اعتراضات مردم در خاتون آباد و شهر بابک و بویژه همجواری آن به منطقه زلزله زده بم و بلند شدن اعتراضات مردم محروم در آنجا و نیز برای به تسلیم در آوردن مردم و قطع ارتباط آنان با بخش های دیگر جامعه در این منطقه حکومت نظامی بر قرار کرده است، باید خواهان لغو فوری حکومت نظامی در خاتون آباد و شهر بابک شد. باید دستگیر شدگان این اعتراضات فوراً آزاد شوند و با برپایی مراسم بزرگداشت جانبازان در خاتون آباد به مبارزات خود علیه جمهوری اسلامی شدت داد. نباید مردم خاتون آباد و شهر بابک در انزوا بمانند باید با تمام قوا در حمایت و همبستگی از مبارزات آنان بکوشیم. این وظیفه رهبران رادیکال و کمونیست در میان کارگران و در همه

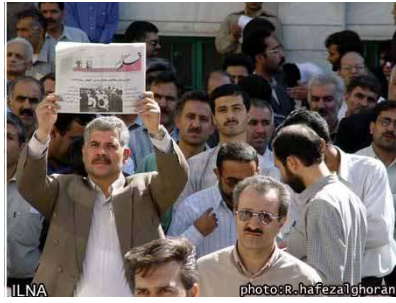
بخش های دیگر جامعه است که به تدارك چنین اعتراض وسیع و سازمانیافته ای بروند. مجامع عمومی در محیط های کارگری و تجمعات و نشستهای معلمان و دانشجویان و بوجود آمدن این مجامع در همه جا باید به ستاد برنامه ریزی و تصمیم گیری برای پیشبرد مبارزه ای متحد و سراسری تبدیل شوند. هم اکنون کل جامعه در التهاب و مبارزه بسر میبرد. آنچه که امروز در خاتون آباد و شهر بابک اتفاق افتاد وزن سنگینی به همه این اعتراضات داده است. همه این اعتراضات را حلقه ای مشترک به هم پیوند میدهد. حلقه مبارزه علیه فقر و گرسنگی، حلقه مبارزه برای آزادی و برابری. حلقه مبارزه برای رهایی از حاکمیت رژیم توحش اسلامی. حلقه ای است که امروز بیشترین زمینه همبستگی را در میان بخش های مختلف اعتراض در جامعه بوجود آورده است. باید این حلقه را در دست گرفت و به مبارزه ای وسیع و متحد دامن زد. امروز روز شدت دادن به جنبش حق طلبی و فشردن گلوی حکومت توحش اسلامی طبقه سرمایه دار زیر فشار مبارزه برای دستیابی به جامعه ای انسانی و آزاد است.

شهلا دانشفر

۲۸ ژانویه ۲۰۰۴



دو روز اعتصاب و راهپیمایی در کارخانه لوله سازی خوزستان-روز ۱۶ دیماه ۸۲



۱۳ مهر روژ. جهاني معلم



فرش گیلان دي ۸۲



لوله سازي خوزستان اسفند ۸۲



تجمع کارگران گاز ملی مرداد ۸۲



تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی مهر ۸۲

کارگران در سال ۸۳

سال ۸۳ سال پر جنب و جوشی بود. در سال ۸۳ ما شاهد حال و هوای جدیدی در جنبش کارگری در ایران بودیم. مبارزات کارگران در سال ۸۳ به لحاظ اشکال اعتراضات، طرح مطالبات، اشکال سازمانیابی و همبستگی و اتحاد کارگری شکل تعرضی تر و رادیکالتری بخود گرفته و بیش از هر چیز نشانگر رشد گرایش چپ و رادیکال در راس اعتراضات کارگری و در کل جامعه بود.

در همان آغاز سال گذشته، ده روز کمپین و اعتراض برای آزادی دستگیر شدگان اول مه در سقز که يك سر این کمپین در سقز و سر دیگر آن در اقصاء نقاط جهان در استرالیا و آمریکا بود، به پیروزی رسید. کارگران دستگیر شده اول مه در میان جشن و شادی مردم شهر سقز از زندان آزاد شدند و این پیروزی توازن قوای جدیدی از مبارزه کارگران و مردم با رژیم را به نمایش گذاشت. همچنین بیش از یکماه اعتصاب کارگران نساجی کردستان و پایان موفقیت آمیز آن، بر فضای سیاسی شهر سنندج و در میان کارگران در سراسر ایران تاثیر زیادی داشت و توانست فصل جدیدی در مقابل جنبش کارگری در ایران بگشاید. کارگران در این حرکت اعتراضی با خواست حقوق ایام اعتصاب، با تشکیل کمیته اعتصاب و ایجاد صندوق همبستگی مالی، با نوشتن نامه خطاب به مردم و کل جامعه و به نهادهای بین المللی کارگری اشکال رادیکالتر و پیشرفته ای از حرکت و اعتراض را به نمایش گذاشتند و طرح خواست حقوق ایام اعتصاب و عقب نشینی دولت، دفاکتو مساله حق اعتصاب را به کارفرمایان و دولت تحمیل کرد و این يك پیشروی بزرگ برای جنبش کارگری بود. مهمتر اینکه در این حرکت اعتراضی تلویزیون کانال جدید و تبلیغات حزب کمونیست کارگری ایران توانست بر فضای شهر سنندج و بر اعتراض روز به روز کارگران نساجی کردستان و بر جلب حمایت و پشتیبانی وسیع در میان کارگران از این اعتراضات تاثیر بگذارد و بعد از آن در حرکات اعتراضی دیگری در چندین مرکز کارگری دیگر شنیده میشد که کارگران میگویند، می خواهیم حزب به ما رهنمود دهد و می خواهیم اینجا را هم به نساجی کردستان تبدیل کنیم. در واقع اعتصاب کارگران نساجی کردستان و نقش حزب در آن، سرآغاز رابطه جدیدی بین حزب و جنبش اعتراضی کارگری بود. در این حرکت اعتراضی

برای اولین بار علنا و آشکارا در میز مذاکره با کارگران از اینکه چرا اخبار اعتراضات کارگران در سایتهای حزب کمونیست کارگری منعکس میشود صحبت شد و کارگران با اعتماد به نفس ایستادند و گفتند حقوقمان را بدهیم تا چنین نشود.

در واقع در سال گذشته برای اولین بار در تاریخ، جنبش کارگری در ایران توانست به ابزاری دست یابد که اخبار اعتراضاتش در آن منعکس میشود و صدای اعتراضش در سطح جامعه و در سطحی جهانی منعکس میگردد. نفس وجود تلویزیون کانال جدید مولفه جدیدی بود که وارد معادلات و توازن قوای سیاسی جامعه در مبارزات کارگران و در اعتراضات موجود در سطح جامعه شد. از جمله نقش این تلویزیون بود که کارگری از کاشی اصفهان با آن تماس گرفت و از اینکه این کانال خواستها و مطالبات کارگران را منعکس میکند و سخنگوی کارگران است ابراز خوشحالی کرد و به ضرورت جلو افتادن تلویزیون و نقش هماهنگ کننده آن برای رهبری اعتراضات کارگری و متحد کردن کارگران اشاره داشت. همچنین وقتی کارگران کاشی اصفهان توانستند خواست سه ماه حقوق در ازای هر سال سابقه کار را برای امر بازنشستگی به دولت بقبولانند، این زمزمه بلند شد که این عقب نشینی بدنبال کمپین فشرده حزب بر سر این موضوع در تلویزیون کانال جدید بوده است. اینها همه نمونه های قابل توجهی از موقعیت جدید حزب در جنبش اعتراضی کارگران و دیگر بخش های جامعه بود. تلویزیون کانال جدید خطاب به کارگران نساجی و پرستاران و غیره برنامه زنده داشت و خود تلویزیون بعنوان يك پدیده کاملا جدید بر فضای ملتهب امروز جامعه تاثیر گذاشت و معادلات را تغییر داد. در هر حال با توجه به همه این مولفه ها اگر امروز ما نگاهی به اعتراضات کارگری در سال ۸۳ بیندازیم، میبینیم که مبارزات کارگران در این سال از جنبه های متفاوتی نسبت به مبارزات کارگری در سالهای گذشته متمایز است. تمایزاتی که خود حال و هوایی جدیدی در جنبش کارگری بوجود آورده است. این تمایزات کدامند:

خواستها و مطالبات

يك جنبه برجسته اعتراضات کارگری در سال گذشته رادیکالیسم آن در بیان مطالباتش بود. در سال گذشته ما شاهد این بودیم که وقتی کارگر از حقوق و دستمزدش صحبت میکند، مقایسه او نه خط فقر اعلام شده از سوی دولت است، بلکه سطح حقوق و مزایایی است که به جیب

کارفرما می‌رود. در کارخانه پارس مینو کارگران دقیقاً با همین مقایسه به سطح نازل دستمزدهایشان معترض بودند و خواهان افزایش حقوقهایشان شدند. در کارخانه نساجی فومنات کارگران ضمن افشاری قراردادی پنهان میان مدیریت و مدیر عامل کارخانه به پرداخت ۳ میلیون به مدیر عامل و درصدی از سهام کارخانه اعتراض کرده و اعلام کردند که چرا کارفرما حقوق کلانی می‌گیرد و کارگران ماهها دستمزدی دریافت نمی‌کنند. نمونه دیگر رشد رادیکالیسم کارگران در بیان مطالباتشان، خواست تشکل واقعی کارگری و اعتراض به مامشات سازمان جهانی کار با جمهوری اسلامی در شکل ایجاد کمیته پیگیری تشکل آزاد کارگری با چند هزار امضاء بود. در همین رابطه به طومار اعتراضی کارگران با خواست ۴۵۰۰۰۰ تومان حداقل دستمزد را نیز میتوان اشاره کرد. همچنین خواست حقوق ایام اعتصاب از سوی کارگران نساجی کردستان و عقب نشینی دولت و کارفرما، گام مهم دیگری بود در جنبش کارگری در جهت مبارزه برای تشبیت حق اعتصاب. همه این شواهد نشانه‌هاییست از رشد رادیکالیسم کارگران در بیان خواستها و مطالباتشان در سال ۸۳ است.

بنابراین در سال گذشته اگر چه مبارزه علیه استخدام‌های قراردادی، مبارزه علیه بیکارسازیها و مبارزه علیه دستمزدهای پرداخت نشده هنوز محورهای اصلی مبارزات کارگران را تشکیل میداد، اما حرکاتی چون جنب و جوش حول خواست تشکل واقعی کارگری و خواست افزایش حداقل دستمزدها، حرکاتی است حول دو خواست کلیدی و سراسری که بیش از هر چیز فضای سیاسی امروز جنبش کارگری و جنبش اعتراضی در ایران را بیان میکنند. بعلاوه گزارشات نشان میدهد که حتی در همان مبارزات هر روزه کارگران علیه دستمزدهای پرداخت نشده و یا اخراجها، خواستههای کارگران فراتر رفته و کارگران با روحیه تعرضی تری بر روی خواستههایشان پافشاری میکنند. از جمله کارخانه را تحت کنترل در میاورند، اولتیماتوم میدهند و وقتی هم مورد تعرض قرار میگیرند در مقابل آن می ایستند و کوتاه نمی آیند. این فضای عمومی مبارزات کارگری در سال ۸۳ و در شرایط امروز است و از همین رو امروز در موارد بسیاری از این اعتراضات، ما شاهد عقب نشینی کارفرما و دولت در برابر مبارزات و پافشاری کارگران بر روی خواستها و مطالباتشان هستیم.

اشکال مبارزات

امروز در جنبش کارگری در ایران اعتصاب، راهپیمایی، و اولتیماتوم دادن به اشکال معمول اعتراضات کارگران تبدیل شده است. برای مثال در همین اسفند ماه، ما شاهد کنترل یک‌کهفته ای کارخانه توسط کارگران فیلور و عقب نشینی مدیریت در برابر فشار اعتراضات آنها بودیم. اعتصابات طولانی مدت یکماهه و حتی طولانی تر، نظیر بیش از یکماه اعتصاب در معدن ذغال سنگ البرز غربی در سنگرود گیلان و نساجی کردستان، راهپیمایی کارگران نظیر راهپیمایی کارگران پارس ایران و کارگران کشت و صنعت دشت مغان و جاده بستن ها، برپایی تحصن و پیکت های اعتراضی در مقابل مراجع دولتی همه و همه نمونه های برجسته ای از اعتراضات کارگران در سال ۸۳ بود که منجر به کشیده شدن اخبار این اعتراضات در صدر خبرهای روزنامه ها و رسانه های دولتی شد.

همچنین همانطور که بالاتر اشاره شد، در سال ۸۳ و همین امروز ما شاهد حرکات اعتراضی فراکارخانه ای و سراسری حول خواستهای سراسری حق تشکلی و افزایش حداقل دستمزدها هستیم. دو نمونه طومار اعتراضی از سوی کمیته پیگیری ایجاد تشکلی های آزاد کارگری با چند هزار امضا، خطاب به سازمانهای بین المللی کارگری و آی ال او، در اعتراض به مماشات (ILO) سازمان جهانی کار با جمهوری اسلامی و در اعتراض به استخدام های قراردادی و با خواست تشکلی واقعی کارگران در ایران و همچنین طومار اعتراضی کارگران در ایران در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و خواست حداقل ۴۵۰۰۰۰ تومان دستمزد، دو نمونه برجسته و مهم اعتراضی سراسری و فراکارخانه ایست که از سوی رهبران و فعالین کارگری در سطحی سراسری شکل گرفته اند. این اعتراضات طلایه های جدیدی از وارد شدن جنبش کارگری به عرصه های گسترده و سراسری مبارزه در شرایط سیاسی امروز است.

سازمانیافتگی مبارزات

يك وجه بسیار برجسته مبارزات کارگری در سال گذشته سازمانیافتگی این مبارزات بود. نقش مجمع عمومی منظم کارگری در اعتصاب کارگران نساجی کردستان و مجامع عمومی در مبارزات هر روزه کارگران، تشکلی کمیته اعتصاب در نساجی کردستان، تشکلی صندوق های همبستگی مالی در میان کارگران کشت و صنعت مغان و کارگران نساجی کردستان و تشکلی کمیته پیگیری تشکلی آزاد کارگری اینها همه شکل های پیشرفته تر و سازمانیافته تر پیشبرد اعتراضات کارگری در سال گذشته است. نکته مهمتر اینکه پیشبرد اعتصابات طولانی مدت

خود نشان دهنده درجه بالایی از سازمانیافتگی این مبارزات است. پشت این اعتراضات میتوان نقش رهبران و فعالین چپ و رادیکال را دید که این اعتراضات را قدم به قدم به پیش میبرند. از جمله در این اعتراضات ما شاهد آنیم که کارگران بطور منظم مجمع عمومی تشکیل میدهند، در این مجامع نمایندگان خود را انتخاب میکنند، نمایندگان خود را برای مذاکره با دولت و کارفرما تحمیل میکنند، قطعنامه میدهند، و غیره. و در واقع ما امروز در يك قدمی تبدیل مجامع عمومی کارگری به مجامع عمومی منظم کارگری قرار داریم.

حمایت ها و همبستگی ها

يك وجه دیگر و قابل توجه در مبارزات کارگری در سال ۸۳ حمایتها و پشتیبانی هاست. امروز ما در مبارزات کارگری اشکال پیشرفته تری از همبستگی و اتحاد کارگری را شاهدیم. پیامهای همبستگی و حمایت از مبارزات کارگران در بخش های مختلف، دادن قطعنامه و بیانیه و انعکاس اخبار کارگران در سطح جامعه و حتی بین المللی بیش از پیش دارد به سنت های رایج جنبش کارگری تبدیل میشود و اتخاذ چنین اشکالی از مبارزه باعث شده که امروز مبارزه کارگران بیش از هر وقت به صحنه سیاسی جامعه کشیده شود.

ده روز کمپین و اعتراض برای آزادی دستگیر شدگان اول مه در سقز و موفقیت این کمپین و آزادی کارگران دستگیر شده در میان جشن و شادی مردم شهر سقز، يك نمونه برجسته این همبستگی بین المللی کارگری بود. نمونه دیگر آن تقدیم موزیک Life is Life از سوی کارگران نساجی شاهو در سنج در کارگران نساجی کردستان و در حمایت از مبارزاتشان بود. این حرکت نمونه ای از حال و هوایی جدید در جنبش کارگری و سنتی رادیکال و مدرن است که حتی امروز در اروپا نیز نظیر آنرا کم میتوان دید. این حرکت نشان دهنده پا به صحنه گذاشتن نسل جدیدی از رهبران کارگری است که چپ است، رادیکال است، مدرن است و با سنتنهای جدیدی مبارزه میکند.

از نمونه های دیگر این همبستگی ها میتوان موارد زیر را برشمرد:

صعود جمع هایی از کارگران به بلندیهای کلون بستک در حمایت از کارگران معدن مس خاتون آباد، در سالروز حمله به صف تظاهرات کارگران این معدن و کشتار ۴ تن از این کارگران در شهر بابک



حمایت جمع‌هایی از کارگران ایران خودرو از همکاران اخراجی خود و نامه اعتراضی آنها به نهادهای بین‌المللی و موفقیت آنها در بازگرداندن کارگران اخراجی بسر کارشان و همین‌طور حمایت آنها از کارگران نساجی فومنات، در اعتراض به سرکوب آنان قطعنامه کارگران در اول مه که یک بند آن به حمایت از کارگران خاتون‌آباد اختصاص داشت پیام همبستگی کارگران نساجی در تجمع اعتراضی‌شان در اول مه در حمایت از اعتصاب معلمان

تجمع اعتراضی کارگران نساجی در کاشان و پیوستن جوانان شهر به صف اعتراض آنان یکماه اعتصاب و تحصن کارگران نساجی سنندج و حمایت وسیع مردم این شهر از اعتراض آنان اینها گوشه‌هایی و در عین حال نمونه‌های برجسته‌ای از همبستگی و اتحاد کارگری و پیشروی جنبش کارگری در شرایط کنونی است.

اینها همه مولفه‌هاییست که در مبارزات کارگری در سال ۸۳ میتوان آنها را به روشنی دید. اینها همه نشان‌دهنده این واقعیت است که امروز اعتراضات کارگری در ایران در متن اوضاع پر التهاب جامعه بیش از هر وقت روندی رو به رشد دارد و این اعتراضات هر روز در اشکال سیاسی تر و تعرضی‌تری دارد خود را بیان میکنند.

در سال ۸۳ حدود ۴۰۰ خبر و گزارش از اعتراضات کارگری بدست ما رسید که این گزارشات گوشه کوچکی از جنب و جوش اعتراضی کنونی در جنبش کارگری در ایران را به نمایش میگذارد.

به همه کارگران و مردم آزاده طومار اعتراضی کارگران را وسیعاً امضا کنید!

۷ فوریه ۲۰۰۵
www.kargaran.org

دوستان عزیز

طومار زیر در اعتراض به قراردادهای موقت، ممنوعیت ایجاد تشکلهای واقعی کارگران و قوانین ضد کارگری در ایران، از جانب بخشی از کارگران منتشر شده است. این طومار تاکنون توسط چند هزار نفر از کارگران مراکز مختلف در سراسر ایران امضا شده است. امضاها ادامه دارد و تومار در کارخانه ها و مراکز مختلف می چرخد و امضا میشود. این يك جنبش وسیع است که لازم است با بیشترین پشتیبانی مواجه شود.

همانگونه که میدانید کارگران از حق تشکل و اعتصاب و انتخاب نمایندگان واقعی خود در مذاکرات محرومند و در این طومار اعتراضی به این محرومیت دارند اعتراض میکنند. کارفرمایان و دولت کارگران را به کار تحت قراردادهای موقت و حتی قراردادهای سفید امضا ناچار کرده اند تا با از بین بردن هرگونه امنیت شغلی، شرایط کاملاً برده واری را به کارگران تحمیل کنند. کارگران به این شکل برده وار کار در ایران معترضند و خواهان پایان دادن به استخدامهای قراردادی و استخدام رسمی همه کارگرانی هستند که امروز بصورت قراردادی کار میکنند.

امروز حق تشکل، تشکل های مستقل از دولت، و اتکا به مجامع عمومی خود کارگران بیش از هرزمان حیاتی است. کارگران برای دستیابی به شرایط انسانی تر کار فعالانه پا به میدان گذاشته اند و مبارزه و تلاش وسیعی را برای مقابله با تحمیلات کارفرمایان و دولت در پیش گرفته اند. امضای این طومار یکی از ابتکارات جمعی کارگران است.

تقاضای ما از همه مردم شریف و آزاده اینست که این حرکت را از آن خود بدانید. از این ابتکار کارگران فعالانه پشتیبانی کنید. طومار را امضا کنید و همه دوستان و آشنایان خودرا تشویق کنید که آنرا امضا کنند. با امضای این طومار به کارگران معترض پاسخ مثبت دهید و به آنها پشتیبانی دهید. این مبارزه و اعتراض همه ماست.

نامه اعتراضی کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران به سازمانهای کارگری در سراسر جهان و سازمان بین المللی کار (آی ال او)

سازمانهای کارگری در سراسر جهان
سازمان بین المللی کار (آی ال او)

امروز در ایران حدود نیمی از کارگران با قراردادهای موقت کار و حتی با برگه های سفید امضا در بی حقوقی مطلق مشغول به کارند. طبق پیش بینی رسمی، کارگرانی که با قراردادهای موقت به کار گرفته میشوند، طی چند سال آینده ۹۰ درصد از کارگران شاغل را در بر خواهد گرفت. از سوئی دیگر قانون گذاران در ایران به دنبال خارج کردن کارگاههای دارای کمتر از ۵ و ۱۰ نفر (خروج از شمول سی ماده قانون کار) و کارگران قالیباف از شمول قانون کار، در پی محروم کردن کامل کارگران موقت از حداقل تامین اجتماعی میباشند. در این شرایط سازمان جهانی کار با اعزام نمایندگانی به ایران و نظارت بر امضاء تفاهم نامه در خصوص اصطلاحاتی در فصل ششم قانون کار موجود (در رابطه با تشکل های کارگری) که بدون حضور نمایندگان مستقل کارگران انجام گرفته، در کمال تاسف عملاً بر بیحقوقی کارگران در ایران صحنه گذاشته و به این وسیله به آن رسمیت بخشیده است. قطعاً کارگران ایران که به دلیل محرومیت از داشتن تشکل های مستقل خود همواره شاهد تحمیل قوانین ضد کارگری و مغایر با مقوله نامه سازمان جهانی کار (آل ال او) بوده اند، تفاهم نامه ای را که نمایندگان آنها در تنظیم و امضاء آن حضور نداشته اند به رسمیت نخواهند شناخت. لذا ما امضا کنندگان زیر خواهان برسمیت شناختن آزادی ایجاد تشکلهای مستقل کارگری هستیم.

در این راستا ضمن درخواست از وزارت کار و امور اجتماعی جهت رفع موانع تشکل یابی کارگران و به رسمیت شناختن نمایندگان مستقل کارگران جهت حضور در تمامی نشست های مربوط به تدوین قوانین مرتبط با کار از سازمانهای کارگری نیز در سراسر جهان میخواهیم تا از خواست های بحق کارگران ایران حمایت نمایند. همچنین از همکاران خود در این سازمانها و سایر مجامع بین المللی کارگری میخواهیم تا از سازمان جهانی کار بخواهند که به رسمیت

شناسی و نظارت به امضای هرگونه تفاهم نامه مربوط به قوانین کارگری در ایران را، منوط به حضور نماینده های مستقل کارگران (از طریق تصمیمات جمعی کارگران) و استفاده از ابزارهای لازم جهت نظارت بر این انتخابات بنمایند.

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران

بیش از ۳۰۰۰ نفر این طومار را امضاء کرده اند که اسامی نفر آن در سایت ها گذاشته شده است و این امضاء ها ادامه دارد.

طومار اعتراضی کارگران در ایران با خواست ۴۵۰۰۰۰ تومان حداقل دستمزد

در مورد حداقل دستمزدهای سال ۸۴

در حال حاضر دستمزدهای ما مطلقا کفاف زندگی ما را نمیدهد. در حالیکه حقوق همه مدیران و مقامات بالای يك ميليون و دومیلیون است و اکثرا درآمدهای دیگری هم دارند، اما حداقل دستمزدهای ماهانه ما ۱۰۶ هزار تومان است و این در حالی است که با کمتر از يك ميليون تومان نمیشود زندگی کرد. از استعمار ما اقلیتی مفتخور میلیاردر میشوند و ما حتی از پس هزینه تحصیل فرزندانمان هم بر نمیائیم. سطح بهداشت خانواده های ما بسیار پائین است، تغذیه فوق العاده پائین اعضای خانواده های ما را بیمار و رنجور کرده است، حقوقهای فعلی حتی کفاف اجاره يك خانه محقر را هم نمیدهد ناچیز ما صرف اجاره آلونک هائی میشود که به اسم خانه ما را مجبور به زندگی در آنها کرده اند و تفریح و لذت در زندگی ما معنی خود را ازدست داده است. دستمزدهای ناچیز فعلی میلیونها خانواده کارگری را متلاشی کرده و بلایای اجتماعی زیادی را دامنگیر کارگران کرده است. این زندگی شایسته هیچ بشری نیست.

ما کارگران و معلمان و پرستاران قراردادی و استخدامی، زن و مرد و شاغل و بیکار در سراسر کشور اعلام می‌داریم که یک زندگی بهتر و انسانی حق ما است، تغذیه و پوشاک مناسب، مسکن و بهداشت با استاندارد بالا و تفریح و استراحت حق ما است و برای استفاده از این حق دستمزدها به میزان زیادی باید افزایش یابد. بطور مشخص ما خواهان این هستیم که:

۱- دستمزدها حداقل یک میلیون تومان باشد. با اینهمه ما ضمن مبارزه برای رسیدن به یک دستمزد عادلانه بالای یک میلیون تومان، در اولین قدم خواهان این هستیم که حداقل دستمزد در جامعه تا ماهی ۴۵۰ هزار تومان افزایش یابد که امکان یک زندگی بخور و نمیر وجود داشته باشد و دستمزدهای کمتر از ۴۵۰ هزار تومان در قوانین مملکت بلافاصله ممنوع شود. این شامل همه کارگران استخدامی و قراردادی در کلیه بخشها و شامل همه معلمان و پرستاران و همه مردم زحمتکش میشود.

۲- ما اعلام می‌کنیم که کسانی که نیروی کارشان را می‌فروشند یعنی خود کارگران باید دستمزد را تعیین کنند و نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگران که بطور آزاد و بدون هیچ محدودیت و قید و شرطی توسط کارگران انتخاب شده اند تنها طرف مذاکره کارگران با کارفرما و دولت باشند.

۳- ما کارگران و معلمان و پرستاران استخدامی و قراردادی، شاغل و بیکار و زن و مرد در سراسر کشور اعلام می‌کنیم که دیگر این زندگی جهنمی را نمی‌پذیریم و برای تحقق این خواست عادلانه و بحق خود از همه مردم شریف و حق طلب در ایران و از همه سازمانهای کارگری در سراسر جهان می‌خواهیم از ما پشتیبانی کنند.

اسفندماه ۱۳۸۳

این طومار هم اکنون در محیط های کارگری جریان دارد. در شهرهای اصفهان کاشان تهران کرج دماوند آبادان امضاهایی حول آن جمع شده است. در کاشان نزدیک به ۳۰۰۰ امضا جمع شده است. این حرکت اعتراضی ادامه دارد

عکس هایی از اعتراضات کارگران در سال ۸۳



لوله سازی خوزستان خرداد ۸۳



خرداد ۸۳ چیت تهران تیرماه ۸۳



۱۶ آذر



کارخانه نساجی فومنات ۳ بهمن ۸۳



راهپیمایی اعتراضی نساجی پارس ایران
در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده ۲۸ آذر



کارخانه علا الدین ۱۴ بهمن ۸۳



کارخانه علا الدین ۱۴ بهمن ۸۳



کارخانه بهمن پلاستیک ۱۹ اسفند



نقش ایران بهمن ۸۲



مارش اعتراضی کارگران معدن زغال سنگ
سنگروود- ۱۶ اسفند ماه ۸۳



کتاب مبارزات کارگری در دو دهه اخیر (یک جمع‌بندی)، مروری است بر اعتراضات کارگری در ایران از مهرماه ۵۷ تا لحظه حاضر یعنی سال ۱۳۸۱. برای سهولت دنبال کردن موضوع من این دو دهه را به چهار دوره تقسیم کرده و کوشیده‌ام با اشاره به فاکتورها و رویدادهای هر دوره و برشمردن ویژگی‌های آن بتوانم به استنتاجات خود در فصل پنجم برسیم. طبیعتاً امکان آوردن همه اخبار در اینجا نبوده است و هدف هم این نبود. اما هیچ استنتاجی را بدون در دست داشتن فاکتورهای مشخص نیاورده‌ام. آنجا که امکان پذیر بوده فاکتورها و رویدادها را هم یادآوری کرده‌ام تا برای کسی که احیاناً از زاویه تاریخ نگاری به این نوشته مراجعه میکند، قابل استفاده باشد.

در آخر بحث نیز جمع بندی و تصویری از موقعیت کنونی طبقه کارگر به لحاظ سیاسی و مبارزاتی، به لحاظ تشکیلی، به لحاظ تحولات آن طیف این دو دهه و بوجود آمدن نسل جوان و جدیدی از رهبران کارگری ارائه شده است.

۲۵ فوریه ۲۰۰۲

این جمع‌بندی را من سه سال پیش و در سال ۲۰۰۲ نوشتم. اکنون در هنگام صفحه بندی آن بصورت کتاب، بعضی بخش‌ها را تکمیل کردم. اما در هر حال تبیین نوشته مربوط می‌شود به سال ۲۰۰۲، از اینرو در آخر کتاب من دو نوشته مبارزات کارگری در سال ۸۲ و "کارگران در سال ۸۳" را به صورت ضمیمه اضافه کردم تا کتاب جنبه تاریخی کاملتری پیدا کند.

۱۰ آوریل ۲۰۰۵

Shahla_daneshfar@yahoo.com
0044-777-98 98 968
www.kargaran.org

ISBN 91-970866-9-X